

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ





# فلسفه و صلح جهانی

خلاصه مقالات منتخب

محمد مبین  
همایش بزرگداشت حکیم صدرالمآلین شیرازی  
(ملاصدرا)

اول خرداد ۱۳۹۳، تهران



بنیاد حکمت اسلامی صدرا





# فهرست

صفحه	عنوان
۱۳	پیشگفتار.....
	فيلسوفان و صلح جهانی
۱۵	حسین کلباسی اشتری.....
	فلسفی اندیشی، پیش نیاز هرگونه صلح جهانی
۱۷	حمیدرضا آیت‌اللهی.....
	صلح، گوش سپردن و فهم تکثر بر مبنای فلسفه ملاصدرا
۱۸	قاسم پورحسن.....
	اخلاق اجتماعی اسلام و صلح جهانی از منظر حکمت متعالیه
۲۰	علی اله‌بداشتی.....
	جدال دو ضربی «آری و نه» بمنزله اساسی برای صلح
۲۱	رضا سلیمان حشمت.....
	صلح جهانی؛ اسباب و موانع تحقق آن
۲۲	علی اصغر مصلح.....
	آراء تاگور درباره صلح جهانی
۲۴	علی نقی باقرشاهی.....

بزرگواری روح در اندیشه استاد مطهری

عبدالرزاق حسامی فر ..... ۲۵

صلح، کارکرد حکمت متعالیه

طوبی کرمانی / مهدی قجاوند ..... ۲۷

صلح درونی و تأثیر آن بر صلح بیرونی

سحر کاوندی ..... ۲۹

مبانی فلسفی و دینی صلح و عدالت جهانی در حکمت متعالیه صدرایی

زهره توازیانی ..... ۳۱

مسئله امنیت و راههای دستیابی و حفظ آن: بررسی دیدگاههای خواجه طوسی

محسن جاهد ..... ۳۳

بررسی رابطه صلح، نجات، مصلح و انسان کامل از دیدگاه ابن عربی

فرشته ندری ابیانه ..... ۳۴

پیوند عقلانیت، معنویت و صلح در حکمت متعالیه

عین‌الله خادمی / علی حیدری ..... ۳۵

ایده مرز و پریش مشروعیت

سیدموسی دیباج ..... ۳۶

نقش فیلسوف در ایجاد صلح؛ مقایسه دیدگاه خواجه نصیر و کانت

شهین اعوانی ..... ۳۸

رسالت فلسفه، تنظیم رفتار انسان بر بنیاد نظم عالم (رای افلاطون و

ملاصدرا در این باب)

حسن بلخاری قهی ..... ۳۹

### انسان جهانی و صلح از نگاه ملاصدرا

فاطمه سلیمانی ..... ۴۱

### جهانی‌شدن و گفتگوی فرهنگها

شمس‌الملوک مصطفوی ..... ۴۲

### عقلانیت محوری ادیان، اساس عدالت اجتماعی و صلح جهانی

محسن پیشوایی علوی ..... ۴۴

### انسان‌شناسی فلسفی و صلح

عطیه زندیه ..... ۴۵

### موضع اسلام نسبت به خشونت

قدرت‌الله علیزاده ..... ۴۷

### فرهنگ مهارت و صلح پایدار

رضا ماحوزی ..... ۴۸

### گفتگوی ادیان و صلح جهانی

صالح حسن‌زاده ..... ۵۰

### انسان کامل و امنیت جهانی

قربانعلی محمدی‌نژاد ..... ۵۲

### مبانی فلسفی صدرالمتهلین در باب سیاست و نسبت آن با صلح جهانی

سیدمحمد اسماعیل سیدهاشمی ..... ۵۴

### صلح و سعادت در فلسفه سیاسی صدرالمتهلین

محمد مشکات ..... ۵۶

### عرفان نظری (رویکرد اجتماعی) و صلح جهانی

عظیم حمزئیان ..... ۵۹

صلح پایدار در اندیشه کانت

۶۱ ..... علی فتح طاهری

پیوند اخلاق، عدالت و صلح در حکمت متعالیه

۶۳ ..... سیدحسین واعظی

پیوند مفاهیم اخلاق، عدالت و صلح در اندیشه حکیم ملاصدرا

۶۴ ..... سیدشهاب‌الدین حسینی

سنجش مقایسه‌ی «عدالت و صلح» در آراء ارسطو و ابن مسکویه

۶۵ ..... سیمین عارفی

بررسی مفهوم «صلح» از دیدگاه علامه طباطبایی

۶۶ ..... شمس‌ی کاظم‌پور

بررسی و تحلیل مبانی صلح جهانی و پایدار در فلسفه عملی ملاصدرا

۶۸ ..... حسین قاسمی

بایسته‌های صلح جهانی در فلسفه سیاسی کانت و نقد آن

۷۰ ..... حسن مجیدی

صلح و آرامش در حیات انسان با رویکرد عرفان صدرایی

۷۱ ..... سیمین اسفندیاری

رابطه صلح و انسان کامل نزد بابا افضل‌الدین کاشانی

۷۲ ..... مصطفی شهرآیینی / مهدیه آهنی

تبیین سازگاری کثرت نوعی انسان ملاصدرا با تساوی حقوق بشر

۷۴ ..... عبدالله صلواتی / الهام پیرمحمدی

نقش انسان کامل در صلح

۷۵ ..... نصرالله حکمت / نفیسه تنها



- صلح از منظر مولانا و دلالت‌های تربیتی آن  
علی محمد ساجدی / شهرزاد راه‌نمایات ..... ۷۶
- عرفان اسلامی و صلح جهانی براساس اندیشه‌های ابن عربی و مولوی  
رضا اسدپور ..... ۷۷
- مقارن‌سازی نگاه فلسفی دینی به انسان، گامی در جهت تحقق صلح جهانی  
محمدباقر عامری‌نیا ..... ۷۸
- کرامت انسانی و صلح براساس حکمت متعالیه و فلسفه لایب نیتس  
امراه معین ..... ۸۰
- بررسی ابعاد و مراتب خودآگاهی و تأثیر آن در تحقق صلح جهانی با نظر به آراء  
ملاصدرا و هگل  
حسین زمانیا ..... ۸۲
- ضرورت صلح و همبستگی در هماهنگی با تعالی روح و روان انسان  
رضوان رحیمی ..... ۸۴
- بررسی نقش امر به معروف و نهی از منکر در جلب توافق ادیان و ایجاد  
صلح جهانی  
معصومه ذبیحی ..... ۸۵
- صلح جهانی؛ بیمها و امیدها  
محمدرضا شمشیری ..... ۸۶
- فلسفه مقارن و نقش آن در صلح جهانی  
شمس‌الله سراج ..... ۸۷
- فلسفه و گفتگوی تمدنها و فرهنگها  
فرحناز کهن ..... ۸۸

- صلح بر مبنای فلسفه سیاسی آیزایابریلین و صدرالمآلهین  
محمد مشکات..... ۹۰
- فلسفه و کودک، راهی نو برای رسیدن به صلح جهانی  
نواب مقربی..... ۹۱
- صلح صدرایی، قبایی بر تارک هستی‌شناسی  
علی‌مراد حسینی..... ۹۳
- نسبت میان «فلسفه» و «تربیت اخلاقی» با «صلح جهانی»  
اصغر سلیمی‌نوه..... ۹۵
- الزامات انسان‌شناختی صلح با نگاهی به آراء و اندیشه‌های مارتین بوبر  
رضا نصیری حامد..... ۹۶
- کرامت آدمی و حقوق بشر در اندیشه حافظ  
فاطمه علی‌پور / معصومه همایی..... ۹۸
- بنیادهای نظری حقوق بین‌الملل بشر در پرتو اندیشه‌های کانت  
جمال‌الدین شاعری..... ۹۹
- انسان کامل در آینه آثار افلاطون و ملاصدرا  
حسن صیانتی / مجتبی حاجی‌محمدی..... ۱۰۰
- تبیین وجودشناسی از مسئله صلح نزد ملاصدرا  
خدیدجه کثیری بیدهندی..... ۱۰۱
- سالک اسفار صدرایی، راوی صلح جهانی  
منوچهر خادمی..... ۱۰۲
- تحلیل نظرگاه ملاصدرا در باب اهمیت تبدل نفوس انسانی در تحقق صلح متعالی  
مهدی قائد شرف / روح‌الله دارایی..... ۱۰۳

- ملاصدرا، کثرت نوعی آدمیان و مدارا  
علیرضا فاضلی و طیبه فریدونپور ..... ۱۰۴
- بررسی مفهوم کرامت نفس و پیامد آن در صلح جهانی، با رویکردی تطبیقی  
در حکمت متعالیه ملاصدرا و عقل عملی کانت  
یحیی صولتی چشمه ماهی ..... ۱۰۵
- سهم شمول‌گرایی معرفتی فلسفه ملاصدرا در صلح پایدار  
عبدالله صلواتی / ابوذر پاک‌نهاد / علیرضا شجاع‌الدین کاشان ..... ۱۰۶
- صلح جهانی ثمره تفکر جهانی  
علی‌مراد حسینی ..... ۱۰۷
- بررسی رابطه عنایت الهی و صلح جهانی از منظر فلسفه دین  
مهدی ابوطالبی یزدی ..... ۱۰۸
- فلسفه تطبیقی، تفاهم ملتها و صلح جهانی  
عصمت‌اله عربان ..... ۱۰۹
- عرفان اسلامی و صلح جهانی  
حسین نعمتی ..... ۱۱۱
- فلسفه تطبیقی بستری برای شکلگیری گفتمان فلسفی شرق و غرب  
سیدمصطفی شهرآیینی / محمد سینا میرزایی ..... ۱۱۲
- مقایسه تطبیقی غایت حرکت تاریخ در اندیشه کانت و دکترین مهدویت  
روح‌الله شاکر زواردهی / محسن طاهری صحنه ..... ۱۱۳
- دستیابی به صلح در اندیشه کانت و لویناس  
حسن فتح‌زاده / حسین عبادتی ..... ۱۱۴

- تقدم زمانی «علت» در پیدایش عقاید جمعی و ضرورت تقدم «دلیل» بعنوان راه حل مسئله جنگهای عقیدتی
- علی اصغر مروت..... ۱۱۶
- تکفیر فیلسوفان از سوی غزالی؛ چالشی فراروی صلح جهانی
- رحمت الله رضایی..... ۱۱۸
- جنگ و صلح و نسبت فرهنگها
- مهدی پارسا خانقاه..... ۱۱۹
- پلورالیسم نجات؛ مبنایی برای صلح جهانی در اندیشه صدرالمتألهین
- رحیم دهقان سیمکانی..... ۱۲۰
- نقش آفرینی فلسفه در صلح اخلاقی
- محمد آهسته / احمد آهسته..... ۱۲۱
- تحلیل فلسفی «صلح» بر مبنای انسان‌شناسی هابز و هستی‌شناسی ملاصدرا
- پدرام پورمهران..... ۱۲۲
- فلسفه و صلح جهانی (راولز و صلح دموکراتیک)
- رامین پورسعید..... ۱۲۳
- صلح جهانی و مفهوم آزادی در فلسفه کانت و هگل
- هژیر مهری..... ۱۲۴
- بررسی تطبیقی حدود عقل در فلسفه کانت و ملاصدرا در شناخت‌شناسی
- اصغر فتحی عمادآبادی / محدثه آهنی..... ۱۲۵
- بررسی نقش هنر در آموزش و ترویج فرهنگ صلح به کودکان
- حسنعلی بختیار نصرآبادی / مهین برخوردار..... ۱۲۶

### صلح و اقسام مختلفه آن در اسلام

۱۲۷..... علی حقی / مهدیه طباطبایی

### اصالت جنگ یا اصالت صلح از منظر قرآن کریم

۱۲۸..... حسین بهروان / فریبا خیاط

### صلح بر سر حقیقت

۱۲۹..... میلاد نوری یالقوز آغاجی

### صلح مبتنی بر عدالت و دعوت

۱۳۰..... مسعود راعی / رضا سورانی یانچشمه

### مهرورزی و صلح در مکتب کنفوسیوس

۱۳۲..... محمود زهیری هاشم آبادی / محمد کدخدایی

### عدالت، شرط حکمت و غایت صلح، پرتوی از فلسفه صدرایی بر اندیشه پارمنید

۱۳۳..... احمد قطبی میمنندی

### بررسی نقش آموزش و پرورش در تربیت افراد صلح طلب

۱۳۴..... علی صحبت‌لو

### سازمان ملل و حقوق بشر

۱۳۵..... سعیده زراعتکار مغانی

### کودک، تفکر فلسفی و صلح‌مداری

۱۳۶..... اصغر فتحی عمادآبادی

### تحلیل حقوقی جایگاه اخلاق در اجرای فرایند مداخله بشردوستانه در

### نظام بین‌الملل

۱۳۷..... ایرج رضائی‌نژاد / الهه اصغری / کیوان زمردی

- سیاست در نگاه فارابی مساوی عدالت، سعادت و صلح  
آذر کریمی ..... ۱۳۹
- صلح و آشتی از منظر حکمت متعالیه  
مریم سنجانی / فاطمه عاشوری ..... ۱۴۰
- نقش الگوهای برتر صلح؛ قرآن، عترت و سه فیلسوف معاصر مسلمان در  
کاهش معضل خشونت نوجوانان  
سیدرضا فاطمی ..... ۱۴۲
- بررسی مبانی انسان‌شناختی صلح نزد ملاصدرا و کانت  
مرضیه حیدری‌فر ..... ۱۴۴
- صلح و خشونت در نظریه فیض فارابی  
ریحانه صارمی و محمدمهدی فلاح ..... ۱۴۶
- مسئله «صلح» در اندیشه سیاسی فارابی  
محمود ایرانی‌فرد ..... ۱۴۷
- فلسفه جهاد، تلاش برای نیل به صلح پایدار  
مرضیه گیوریان ..... ۱۴۸
- صلح فلسفی و عقلانیت در تفکر ملاصدرا  
فائزه عبادکوهی ..... ۱۵۰

- سیاست متعالی (شریعت محور) از نگاه ملاصدرا و امام خمینی بعنوان  
مهمترین عامل برای صلح جهانی و سعادت بشر
- داریوش پاک‌نیت ..... ۱۵۲
- صلح در فلسفه سیاسی فلاسفه اسلامی
- عبدل عسگری صیمره ..... ۱۵۴
- طرح مبنایی اخلاقی برای صلح جهانی با تکیه بر اخلاق فضیلت
- ستاره عزت‌آبادی ..... ۱۵۵
- در چند و چون گفتگوی فرهنگها؛ «نقش هرمنیایی فلسفه»
- مرجان شکری / صالح صادقی ..... ۱۵۶
- صلح و مسئولیت اخلاقی: صلح جهانی از چشم‌انداز اخلاق مسئولیت
- محمد شکری ..... ۱۵۷
- گفتگوی تمدنها و فرهنگها: استقرار صلح جهانی در گرو گفتگوی میان تمدنی؟!
- میلاذ فاتحی / رضا مداحی ..... ۱۵۸
- ضرورت وجودمداری دینی در گفتگوی ادیان و ارتباط آن با صلح جهانی
- روشنک جهانی ..... ۱۵۹
- جامعه انسانی در گذار از فرد تا شخص (بررسی تطبیقی انسان‌شناسی فلسفی  
ژان پل سارتر و مارتین بوبر و تأثیر آن در تعریف جامعه و روابط انسانی)
- مریم سپهری ..... ۱۶۱
- گفتگوی فرهنگها راهکاری جهت صلح و امنیت بشر
- کیوان ابراهیمی ارمی و زهرا فاتحی ..... ۱۶۲
- خوانشی فلسفی از اعلامیه جهانی حقوق بشر
- مرجان شکری / صالح صادقی ..... ۱۶۳

نسبت انسان و فرهنگ در اندیشه ارنست کاسیرر

علیرضا کلبادی نژاد..... ۱۶۵

رابطه سیاست و اخلاق در دستیابی به عدالت اجتماعی در نظر آرنست

مریم وحیدزاده ..... ۱۶۶

جایگاه صلح در قرآن و سنت

رقیه غفاری..... ۱۶۷

فراخوان حقوق شهروندی اسلامی به صلح جهانی

تینا عقبائی ..... ۱۶۸

فلسفه جهاد و صلح در قرآن و سنت

عبدالغفور جامی رودی / امین‌الله سالم رودی ..... ۱۶۹

هستی‌شناسی جنگ و صلح از دیدگاه اسلام و رابطه آن با ایدئولوژی سلفی در

روابط بین‌الملل

محمدحسن خواجوئی راوری / عباس عباس‌پور باغابری ..... ۱۷۱



# سکفتار

امروزه که جهان استکباری غرب بعناوین مختلف، تحمیل تفکر و فرهنگ و الگوی زندگی غربی را برای سایر ملل در پیش گرفته است، فلسفه اسلامی موظف است معنای حقیقی مفاهیمی چون صلح و عدالت و جامعه را روشن نماید. از اینرو بنیاد حکمت اسلامی صدرا بر آن شده است تا هجدهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرا را با موضوع «فلسفه و صلح جهانی» در محورهای فلسفه و صلح جهانی؛ اسلام، فلسفه اسلامی و صلح جهانی؛ فلسفه، عدالت و صلح جهانی؛ فلسفه، روابط بین‌الملل و صلح جهانی؛ فلسفه، تربیت و صلح جهانی؛ فلسفه و هنر حماسی؛ عرفان اسلامی و صلح جهانی و یا سایر عناوین و موضوعات مرتبط برگزار نماید. پس از تصویب موضوع در شورای عالی علمی این بنیاد، فراخوان مقاله همایش به اعلان عمومی رسید و در مدت مقرر، ۱۸۴ مقاله از ۱۹۸ نفر به دبیرخانه همایش واصل گردید که از میان آنها مقالاتی که چکیده آنها در این مجموعه پیش روی شماست، همسو با محورهای همایش دانسته شد.

**دبیرخانه همایش**



## فیلسوفان و صلح جهانی

حسین کلباسی اشتری\*

صلح در بُعد جهانی آن از چه زمانی و توسط چه کسانی مطرح شده است؟ امروزه مفاهیمی چون امنیت، بهداشت، حقوق، زیست، نظم و مانند اینها با «پسوند» جهانی مطرح شده و بسیار رایج است. از زمان اسکندر و ایده «جهان وطن» او تا حدود قرن یازدهم میلادی که در دنیای مسیحیت، سخن از «دین جهانی» بمیان آمد، کسی از مقوله جهانی شدن حیثیات بشری چیزی نگفت، اما امروزه «جهانی‌شدن» اقتصاد و فرهنگ و هنجار و سبک زندگی و مانند آن بر سر زبانهاست. برآستی چه میشود که آدمی در اندیشه جهانی ساختن این امور است و ضرورت آن از کجا نشئت میگیرد و غایت و فرجام آن چیست؟ در مقوله صلح جهانی، تا آنجا که میدانیم نخستین رساله، آنها با سبک و سیاق فلسفی، نوشته کانت با عنوان *در باره صلح پایدار*، یک طرح فلسفی است که اواخر قرن هجدهم به نگارش درآمده است. البته خاستگاه نظری کانت در این رساله هم ناظر به آرمانهای انقلاب فرانسه بود و هم ناظر به مبانی انسانشناسی او، لکن مانند اخلاق صوری او، در حد یک طرح آرمانی باقی ماند. قبل و بعد از کانت، کمتر فیلسوفی را میشناسیم که به مقوله صلح بی‌اعتنا بوده و درباره آن نیندیشده باشد. افلاطون، آگوستین، بیکن، مور، هابز و نیز هگل و یاسپرس و بسیاری دیگر، دغدغه صلح و همزیستی انسانها را داشتند و اساساً فلسفه نمیتوانست و نمیتواند نسبت بدان بیتوجه باشد؛ زیرا صلح با مقولاتی چون اخلاق، فضیلت، حق و حقوق و غایات بشری نسبت تنگاتنگ دارد. افلاطون تمامی این مقولات را ذیل نظم

کیهانی و نفس کلی منتشر در عالم میبندد و توجیه میکند، لکن تفکر جدید و تکنیکی آن را با عقل جزئی و کاربردی ملاحظه میکند. دشواری مطلب دقیقاً در همینجاست: صلح در بُعد و ساحت جهانی آن با چه هدفی و برای رسیدن به چه مقصدی مطرح میشود؟ فلسفه و فیلسوفان نوعاً صلح را در نسبت با اخلاقیات و کمالات آدمی میسنجند، لکن نگاه تکنیکی و ابزاری، صلح را برای رسیدن به مقاصد جزئی و شاید مطامع پاره‌یی از صاحبان قدرت، پول و تجارت لحاظ میکند. اکنون حداقلی که از اهل فلسفه در روزگار ما انتظار میرود، پیراستن این مقوله از پیرایه‌های غیراخلاقی و سودجویانه و بیان وجه تکوینی صلح و غایات منطوی در آن به زبان وجودشناسانه و البته غیرتکنیکی است.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه، صلح جهانی، خشونت، نوجوانان، الگوهای برتر

## فلسفی اندیشی، پیش نیاز هرگونه صلح جهانی

حمیدرضا آیت‌اللهی\*

اگر صلح را بعنوان یک ضرورت در تعاملات انسانی بدانیم، باید بررسی شود چه نوع اندیشیدنی میتواند بستر لازم را برای این ضرورت بشری فراهم سازد. هر نوع تکفیری اقتضائات خود را دارد که متناسب با آن انواع تعاملات انسانی میتواند شکل بگیرد. این نوشتار در نظر است انواع اندیشیدنهای بشری و ارسی گردد تا دریابیم که هریک چه اقتضایی را میتواند داشته باشد و آیا در بستر آن نوع اندیشه میتوان یک صلح فراگیر را پایه‌گذاری نمود.

در این میان، ساختارهای اندیشه‌یی همچون علم، فرهنگ، دین، اقتصاد، سیاست و ادبیات میتواند مورد کنکاش قرار گیرد تا در آزمونی تحلیلی، توان زمینه‌سازی صلح در بستر آنها ارزیابی گردد. این نوشتار در نظر دارد نشان دهد که هر یک از این انواع تفکر قادر نخواهند بود تعاملاتی صلح‌مدار بوجود آورند و در نهایت نشان خواهیم داد که این فلسفی‌اندیشی است که میتواند زمینه مناسبی را برای صلح ایجاد نماید و همچنین نشان خواهیم داد که هریک از انواع اندیشه فقط هنگامی میتوانند در صلح مشارکت جویند که از منظری فلسفی به ارائه دیدگاه خود پردازند و روش فلسفی را در بنای دیدگاه خود ضروری بدانند.

**کلید واژه‌ها:** صلح جهانی، فلسفی‌اندیشی، تفکر

## صلح، گوش سپردن و فهم تکثر بر مبنای فلسفه ملاصدرا

قاسم پورحسن\*

چرا میتوان مدعی شد که بر مبنای فلسفه ملاصدرا میتوان به صلح دست یافت؟ چه خصوصیتی در حکمت متعالیه وجود دارد که بر مبنای آن میشود بنیانهایی پایدار و فلسفی را برای تحقق صلح در دوره معاصر یا آینده شکل داد؟ آیا دفاع از فلسفه دینی ملاصدرا برای دستیابی به صلح موجب نخواهد شد که همانند سایر رهیافتهای دچار شکست شویم؟

حقیقت آن است که صلح، امری مقدس و بشری است. صلح نیازمند درک متقابل است؛ درک از انسان، درک از علایق و خواستههای متفاوت، درک از تکثر و نیازهای متنوع و شاید متغایر و بالأخره از همه مهمتر، درک از این حقیقت بنیادین که همه انسانها و جوامع و فرهنگها و تفکرات میتوانند چراغهای یک حقیقت اصیل و یک نور شکوهمند باشند. باید بقدر و شأن همه چراغها التفات نشان داد. صلح بدون فهم این حقیقت که همه انسانها در جستجوی غایتی هستند و همگان بقدر فهمشان عزیز و درخور احترام هستند، میسر نخواهد شد. صلح بیش از هر چیزی به فهم اصیل و ناب از انسان و قدر و عظمت او وابسته است. این فهم صحیح و عمیق، نیازمند شالوده‌هایی فلسفی است تا تفکر عقلی را فراهم سازد. فلسفه ملاصدرا توان شکل دادن این شالوده را دارد و در عین حال که یک فهم عمیق از انسان و حقیقت او عرضه میکند، بر تفکر عقلی پای میفشارد. این فلسفه میکوشد تا تفسیری از انسان، رستگاری، عقلانیت و از همه مهمتر، تکثر بدست دهد. تا از دیگران نشنوم، نمیتوانیم

سخن بگوییم. فلسفه حقیقی به ما می‌آموزد که بیشتر گوش بسپاریم. ملاصدرا با تفکر فلسفی به ما یاد میدهد گوش سپردن بخشی مهم از فراچنگ آوردن حقیقت است. گوش سپردن و سخن گفتن را میتوان نزد ملاصدرا یافت. سخن تنها بیان نیست بلکه برمبنای تفکر صدرایی، آشکار ساختن است و حقایق در پرتو آن عیان میگردد. صلح با شنیدن و گوش سپردن به دیگران معنا مییابد و ظهور پیدا میکند و دوام مییابد. وااندیشی در فلسفه ملاصدرا برای صلح یک رؤیا یا خیال یا توهم نیست، بلکه یک حقیقت است که در پرتو آن صلح بدرستی فهمیده میشود. چنانچه به فلسفه ملاصدرا از نگاه شالوده‌یی برای صلح بیندیشیم، بزرگترین ثمره آن را آشکار ساخته‌ایم و به فلسفه نه بسان کشاکشهای دروایی بلکه بمنزله درمان و بستر زندگی نگاه خواهیم کرد.

**کلید واژه‌ها:** ملاصدرا، تکثر، گوش سپردن، دیگران، صلح، تفکر فلسفی

## اخلاق اجتماعی اسلام و صلح جهانی از منظر حکمت متعالیه

علی اله بداشتی\*

یکی از ارکان تعالیم اسلام، اخلاق است. تعالیم اخلاقی اسلام به دو بخش اساسی اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی تقسیم میشود. اگرچه هریک از این دو بخش در ایجاد صلح جهانی تأثیرگذار است، اما آنچه مهمتر بوده و تأثیر آن نمایانتر است، اخلاق اجتماعی اسلام است.

اخلاق اجتماعی اسلام، محورهای بر شماری دارد که مهمترین آن ایثار، گذشت، عدالت، معاشرت نیکو و مانند آنهاست که در این نوشتار در حد مجال، پاره‌یی از آنها از جهت تأثیری که در ایجاد صلح جهانی دارند، بررسی میگردند.

**کلید واژه‌ها:** اسلام، اخلاق اجتماعی، صلح جهانی، ایثار، عدالت، معاشرت



## جدال دوضربی «آری و نه» بمثزله اساسی برای صلح

رضا سلیمان حشمت\*

در میان اقسام مواجهات با مسئله تقابل اعداد که از زمان زنون التایی بعنوان جدال (dialectic) موسوم و شهره گشته، مواجهه کل‌بینانه و سلمی (holistic) حکیمان امت شاهد وسط را که در آن دو طرف تقابل هم نفی میشود و هم در عین حال اثبات، اساس و بنیان محکمی برای تأمین، صلح میتوان دانست. این نحوه تلقی دوضربی و دووجهی که نه حذف مطلق خشونت‌مدار است و نه البته صلح کل هندی مذاق، در قالب تعبیر آری و نه صورتبندی میتوان پذیرد. این قسم جدال صلح‌مدار امان انجام در قیاس با «و ... و ...» هگل و «یا ... یا ...» ی‌کی‌یر کگارد از باب مثال، مبین سیری است از فطرت اول به فطرت ثانی (بتعبیر ملاصدرا) و سفری است از خلق به حق و از فرق به جمع و مانند آن و بالعکس که در وهله اول بیش و پیش از همه در جان حکیم عالم صورت تحقق میپذیرد و از آنجا به سراسر اجزاء عالم نشر و تسری مییابد.

**کلید واژه‌ها:** جدال، سه‌ضربی، انتخاب، دوضربی، سلم و کلّ

## صلح جهانی؛ اسباب و موانع تحقق آن

علی اصغر مصلح\*

«صلح جهانی» بمعنایی که امروز از آن سخن می‌گوییم، مفهومی مدرن و برخاسته از شرایطی است که با بسط فرهنگ مدرن پدید آمده است. بحث «صلح جهانی» در دوره مدرن، دو مرحله را پشت سر گذاشته است:

۱. با آغاز دوره روشنگری و پیدایش تصور جهانی یکپارچه که مناسبات آن براساس عقل مدرن تنظیم شده باشد، تصور ورود به جهانی که دولتها میتوانند براساس میثاقهای بین‌المللی به روابط صلح‌آمیز پایدار برسند، شکل گرفت. این تصور از صلح جهانی کاملاً متناسب با شرایط این دوران در اروپاست؛ دورانی که اروپائیان با اعتقاد به برتری فکر و فرهنگ خویش نسبت به همه صورتهای دیگر تمدن و فرهنگ، با خوشبینی نسبت به آینده، به برقراری صلح در سطح جهان می‌اندیشیدند. مشهورترین نمونه این نوع اندیشه طرح صلح پایدار کانت است.

۲. بعد از تجربه جنگ جهانی دوم و شکستگی بزرگترین جنگ تاریخ در قلب قاره اروپا، ساده‌نگریها نسبت به تحقق صلح جهانی به پایان رسید و تصور صلح جهانی اهمیت و معنای دیگری یافت. سیر تحولات فرهنگ و تمدن مدرن بسویی رفت که صلح دیگر امری کاملاً انسانی و برخاسته از اراده افراد انسانی نبود.

بعد از جنگ جهانی دوم، غلبه تکنیک بر زندگی و وضع جدید مناسبات قدرت و بخصوص اقتضانات اقتصاد جهانی و نقش رسانه‌ها در مناسبات بین‌المللی، تأثیر عوامل

\* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

انسانی در تداوم حالت صلح کمتر شد. در عصر معاصر همه عوامل و اسباب «قدرت» در ید اختیار انسان و وابسته به عوامل انسانی نیست. بهمین جهت، تصورات متعارف از صلح در گذشته، برای فهم اسباب و عوامل مقوم صلح کفایت نمیکنند.

برای کسی که در دوره معاصر به تداوم صلح می‌اندیشد، احصاء عوامل دخیل در شرایط زندگی صلح‌آمیز بسیار دشوار است و پژوهشی گسترده در حوزه‌های مختلف را می‌طلبد. اما اگر بنا به تصورات متعارف از مناسبات صلح‌آمیز و صرفاً با تکیه بر عوامل انسانی بخواهیم نظریات مختلف درباره صلح و جنگ در عصر معاصر را تقریر کنیم، بنظر میرسد که دست‌کم سه تلقی را میتوان طرح کرد:

۱. **طرح آئینها و سنتهای شرقی:** در این آئینها تصور بر این است که اگر به صلح درونی برسیم و انسان به چنان آرامش و صفایی برسد که میل به نزاع را در درون خویش از بین ببرد، در جهان خارج هم صلح برقرار میشود.

۲. **طرح فرویدی:** براساس نظر فروید، انسان همواره بین دو رانه قرار گرفته است: رانه بسوی لذت و رانه بسوی جنگ و ستیز، هر دو میل باید ارضا شوند. برای برقراری صلح باید راههایی برای تصعید و والایش جنگ‌طلبی پیدا کرد.

۳. **تفسیر مبارزه‌طلبانه برخی ادیان و آئینها:** براساس اینگونه تفسیرها، جنگ میان خوبی و بدی مهمترین اصل حاکم بر تاریخ است و در هیچ زمانی نمیتوان تصور زندگی بدون جنگ کرد.

**کلید واژه‌ها:** صلح جهانی، جنگ، اسباب، موانع

## آراء تاگور درباره صلح جهانی

علی نقی باقرشاهی\*

رابیندرانات تاگور، یکی از شاعران و متفکران شهیر هندی و برنده جایزه نوبل ادبی در سال ۱۹۱۳ میلادی، آراء خاصی درباره صلح دارد که قابل بررسی است. وی در واقع یکی از منادیان صلح جهانی است و اشعاری نیز درباره صلح سروده است. از نظر او صلح جهانی ریشه در معنویت دارد و آنچه آن را به خطر می‌اندازد، خوی سلطه‌جویی کشورهای غربی است که هیچ نسبتی با معنویت ندارند. کشورهای غربی با تکیه بر قدرت علمی و تکنیکی خود، در صدد استعمار کشورهای کوچکتر بوده و در نتیجه صلح جهانی را به خطر می‌اندازند. وی همچنین معتقد است برای برقراری صلح در جهان باید میان متفکران شرق و غرب گفتگو و تعامل فکری صورت بگیرد و نقاط مشترک آنها مورد تأکید قرار بگیرد. برای بررسی دقیقتر آراء تاگور درباره صلح لازم است به پایگاه فکری تاگور نیز اشاره‌ی شود. تاگور در واقع یکی از متفکران ودانتایی است و در بسط آراء خود تحت تأثیر آراء فلسفی حکمای بزرگ ودانتایی مانند شانکارا و رامانوجا بوده و در آثار خود کوشیده میان آن دو حکیم سازشی ایجاد کند که در این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** تاگور، صلح جهانی، جهان غرب، جهان شرق، حکمت ودانتا، استعمار

\* استادیار گروه فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

## بزرگواری روح در اندیشه استاد مطهری

عبدالرزاق حسامی فر\*

یکی از مسائل مهمی که هم اندیشه استاد مطهری و هم حیات علمی ایشان را تحت الشعاع خود قرار داده است، توجهی است که ایشان به تأثیر عنصر همت و اراده قوی، در تعلیم و تربیت و اخلاق دارد. از نظر ایشان اگر از انسانهای بی‌همت که به یک حیات طبیعی ساده اکتفا کرده‌اند و منتها و غایت نظرشان، رسیدن به چنین مقامی بوده است، صرف‌نظر کنیم به انسانهایی میرسیم که در مسیرهای خوب یا بد، با پشتکار قوی تلاش کرده‌اند و به مقامهای بلندی دست یافته‌اند؛ چنانکه بطور مثال ابوریحان بیرونی علم‌اندوزی را تا دم مرگ فرو نگذاشت و نادر شاه در جاه‌طلبی، راحتی و آسایش را بر خود حرام کرد تا به قدرتی بزرگ نایل گردد. استاد مطهری این گروه را انسانهای بزرگ مینامد که دارای همت بلند هستند. اما در میان این انسانهای بزرگ، کسانی هستند که بزرگی ایشان بواسطه حرکت در مسیر فضایل اخلاقی و ارزشهای الهی است. آنها روح خود را چنان بزرگ میدانند که هرگز اجازه نمیدهند به پستی رذائل آلوده شود. استاد مطهری این گروه را «انسانهای بزرگوار» میخواند. ایشان در تعلیم و تربیت بلند همتی را شرط ضروری رسیدن به کمالات انسانی معرفی میکند و در اخلاق، بزرگواری روح یا کرامت نفس را محور اخلاق اسلامی میدانند و در تعبیری زیبا میگویند که در منطق امیرالمؤمنین(ع) تمام رذائل اخلاقی در یک کلمه جمع میشود و آن پستی روح و بزرگوار نبودن است و تمام فضایل اخلاقی در یک کلمه جمع میشود و آن بزرگواری روح است. اگر انسان در روح خود احساس بزرگواری کرد،

---

\* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

فضایل در او ظاهر میشود و ردائیل از وی دور میگردد. در نوشتار حاضر ضمن بررسی تحلیل استاد مطهری از بلندهمتی و بزرگواری روح در دو حوزه تعلیم و تربیت و اخلاق، تحقق این امر در حیات علمی خود استاد، با بیان شواهدی از آن حیات پر بار، نشان داده خواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** بزرگی روح، بزرگواری روح، همت بلند، تربیت، اخلاق، کمالات انسانی

## صلح، کارکرد حکمت متعالیه

### طوبی کرمانی<sup>۱</sup>، مهدی قجاوند<sup>۲</sup>

قرآن کریم، حکمت حقه الهیه را مرادف خیر کثیر میدانند و انسانها را به این موهبت الهی میخوانند. از اینرو تأمل در چگونگیِ موجدیت حکمت از برای خیر کثیر و مصادیق آن در حکمت متعالیه که نشئت گرفته از قرآن است، تأملی بایسته و شایسته میباشد. مبانی اندیشه‌های دینی، تجربه‌های بشری و آرزوهای پیوسته انسانی به یک زیست و حیاتی توأم با صلح و آرامش، بیانگر نیاز فطری انسانها به چنین خیر و نعمتی است. از سوی دیگر، تجربه بشری نشان میدهد که به دلایل بسیاری از جمله سیطره‌طلبی انسانها، تحقق چنین آرمانی، جز با تحقق حکمت الهی در افکار و اندیشه و عقل و قلب انسانها امکانپذیر نمیشد و تنها زندگی حکیمانه است که انسان را در مسیر مستقیم، مستقر ساخته و از تشتت آراء و افعال پرهیز میدهد و شخص را در حیطه فردی و اجتماعی منسجم و منظم میسازد، چراکه در واقع جنگ از تشتت اذهان و قلوب نشئت میگیرد و در نهایت به ستیزه و بیعدالتی در عمل می‌انجامد. در این میان، رسالت جایگزینی هر چیز در مقام خویش بعهد حکمت الهی است و حکمت متعالیه با برخورداری لازم از منبع عظیم وحی، مستعد ابلاغ پیام حکیمانه و عادلانه صلح جهانشمول است. رسالت این نوشتار، در پی واکاوی در مبانی حکمت الهی و حکمت متعالیه و دریافت و استنتاج کارکردهای اخلاقی اجتماعی و معنوی این مکتب در باب نیاز آدمی به آن است و اینکه مدل استتاجی از تحلیل حکمت متعالی، نه مدل جمع‌گرایانه دنیانگر است و نه مدل

۱. دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

۲. دکترای فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد علوم و تحقیقات

فردگرایانه آخرت‌نگر بلکه جمع منطقی این دو نگاه میباشد.

**کلید واژه‌ها:** کارکردهای حکمت متعالیه، مصادیق خیر کثیر، صلح جهانشمول



## صلح درونی و تأثیر آن بر صلح بیرونی

### سحر کاوندی\*

اخلاق، علم شناخت فضایل و آراسته شدن بدانها و شناخت رذایل و پیراسته شدن از آنهاست و هدف و غایت آن، چیزی جز رسیدن انسان به خیر و سعادت دنیوی و اخروی نیست. یکی از فضایل اصلی چهارگانه و بعبارتی برترین فضیلت نفسانی در انسان، فضیلت «عدالت» است. معروفترین تفسیر از عدالت، عبارت است از ائتلاف و تسالم همهٔ قوای نفسانی و اتفاق آنها بر فرمانبری از عقل، بگونه‌یی که هر نوع خروج از اعتدال و کشیده شدن بسوی افراط و تفریط، از میان رفته و کمال هر قوه‌یی حاصل شود. زمانی که انسان به صلحی درونی و نفسانی نایل گردد و عقل عملی تسلط و تدبیر همهٔ قوا را بدست گرفته و آنها را در مواضع شایسته و درخورشان بنحو اعتدال بکار گیرد، کمال انسانی حاصل شده و فساد در نظام بشری ایجاد نخواهد شد. اما رسیدن به عدالت اجتماعی و دوری از هر نوع جور و ستمی مستلزم آن است که شخص ابتدا در درون خود به اعتدال رسیده و بهنگام به هیجان آمدن قوا، آنها را تحت تدبیر نیروی مقتدر خیرخواهی قرار دهد. بعبارت دیگر، رسیدن به صلح بیرونی و اجتماعی، بدون دستیابی به صلح درونی، امکانپذیر نیست. ازاینروست که در آموزه‌های دینی و نیز آثار اندیشمندان اخلاقی مسلمان، تلازم و ارتباط مستقیمی بین اعتدال درونی و حسن سلوک فردی با انتظام کلی امور اجتماعی و افزایش برکات در بلاد و... همچنین بین فساد حال و خبث سریرت شخص با شیوع جور و ستم، گرفتار شدن به انواع بلاها و بی‌عدالتیها و... قرار داده شده است. نوشتار

حاضر بر آن است تا پس از تبیین صلح درونی و راههای رسیدن به آن، ارتباط و نیز تأثیر آن را بر صلح بیرونی و اجتماعی از منظر علمای اخلاق مسلمان بررسی نماید.

**کلید واژه‌ها:** عدالت، اعتدال، صلح درونی، صلح بیرونی، ستم

## مبانی فلسفی و دینی صلح و عدالت جهانی در حکمت متعالیه صدرایی

### زهره توازیانی\*

در حکمت متعالیه، همچون دیگر نظامهای فلسفی که در حوزه اسلامی شکل تکوین بخود گرفته‌اند، هویت انسانی به نفس او تعریف میشود و حقیقت نفس اگرچه در حدوثش محل اختلاف است اما کافه حکمای مسلمان و از جمله ملاصدرا آن را امری روحانی دانسته و بخصوص به بقای روحانی آن نیز باور جدی دارند. این باور از نفس اتصال آن را با عنصر الهی توجیه مینماید و علاوه بر آن مؤیدات و حیانی نیز مبنای چنین اندیشه‌یی است؛ آنجا که خداوند میفرماید: «انا خلقناکم من نفس واحده» و «نفخت فیه من روحی». ملاصدرا با استدلالهای فلسفی در آثار شناخته شده و برجسته‌اش نظیر *سفار* و *شواهد* بحث نفس را تا آستانه تجرد و اتصال به عالم بالا و بقا بعد از فنای تن پیش برده و با مبانی خاص خویش نظیر اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری شأنتی را برای آن ترسیم مینماید که هر نوع آسیب رساندن به آن بمنزله تهدید امانت الهی محسوب میشود. آنچه مسلم است اینکه عوامل تهدیدکننده سلامت روان انسانها محدود و محصور در حدود تعریف شده‌یی نیستند؛ بعضی از این عوامل حوزه فردی و انفرادی نفوس انسانی را تهدید میکنند، بعضی روابط او را با خویشان و بستگانش مورد تهدید قرار میدهد و برخی در حوزه اجتماعی عامل تهدیدکننده نفوس انسانیند و بعضی از عوامل نیز تهدیدشان منحصر به حوزه خاصی از زندگی انسان نیست بلکه در هر ساحتی میتوانند آرامش او را برهم زنند و موجب اختلال در عملکردهای روانی فرد در رابطه با خود، افراد خانواده و

اجتماع باشند؛ همانطور که متقابلاً اموری وجود دارند که هم در سلامت روانی فرد و هم در حوزه اجتماعی انسان تأثیرگذارند. صلح و عدالت از جمله این امورند که در همه حوزه‌ها، نیاز جدی نفس انسانی به آنها احساس میشود و تحقق این امور چه در نظام زندگی فردی و چه در نظام زندگی جمعی، بخشی از رسالت و تکلیف انسان محسوب میشود و از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و در انسانیت نیز ترجیحی برای رنگها و نژادها و غیره نیست، گمان انسان بر آن است که با تحقق ایده صلح و عدالت در سطوح جهانی بخشی از رسالت انسانی انسان تحقق یابد و همه کسانی که بنحوی در راه تحقق چنین آرمان والایی مانع‌تراشی مینمایند نه تنها خیانتی را در حق انسان روا میدارند، بلکه بصراحت زبان دینی میتوان گفت از مقام انسانی تنزل یافته و مصداق آیه کریمه «اولئک کالانعام بل هم اضل» میباشند. پس بطبع بخش دیگری از رسالت انسان باید معطوف به مبارزه با کسانی باشد که نقش منفیشان در تنزل دادن مقام انسانی است. مطابق مبانی حکمت متعالیه که جایگاه انسان را در اعلاء علین تصویر میکند، برای این رسالت انسانی نیز رنگ و نژاد و آیین خاصی ترجیح ندارد. پس همانطور که صلح و عدالت جهانی لازمه حیات طیبه انسانی است، مبارزه با مانعان صلح و عدالت جهانی نیز لازم دیگری برای تحقق این حیات طیبه است. با این نگاه است که نگارنده تلاش کرده تا مبانی فلسفی و دینی صلح و عدالت جهانی را در آثار صدرالمآلهین جستجو نماید.

**کلید واژه‌ها:** صلح، عدالت، نفس، تجرد، بقا، ملاصدرا

## مسئله امنیت و راه‌های دستیابی و حفظ آن: بررسی دیدگاه‌های خواجه طوسی

محسن جاهد\*

امنیت شاید مهمترین نیاز آدمی باشد. امنیت اجتماعی و صلح، بارزترین شکل امنیت است. فیلسوفان اخلاق مسلمان، همچون خواجه طوسی در باب امنیت اجتماعی و راه‌های کسب و حفظ آن دیدگاه‌های قابل توجهی ارائه داده‌اند. خواجه طوسی یکی از عوامل بسیار مهم در حفظ امنیت اجتماعی و جلوگیری از آشوب‌های اجتماعی را اجرای عدالت دانسته است. از نظر وی عدالت باید هم در میان اصناف مردمان و هم در میان افراد مراعات گردد. رعایت عدالت، جامعه را از آشوب‌های درونی محافظت میکند. نظریه وی در اینباره با نظریه «محرومیت نسبی» در روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی مدرن مشابهت‌هایی دارد. او در خصوص دفع و مدیریت خطر دشمنان خارجی، از میان نظریات سه‌گانه، صلح‌گرایی، واقع‌گرایی و جنگ عادلانه، به نظریه «جنگ عادلانه» نزدیک شده و میتوان وی را در زمره قائلان به این نظریه دانست. این نوشتار دیدگاه‌های خواجه طوسی را درباره امنیت داخلی و خارجی، ضمن مقایسه اجمالی با اندیشه‌های غربیان، نقد و بررسی خواهد کرد.

**کلید واژه‌ها:** امنیت داخلی، امنیت خارجی، محرومیت نسبی، جنگ عادلانه،

خواجه طوسی

## بررسی رابطه صلح، نجات، مصلح و انسان کامل از دیدگاه ابن عربی

فرشته ندری ایبانه\*

مسئله ظهور منجی و برقراری صلح جهانی بواسطه انسانی کامل، از دیر باز ذهن انسان جویای عدالت را بخود مشغول داشته است؛ بویژه در روزگار حیرتی که امروز در آن بسر میبریم و با توجه به مسئله جهانی شدن امور و ارتباطات بیش از پیش دولتها و ملتها، ضرورت طرح مسئله بیشتر نمایان میشود. اندیشه مهدویت، وعده عدالت و امنیت در پایان جهان است. میتوان بشارت موعود و وعده منجی را امری فطری، عقلی و دینی در تاریخ بشر قلمداد نمود؛ گرچه در هیچ دین و مذهبی به اندازه تشیع، اینقدر دقیق، عمیق، شفاف و مطمئن از منجی موعود سخن گفته نشده است. در سلسله روایات شیعی به علائم قطعی و غیرقطعی منجی اشاره شده است، اما شاید مهمترین شرط در ظهور ایشان، آمادگی مردم برای پذیرش این حکومت باشد که تحت عناوینی چون پر شدن زمین از ظلم و تکاپوی بشر برای نجات از آن و برقراری عدل و عدم دسترسی به آن مطرح شده است. پاسخ «محبی الدین بن عربی» پدر عرفان اسلامی، به این سؤالات که یاران حضرت مهدی (عج) چه کسانی هستند و چگونه زمینه ظهور را فراهم میکنند؟ موضوع نوشتار حاضر است.

کلید واژه‌ها: صلح، مصلح، مهدی (عج)، وزرای مهدی (عج)، ابن عربی

## پیوند عقلانیت، معنویت و صلح در حکمت متعالیه

عین‌الله خادمی<sup>۱</sup>، علی حیدری<sup>۲</sup>

زمینه‌های معرفتی - اجتماعی خاصی در غرب، به تفکیک سیاست از عقلانیت و معنویت انجامیده است. ثمره این نگاه، حاکمیت اصالت منفعت و اصالت قدرت بر عرصه سیاست در دنیای مدرن است. بدیهی است که در این بستر، شیخ بیعدالتی، ظلم، جنگ و برخوردهای بین‌المللی، بر جوامع انسانی سایه می‌افکند و آرمان صلح - که یکی از ارزشهای اصیل فردی و اجتماعی بشر است - با خطر جدی روبرو میشود. ملاصدرا با تأسیس حکمت متعالیه، پیوند ارگانیکی و عمیقی بین جریانهای گوناگون معرفتی ایجاد نمود. حکمت در نظر وی، استکمال نفس انسانی به نظم عقلی جهان هستی است. او غایت حکمت عملی را تسلط روح بر بدن و تخلق به اخلاق الهی میداند. در نگاه ملاصدرا، حکمت نظری و حکمت عملی پیوندی عمیق دارند. بنابراین، حکمت صدرایی، سرشت و جوهره معنوی و اخلاقی دارد. مراد از عقلانیت در حکمت متعالیه، همان حقانیت یا عقلانیت اصیل فلسفی است که اختلافی جوهری با عقلانیت ابزاری جامعه‌شناختی دارد. برجسته‌بودن حضور عقلانیت و معنویت اصیل در حکمت صدرایی، اصالت قدرت و منفعت را به چالشی جدی میکشاند - چنانکه او سیاست عاری از شریعت را مانند جسد بدون روح میداند - و در این بستر معرفتی، صلح جهانی، آرمانی دست‌یافتنی خواهد بود.

**کلید واژه‌ها:** عقلانیت، اخلاق، صلح، جنگ، حکمت متعالیه

۱. دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

## ایده مرز و پرش مشروعیت

سیدموسی دیباج\*

در نظریه لیبرال دموکراسی، مشروعیت دولت منبعث از رضایت مردم تعریف و شناخته شده است. در این نظریه، مشروعیت که مبتنی بر رضایت مردم است مقید به حفظ دولت و شاکله و سازمان کلی آن لحاظ گردیده است. این بدین معنی است که در قانون لیبرال حق تغییر دولت بدست مردم به تأخیر و تعویق می‌افتد تا آنجا که یک دولت در نقطه استحاله و نابودی، در وضعیتهایی چون بحران سیاسی، جنگ و یا قحطی فراگیر قادر به حفظ خود نیست، اما همچنان به مشروعیت مردمی مستند است تا زمانی که دولت و یا حاکمیت جایگزین ظاهر شود. بنابراین، برغم ادعای لیبرال دموکراسی هیچ جایی برای اراده و خواسته مردم چنانچه معلل به نابودی و اضمحلال حاکمیت باشد وجود ندارد. بعبارت ساده‌تر، مشروعیت دولتها توسط دولتها دست بدست میگردد و اراده سیاسی مردم هیچگاه قادر به مداخله تام و عام ایجابی و سلبی در امر مشروعیت نیست. پس عدم تصریح مشروعیت بنحو مطلق و عام اراده سیاسی مردم در قانون لیبرال، خودبخود راه را برای تمامیت مطلق مشروعیت دولت باز کرده است. همچنانکه تاریخ سیاسی دولتها نشان میدهد منشأ این مشروعیت بالضروره رضایت یا عدم رضایت مردم نیست. بنابراین، میتوان دوباره پرسید که منشأ مشروعیت دولت چیست؟

بدیهی است یک دولت میتواند از جهات مطابقت با قانون اساسی که متضمن قانون کتاب مقدس است مشروع یا نامشروع باشد. قانون اساسی نیز خود میتواند در



ذیل تفسیر سیاسی وحی یا کتاب مقدس، قانون اساسی مشروع یا نامشروع باشد. اما فارغ از این شرط بنیادین که مشروعیت دینی و یا متافیزیکی و هستی‌شناختی دولت را میسازد، یک دولت از هر قسم و صورتی که باشد واجد مشروعیت به مفهوم عام و نسبی کلمه در مقایسه با دولتهای دیگر است که لازمه حیات موجود دولت میباشد. این مشروعیت اخیر، دنیوی و مادی و صرفاً مستلزم و مشروط به پذیرش یک قدرت توسط قدرتهای دیگر تعریف شده است. این مشروعیت نسبی از طریق محدوده‌یی شناخته میشود که دولت میتواند در آن نظام اداری را بنحو قانونی قوام بخشد و قدرت سیاسی و نظامی سامان یافته خود را اجرا کند. این محدوده‌ها در کجا قرار دارد و چرا یک دولت با حد و مرز خویش شناخته میشود؟

از سوی دیگر، دولت یک نظام مشروع مبتنی بر مرز (و یا سرحد) است؛ اگر این مشروعیت هم چنانکه در نظریه دولت و برآمده بخشی از نظام سیاسی است، تا آنسوی جهان و بدون حد و مرز نیست. این مشروعیت یک پدیده مبتنی بر مرز است. در نوشتار حاضر مؤلف کوشیده تا روشن نماید مشروعیت دولتها که از محدوده مرزهای جغرافیایی آنها آغاز میشود تابع یک مفهوم متعالی از مرز است که اساساً میتوان دولتها را مبتنی بر همین مفهوم جغرافیایی و متعالی مرز سرزمینی تعریف نمود. در برابر انگارگرایی تاریخت که در دوره پسامدرن، اساس مفهوم دولت را متزلزل ساخته است، این مفهوم متعالی سرزمینی جغرافیایی سازنده و قوام ماهوی دولتهاست. نوشتار حاضر در چهار فصل به این مباحث میپردازد: (۱) تقدم مشروعیت طبیعی حدود مرزها، (۲) جغرافیا و مشروعیت سیاسی دولت، (۳) ماهیت سرزمینی مشروعیت، (۴) نظریه سرزمینی مشروعیت.

**کلید واژه‌ها:** مرز دولت، سرزمین، مشروعیت دولت، مشروعیت جغرافیایی

دولت، مفهوم حد، مشروعیت تاریخی

# نقش فیلسوف در ایجاد صلح

## مقایسه دیدگاه‌های خواجه نصیر و کانت

شهین اعوانی\*

خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ - ۵۹۷ ه. ق.) حکیم مسلمان شیعی که مشاور امین حاکمان مغول بوده، مدبرانه بر کلیه امور سیاسی هلاکو نظارت داشته و موفق شده تا دیدگاه جنگجویانه مغول را به صلح‌خواهی تبدیل کند. او در اخلاق ناصری نظریه‌یی ابتکاری درباب تأثیر فیلسوف در تحقق صلح در کشور و جامعه جهانی ارائه داده است که بخش اول نوشتار حاضر به بیان این دیدگاه می‌پردازد.

بخش دوم این نوشتار، به دیدگاه کانت (۱۸۰۴ - ۱۷۲۴ م.) درباره «صلح جاویدان» و نقش فلاسفه در برقراری صلح اختصاص می‌یابد. او می‌گوید توقع یا حتی آرزوی اینکه فیلسوفان پادشاهی کنند یا حکیمان حاکم بر کشور باشند، امری بیهوده است، ازاینرو فلاسفه را باید از قدرت دور نگاه داشت. ولی در عین حال صاحبان قدرت سیاسی نباید بگذارند طبقه فیلسوفان خاموش باشند بلکه باید به آنها فرصت ارائه آزادانه نظریاتشان را بدهند و مطمئن باشند که فلاسفه ماهیتاً توطئه‌گر یا فتنه‌انگیز نیستند. آنها درباب شرایطی که در آن «صلح عمومی» امکانپذیر می‌گردد، دیدگاه‌هایی دارند که باید مدنظر کشورهایی که خود را برای «جنگ و کارزار» آماده می‌سازند، قرار گیرد.

در بخش سوم نوشتار حاضر نیز، دیدگاه خواجه نصیر با کانت در «صلح پایدار» مقایسه میشود تا تضادها و توافقات دو فیلسوف درباره تأثیر فلاسفه در برقراری صلح تبیین گردد.

**کلید واژه‌ها:** فیلسوف، صلح، صلح پایدار، خواجه نصیر، کانت

\* استادیار گروه فلسفه مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

## رسالت فلسفه، تنظیم رفتار انسان بر بنیاد نظم عالم (رأی افلاطون و ملاصدراد در این باب)

\* حسن بلخاری قهی

افلاطون در کتاب ششم جمهوری کار فیلسوف را شناسایی عالمی میداند که منظم و الهی است و چون همواره فیلسوف با چنین عالمی سرو کار دارد، خود نیز تاحد امکان منظم و الهی میشود و سعی میکند زندگی افراد جامعه را منظم و قانونمند سازد. همچنین در رساله تیمائوس که رساله کیهان‌شناختی آثار اوست، تأکید میکند که بر اثر شناخت حرکات دورانی یکنواخت عالم و کسب توانایی برای شمارش درست آنها بر اساس طبیعت، خواهیم توانست آنها را بازسازی نموده و حرکات نامنظم خود را منظم نماییم؛ دقیقاً به این دلیل که ما و عالم، خویش یکدیگریم: «خدا نیروی باصره را بدین منظور آفرید و به ما بخشید که قادر شویم گردشهای دورانی خرد را در بنای کل جهان بنگریم و حرکات دورانی تفکر خود را با آنها منطبق سازیم (زیرا این دو خویش یکدیگرند، البته تا آن حد که چیزی متزلزل میتواند با چیزی ثابت و پابرجا خویشی داشته باشد) و بعد از تحقیق کامل و دقیق درباره آنها و پس از آنکه موفق شدیم از کیفیت این حرکات با خبر گردیم، با تقلید از حرکات خدایی که از هرگونه بینظمی و سرگستگی بری است، به حرکات و دورانهایی که در خود ما صورت میگیرد، نظم و سامان بخشیم».

ملاصدرا نیز در مقدمه الاسفار و در نخستین جملات تبیین سفر اول، به بیان

تعریف فلسفه و غایت و شرافت آن پرداخته و آن را استکمال نفس انسانی در معرفت به حقایق موجودات دانسته و بنا به اینکه هستی انسان، ساحتی معنوی و ساحتی خلقی و جسمانی دارد، انسان را بهرمنند از دو قوت نظری و عملی دانسته است. غایت قوه نظری، تلاش در راستای انتقاش نظام اتم و اکمل عالم در نفس است و سیورورت عالم عقلی نیز تشبه به عالم عینی و ادراک ذات هستی است؛ کما اینکه پیامبر اسلام(ص) با دعای «رب ارنا الاشیاء کما هی» ادراک حقیقت عالم را خواستار بود.

رسالت فلسفه، تنظیم رفتار انسان بر طبق الگوی سراسر نظم و تعالی عالم با اتکای به عقل است و صلح، طبیعتیترین نتیجه چنین تنظیم و تطبیقی است. نوشتار حاضر، شرح و تبیین این معنا بر بنیاد آراء ملاصدرا و افلاطون است.

**کلید واژه‌ها:** رسالت فلسفه، نظم، صلح، ملاصدرا، افلاطون

## انسان جهانی و صلح از نگاه ملاصدرا

فاطمه سلیمانی\*

در قرآن کریم فرشتگان بر خلقت انسان اعتراض کرده و برفساد و خونریزی او انگشت می‌نهند و در مجموع انسان را برهم زنده صلح در روی زمین میدانند. خداوند اعلام میکند ملائکه نمیدانند انسانی که بتواند به مقام خلیفه‌اللهی برسد، حافظ و برپاکننده صلح خواهد بود نه ایجادکننده فساد و خونریزی بر روی زمین. از طرف دیگر، جانشین خدا در روی زمین کسی خواهد بود که علم به اسماء او داشته باشد. بنابراین، رابطه‌ی محکم بین علم انسان به اسماء الهی و برقراری صلح در روی زمین وجود دارد.

ملاصدرا در تفسیر این آیه، معنای تعلیم اسماء به آدم (ع) را مظهریت انسان برای اسماء و صفات الهی و جامع حقایق عالم بودن انسان دانسته و نشان میدهد که چگونه جهانشمول بودن انسان میتواند منشأ صلح در روی زمین باشد.

**کلید واژه‌ها:** صلح، اسماء الهی، خلیفه‌اللهی، انسان جهانی، سیاست، ملاصدرا

## جهانی‌شدن و گفتگوی فرسنگها

شمس‌الملوک مصطفوی\*

در طول تاریخ، همواره بشر آرزوی ایجاد جهانی یکپارچه و سرشار از صلح و عدالت و برابری را در سر داشته است. این خواست بشر، در قالب آرمان شهرهای خیالی خود را نشان داده و همین خواست را میتوان یکی از عوامل اقبال مردم به ادیان الهی دانست که داعیه‌دار گسترش عدالت در سرتاسر جهان و ایجاد جامعه‌ی واحد، هستند.

بسیاری از قدرتمندان تاریخ نیز آرزوی جهانگشایی و سیطره بر کل عالم را در سر می‌پوراندند و چه بسا برای تحقق خواست آنان، جنگهای خونینی درمیگرفت و انسانهای بیگناه بسیاری کشته میشدند.

آرزوی ایجاد جهانی واحد، در جنبش روشنگری نیز در قالب جهان وطنی خود را نشان داد. عده‌ی از اندیشمندان قرن هجدهم مانند کانت، ولتر و ... از گونه‌ی جهانی‌شدن براساس وابستگی متقابل جهانی و اشتراک منافع انسانها حمایت میکردند. در شرح مارکس از جامعه کمونیستی، میتوان تصویری واضح از جهانی واحد را مشاهده کرد.

اما جهانی‌شدن کنونی با هر آنچه در قبل بوده است، تفاوت‌هایی بنیادین دارد. مهمترین جنبه تمایز، پیچیدگی اوضاع فعلی جهان است؛ تکنولوژی جدید که با سرعت سرسام‌آوری رو به پیشرفت دارد، وسایل ارتباطی جدید، فراگیر شدن ارتباطات دیجیتالی که از حیث دامنه و ظرفیت همه رسانه‌ها را پشت سر گذارده

\* استادیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

و باعث شده است که تعداد بیشتری از افراد، با سرعت بیشتری به حجم گسترده‌تری از اطلاعات دست یابند و همچنین بتوانند اطلاعات خود را به هر نقطه‌یی از دنیا که مایل باشند، ارسال نمایند. اینها سبب گردید که جهان برآستی با رشدی شتابنده بسوی وحدتی واقعی حرکت کند.

وجه مهم دیگر این تمایز، تفکری است که در پس تکنولوژی جدید نهفته است و آن را از تکنیک قدیم که ابزار کار انسان بود، متمایز میکند؛ تفکری که سوژه انسانی را بر مسند قدرت نشانده و راه را بر خلع ید از همه نیروهای قدسی گشوده است؛ تفکری که موجب گردید عالم ابژه سوژه انسانی شود و جهان بمنزله مخزنی عظیم از انرژی قابل دخل و تصرف، تلقی گردد. تحت سیطره همین تکنولوژی است که تعلقات انسان از سرزمین آباء و اجدادیش و از فرهنگ و هویت دینی و قومیش گسسته شده و انسان که زمانی بواسطه وابستگی به پولیس (دولت شهر یونان باستان) انسان بود و در قرون وسطی از حیث تعلقش به شهر خدا و کلیسا شأنیت مییافت، به شهروندی بی‌وطن که محل ورود و خروج اطلاعات است، تبدیل شده است.

**کلید واژه‌ها:** جهانی‌شدن، فرهنگ، تکنولوژی، شهروند

## عقلانیت محوری ادیان، اساس عدالت اجتماعی و صلح جهانی

محسن پیشوایی علوی\*

در نوشتار حاضر پس از ارائه توصیف کوتاهی در باره مفاهیم اصلی مورد اشاره، استدلال میشود که عقل، گوهر مشترک میان انسانها و داور نهایی در امور بشر در خصوص تعاملات انسانی - اجتماعی میباشد و حس عدالت‌طلبی و صلحجویی تمایل ذاتی نهفته در وجود آدمی است و ظهور ادیان امضاء و تأیید این نیاز اصیل و عمیق و راهکار وصول به آن است. ادیان ابراهیمی که خدامحور و برآمده از حکمت ربانیند و ادیان غیرابراهیمی که دست‌کم مبتنی بر نوعی تحلیل عقلانی و معنوی میباشند، با اعتماد به این گوهر شریف و اساس قرار دادن آن در گفتگوی فیما بین و تشریح مساعی درباره اصول و هدف مشترک میتوانند در استقرار عدالت اجتماعی و صلح و آرامش میان انسانها و جوامع مختلف مشارکت فعال داشته باشند و زمینه‌ساز سعادت دنیوی بشر جهت وصول به سعادت اخروی یا رهایی از رنج و رسیدن به آرامش باشند، زیرا ادیان بیشترین پیروان را به خود اختصاص داده‌اند و بخش مهمی از هویت جهانی و فرهنگ بشری را بوجود آورده‌اند.

نتیجه آنکه بدون تسلیم شدن در برابر خداوند که مظهر عدالت و صلح است و بدون حاکمیت عقلانیت نظری و عملی در گفتگوی میان ادیان و تأکید بر اصول مشترک و ملزومات مربوط به آن، هیچ عدالت و صلحی در جهان برقرار نخواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** ادیان، عقلانیت، گفتگو، عدالت، صلح جهانی



## انسان‌شناسی فلسفی و صلح

### عطیه زندیه \*

صلح و دوستی از آرمانهای دیرین بشری است که در برهه‌های گوناگون تاریخ انسانی بنحوی ذهن علما و عقلا را در حوزه‌های مختلف علمی و عملی بخود مشغول داشته است. برخی درصدد برآمدند صلح را متعلق به حوزه تکوین بدانند و برخی دیگر، بحث از آن را در حوزه وضع و قرار داد و تشریح جایز دانستند.

این نوشتار درصدد است مسئله صلح را براساس مبانی فلسفی حکمت متعالیه مورد توجه قرار دهد. کلید واژه اصلی متخذ از حکمت متعالیه در این راستا «وحدت» است. وحدت اولاً، در حوزه هستی‌شناسی و ثانیاً، در حوزه انسان‌شناسی مورد ملاحظه قرار میگیرد. جهان مملو از موجودات متعدد با وجود امکانی حقیقی است که همگی مراتب شدت و ضعف یک وجود مشککند. همچنانکه عالم عینی مملو از موجودات متکثر است، انسان نیز دارای قوای متفاوت نفسانی و جسمانی است که صدرالمتألهین با اعتقاد به ترکیب اتحادی میان نفس و بدن تلاش میکند بنوعی، وحدت را میان آنها برقرار سازد و با اعتقاد به وحدت نفس در «النفس فی وحدتها کل القوی» کثرات نفس را نیز بنوعی به وحدت باز گرداند. به این ترتیب ملاصدرا قصد دارد تا وحدت و اتحاد را در سراسر عالم امکان و در ربط آن با حقیقت واجب‌الوجود حاکم گرداند. در این نوشتار قصد بر آن است که بگوییم هرقدر از نظر مبانی فلسفی بهتر بتوان کثرات را به وحدت باز گرداند، در اجتماع بشری هم که کثرتی از آحاد است (چه در میان افراد یک جامعه و چه در میان

جوامع و کشورهای گوناگون) بهتر میتوان از صلح و آرامش در مقیاس ملی و بین‌المللی سخن گفت. بنابراین راه رسیدن به صلح در آفاق و انفس، تبیین نظری صحیح کثرت در وحدت و اتحاد است.

**کلید واژه‌ها:** وحدت، اتحاد، کثرت، انسان، صلح، حکمت متعالیه

## موضع اسلام نسبت به خشونت

قدرت الله علیزاده\*

واژه تروریسم هم اکنون به اصطلاحی متداول در سخن سیاسی معاصر تبدیل گردیده است که بر زبان سیاستمداران آن را میشنویم و در صدر دستگاههای اطلاع‌رسانی شنیداری و تصویری قرار دارد و موضوعی برای گفتگو در کلیه محافل و سمینارهایی است که مسئله تروریسم را با موضوعیت و بدون موضوعیت بررسی مینمایند و گاهی عوامل آن را تعریف میکنند و گاهی آن را نادیده میگیرند. هم اکنون مبارزه با تروریسم به کار مداوم برخی از کشورهای جهان تبدیل گردیده و عاملی برای لشکرکشیهای مختلف شده و نیز به محور گفتگو و توجه رهبران و رؤسای سازمانهای بین‌المللی و کشورها تبدیل گردیده است.

تروریسم در واقع پدیده تازه‌یی نیست و حاصل یک رویداد و یا جرم - هرچند که پیامد و نتایج بزرگی داشته باشد - نیست بلکه پدیده‌یی است که قدمت آن به قدمت خود انسان میرسد و با توجه به تحول بشر و جوامع بشری و تحول روشها و تصورها و مفهوما و پیامها و ابزارها متحول شده است.

نوشتار حاضر به بررسی دیدگاه اسلام براساس متون و نصوص دینی و دیدگاه بزرگان کلام و فلسفه در این زمینه میپردازد.

**کلید واژه‌ها:** اسلام، تروریست، خشونت، صلح

## فرهنگ مهارت و صلح پایدار

رضا ماحوزی\*

در کنار مفهوم «فرهنگ انضباط» بمثابه استفاده آگاهانه از هدفمندی جهان برای نیل به عقلانیت و کمال اخلاقی و مقام تقدس، مفهوم دیگری بنام «فرهنگ مهارت» در اندیشه کانت مطرح است. در اینجا با تصویر غایت‌مندانانه جهان و البته نوع دیگری از استفاده آگاهانه انسان از این تصویر روبرو هستیم. بعقیده کانت، برای اینکه انسان بنا به مفهوم فرهنگ، غایت نهایی طبیعت و جهان باشد، باید علاوه بر شرط عینی که مربوط به فرهنگ انضباط است، از شرط ذهنی نیز بعنوان مقدمه و لازمه آن شرط عینی برخوردار باشد. بنا به شرط ذهنی، انسانها آگاهانه ضروریات زندگی اجتماعی را در قالب ابزارها، نهادها و تشکلات مدنی ایجاد میکنند. بعقیده وی مهمترین عامل تکامل مهارت، نابرابری میان انسانهاست، زیرا اکثریت انسانها تقریباً بطور مکانیکی، بدون نیاز به هنر خاصی، ضروریات زندگی را برای آسایش و فراغت اقلیتی که با اجزاء کمتر ضروری فرهنگ، یعنی علم و هنر سروکار دارند، فراهم میکنند. از سوی دیگر، این اقلیت، گروه نخست را در وضعیتی سخت از کار شاق و رفاه ناچیز ننگه میدارند؛ گرچه بسیاری از عناصر فرهنگ طبقه فوقانی اندک اندک در بین آنان اشاعه مییابد. بدین طریق، هم وضعیتی از تجملگرایی در طبقه زیرین رواج مییابد و هم طبقه فوقانی در معرض نارضایتیهای داخلی و تهدیدهای خارجی از جانب بیگانگان واقع میشود. اما با بروز جنگ، ممکن است طبیعت به غایت واپسین خود - که همان فرهنگ است - دست نیابد. ازاینرو انسانها آگاهانه نهادهایی را بمنظور حفظ امنیت و

\* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

صلح تأسیس میکنند. بر این اساس، «شرط صوری که طبیعت فقط تحت آن میتواند به مقصود نهایش دست یابد، آن سامانی از روابط متقابل انسانهاست که در آن، قدرت قانونی در یک کل (که ما آن را یک جامعه مدنی مینامیم) از سوءاستفاده آزادیهای متنازع جلوگیری میکند؛ فقط آنجاست که حداکثر رشد استعدادهای طبیعی تحقق مییابد». بدین ترتیب کانت، لازمه تحقق و بقای «فرهنگ مهارت» را جامعه‌یی میداند که مانع از بروز جنگ داخلی شود. اما این نهاد مدنی علاوه بر شکل ملی باید صورت بین‌المللی نیز داشته باشد تا مانع از بروز جنگ بین کشورها نیز باشد. با توجه به این نکته، کانت درجهٔ اعلاّی «فرهنگ مهارت» را تأسیس «جامعه مدنی» و «فدراسیون جهانی» میداند که صلح پایدار و روابط مبتنی بر احترام متقابل مؤسسات و نهادهای بین‌المللی را تأمین میکند. این نوشتار بر آن است با نظر به آثار اصلی کانت بویژه نقد قوه حکم، نقد عقل عملی و صلح پایدار، علاوه بر تبیین مبانی فلسفی صلح پایدار، جایگاه مفهوم «فرهنگ مهارت» را در فلسفه عملی کانت تشریح نماید.

**کلید واژه‌ها:** فرهنگ مهارت، صلح پایدار، غایت‌مندی جهان، فدراسیون جهانی

## گفتگوی ادیان و صلح جهانی

صالح حسن زاده\*

بشر امروز بیش از هر زمان، نیازمند صلح است؛ موضوعی که در کلیت خود اندیشه‌ی جهانشمول و فراگیر می‌باشد. بشر امروز، خواهان صلح، عقل و عدالت است. اینها آرمانهای والای انسانی هستند. گذشته تاریخ پر غوغای بشر نشان می‌دهد که تنها گفتگو و تقریب بین‌الادیانی می‌تواند این آرمانها را محقق بسازد. تنها مبارزه همه جانبه ادیان با تعدیها و تجاوزهای سازمان‌یافته، می‌تواند رابطه حسنه انسان با انسان را برقرار نماید.

صلح پایدار تنها با ایجاد و تقویت باور ضرورت تاریخی بازگشت بشر به خدا و فراهم آوردن زمینه همگرایی ادیان و مذاهب بر محور توحید و عدالت و معنویت برقرار خواهد شد. در این تفکر است که اصل «گوهر انسانیت در همه انسانها یکی است و ما انسان درجه یک و دو نداریم» پذیرفته و اجرا می‌گردد و این تضمین صلح کل است. دموکراسی به این معنی که دین نباید در امور جامعه نقش داشته باشد، یا مظاهر دینی نباید در دستگاههای رسمی دیده شود، با فلسفه وجودی و روح واقعی ادیان سازگار نیست. دموکراسی به این معنی منافی صلح است. در دموکراسی معقول و مقبول مردم باید در انتخاب افرادی که صلاحیت قانونگذاری و اجرای قانون را دارند، مشارکت داشته باشند و با این مشارکت، همکاری و همدلی خود با دولت را اثبات کنند و این نوع حکومت معین و مددکار صلح است.

بشر در اثر پیشرفت حیرت‌انگیز علوم، در خانه و سیاره خود امکانات بیسابقه‌ی

را فراهم کرده است که میتواند هم برای پیشرفت و هم برای تخریب بکار رود. هدایت این امکانات بسمت و سوی پیشرفت تنها بدست ادیان و ایمان به خدای یگانه ممکن است؛ یعنی درواقع هدایت این امکانات بسوی صلاح جوامع و مبارزه هماهنگ با قدرتهای سلطه‌طلب منافی صلح، وظیفه ادیان است. اگر در این مهم، رهبران فکری و سیاسی و فرهنگی ادیان کوتاهی نمایند، بشر و بخصوص نسلهای آینده بهای سنگینی خواهند پرداخت. این نوشتار علاوه بر بسط و توضیح مراتب یاد شده، برای تقویت اندیشه صلح پایدار، بر اصول ذیل تأکید دارد:

۱. رهبران ادیان باید همه فرق و ملل را با وجود همه اختلافات بسوی مناسبات صلح‌آمیز دعوت نمایند.

۲. حتی در حالت خصومت و جنگ هم باید اهمیت «اصل وفاداری به پیمانهای الهی و انسانی» مراعات شود.

۳. نباید اجازه داد عقیده‌یی به زور خاموش شود، بلکه باید زمینه‌یی فراهم گردد که عقاید مختلف با هم مفاهمه عالمانه و منصفانه داشته باشد.

۴. عقل انسانی و دین الهی هر دو عطیه و موهبت الهیند و ادیان باید هنرمندانه میان آن و این، صلح و سازش برقرار سازند. آدمی با استفاده کامل از ظرفیت عقل و دین، از نعمات صلح پایدار برخوردار خواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** ادیان، صلح، عدالت، عقل، بشر، گفتگو

## انسان کامل و امنیت جهانی

قربانعلی محمدی نژاد \*

انسان ثمره و میوه جهان آفرینش است که تمامی مخلوقات الهی بر حول و محور او در مسیر تکامل گام برمیدارند. براساس سنن الهی هدایت انسانها و نیز مدیریت سایر موجودات اعم از جمادی، نباتی و حیوانی با توجه به سلطه و قدرت الهی برعهده انسان برگزیده و خلیفه‌الله نهاده شده و بهمین دلیل خداوند رسولان خود را از میان برترین انسانهای مخلوق خویش به رسالت مبعوث داشته و بهترین پیروان آنان را به امامت منصوب نموده است.

مدیریت انسان یا جامعه انسانی امری است که در هر زمان از سوی حاکمان مورد توجه بوده و برنامه‌ریزیها و اقدامات متنوعی را در این زمینه صورت داده‌اند. در این راستا، بین صفات و ویژگیهای حاکمان و جامعه انسانی رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد. چنانچه حاکمان صبغه الهی داشته باشند، در رشد و تکامل الهی انسان مؤثرتر و موفقتر خواهند بود و برعکس، چنانچه دولتمردان از صفات الهی بدور بوده و احیاناً از رذایل شیطانی برخوردار باشند، شقاوت ثمره‌ی است که برآیند اعمال و رفتار آنها در جوامع خواهد بود. (چنانکه امام حسین (ع) میفرماید: الناس علی دین ملوکهم)

دولتها وظیفه دارند بمنظور نیل انسان به تکامل مادی و معنوی، مسیر مادی و غیرمادی لازم را مهیا نمایند. بدین منظور، ضرورت دارد انسان و جوامع انسانی را خوب بشناسند و اخلاق، رفتار و آمال او را براساس منویات اسلام، مقتضیات زمان و مکان و مراتب رشد انسانی در هر عصر و زمان در اشکال فردی و جمعی مدیریت و



هدایت نمایند و از ارائه امدادهای نظری و عملی، مادی و غیرمادی او را بهرمنند سازند. بر همین اساس، شناخت هرچه دقیقتر انسان میتواند کمک شایانی را به مؤلفان و تدوین‌کنندگان الگوی مذکور ارائه دهد تا نیل به موفقیت و دستیابی به کیمیای سعادت فردی و اجتماعی تعمیق و تألیق گردد.

**کلید واژه‌ها:** انسان کامل، امنیت جهانی، سعادت، اسلام

## مبانی فلسفی صدرالمتألهین در باب سیاست و نسبت آن با صلح جهانی

سید محمد اسماعیل سیدهاشمی\*

صلح و امنیت جهانی همواره آرزوی هر انسان مصلح بویژه انبیا و اولیا و حکمای راستین بوده است. در دوره معاصر پس از جنگ جهانی اول و دوم و پیامدهای خطرناک آن، سیاستمداران جهان به فکر تدوین منشوری برآمدند تا با تعهد ملل مختلف به آن صلح و امنیت جهانی بجای جنگ و نزاع بنشینند، اما برغم تلاشهای حقوقی و سیاسی، با گسترش صلاحهای کشتار جمعی و سلطه طلبی قدرتها، صلح جهانی بیش از گذشته مورد تهدید قرار گرفت.

در این نوشتار تلاش بر آن است که با توجه به مبانی فلسفی صدرایی در باب سیاست و اداره جامعه بشری (مبانی جهان‌شناختی، انسان‌شناختی و الهیاتی) نسبت این مبانی با صلح جهانی مورد تحلیل قرار گیرد و در پرتو این مبانی، علت ناکامی قدرتهای موجود در تأمین صلح جهانی نشان داده شود. ملاصدرا در تعریف سیاست میگوید: «السیاسة حركة مبدأها من النفس الجزئية تابعه لحسن اختيار الاشخاص البشرية ليجمعهم على نظام مصلح لجماعتهم.» این تعریف اطلاق دارد و قابل تعمیم به سیاست بین‌الملل میباشد، ازاینرو آنچه وی در آثارش درباره ناکامی این سیاست و نقش قوانین شریعت در تکمیل و تعالی بخشی به این سیاست و ویژگیهای مجریان آن

\* استادیار گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی

با توجه به مبانی فلسفیش ذکر کرده، قابل تعمیم و تطبیق با سیاست مطلوب بین‌الملل برای تأمین صلح جهانی می‌باشد.

بنظر ملاصدرا نمیتوان از سیاستی که صرفاً به منافع مادی نظر دارد و مجریان آن از مرتبه طبیعت و حیوانیت برتر نرفته و به مرتبه ملکوت نرسیده‌اند، انتظار داشت که امنیت و صلح را که در سایه تربیت معنوی بدست می‌آید، تأمین نماید.

**کلید واژه‌ها:** سیاست، شریعت، صلح جهانی، ملاصدرا

## صلح و سعادت در فلسفه سیاسی صدرالمآلین

محمد مشکات \*

ابتدا در نوشتار حاضر به سه رویکرد یا سه دوره در باب سیاست اشاره خواهد شد: دوره کلاسیک یا فضیلت‌گرایی، دوره مدرن یا آزادی‌مداری و دوره پست‌مدرن یا سیاست معطوف به قدرت. آنگاه باختصار امکان یا عدم امکان صلح بر مبنای دوم و سوم مورد اشاره و تحلیل قرار می‌گیرد. هدف از بیان این مباحث، آماده‌سازی ذهن مخاطب برای درک اهمیت موضع ملاصدرا در مسئله صلح است. بنظر میرسد مسئله صلح و سعادت در اندیشه ملاصدرا دارای یک رابطه دو سویه هستند. این نوشتار تلاش میکند تا با ارجاعات خود به ملاصدرا و تحلیل مطالب ارجاعی، این رابطه دو سویه را تبیین نماید. سعادت از نظر ملاصدرا دنیوی و اخروی است؛ انسانها از یکسو بمدد مدینه صدرایی و تعاون و صلح موجود در آن، که معطوف به هدف کمال‌نهایی است، میتوانند به سعادت در هر دو قسم آن دست یابند. بدون تعاون اجتماعی، بدون قانون عدل و حکومت عادل، آنچه پدید می‌آید جز هرج و مرج و جنگ و جدال نخواهد بود. با جنگ و جدال دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی ممکن نیست. از سوی دیگر، مدینه صدرایی و قانون عدل نیز بدون رئیس عادل، خلیفه خدا که سفر من الحق الی الخلق نموده است و بهمین دلیل در اوج سعادت قرار دارد، ممکن نیست. با چنین رئیسی که بمثابة قلب برای بدن است، همه اعضا بر مبنای قانون عدل به تعاون دست می‌یابند و از جنگ و جدال و اختلال‌رهایی یافته و در صلح و آسایش قرار می‌گیرند. به این ترتیب از یکسو سعادت اعضای جامعه متوقف بر صلح و تعاون

بر مبنای قانون عدل است و از سوی دیگر، صلح و تعاون و قانون عدل در انتظار و در گرو خلیفه واجد سعادت قرار دارد. اما این رابطه دو سویه را از منظری دیگر نیز میتوان تبیین نمود. از نظر ملاصدرا سعادت حقیقی در گرو رسیدن به مرتبه عقل بالفعل است. بر همین اساس، میتوان درک نمود که صلح و سعادت در مدینه صدرایی بطور بیوقفه در داد و ستد دائمی و تصاعد متقابل هستند و با تشکیل چنین مدینه‌یی بستر این حرکت متقابل و متصاعد فراهم میگردد، زیرا این مدینه هرچند در بدو تشکیل خود از صلح و سعادت بهرمنند است، اما از آنجا که از یکسو دارای قلبی است که خود در اوج عقلانیت است و از سوی دیگر دارای اعضایی است که اهل تعاون بوده و متقاد و فرمانبردار قوانین سعادت‌بخش او هستند، اعضای این مدینه بطور پیوسته به مراتب بالاتری از سعادت حقیقی که رسیدن به مرتبه عقل بالفعل است دست می‌یابند و هرچه اعضای مدینه در عقل بالفعل خود متکاملتر گردند، از تفرد و خودخواهی و هواهای سرکش پالوده‌تر میشوند و در نتیجه، جامعه از جنگ و جدال مصونتر میماند و از صلح و آسایش مستحکمتری برخوردار خواهد بود و باز بطور متقابل، هر اندازه که جامعه در صلح مطمئنتری قرار گیرد، زمینه برای تربیت عقلانی بیشتر که همان سعادت حقیقی از نظر ملاصدراست، بیشتر فراهم میگردد. این روند متقابل و تعامل دو سویه هیچ نقطه پایانی ندارد. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که صلح و سعادت در مدینه صدرایی هیچ حد ایستایی ندارند و در گفتگوی همدلانه با یکدیگر همواره بر یکدیگر تأثیر متقابل و فزاینده دارند. به این ترتیب این نوشتار دارای دو هدف یا مسئله اصلی است: نخست، رابطه دوسویه صلح و سعادت و دوم، تعامل و تصاعد متقابل و متعکس آن دو بدون هیچ نقطه ایستا و پایانی. در انتها به دفع یک اشکال مقدر نیز پرداخته خواهد شد: اینکه ممکن است گمان رود که چنین آرمانشهری دور از دسترس و بدور از واقعیت مینماید که پاسخهای متعدد نقضی و حلی خواهد داشت. چنانکه پیداست رویکرد نوشتار حاضر توصیفی نیست بلکه در بخش اصلی خود، تحلیلی یا توصیفی - تحلیلی است و در بخش مقدمه و نتیجه‌گیری جنبه تطبیقی نیز خواهد داشت. نوآوری این نوشتار در تبیین و کشف رابطه دوسویه

صلح و سعادت و کشف رابطه متصاعد دوسویه آن از متون ملاصدراست؛ ضمن آنکه در مقدمه و نتیجه نیز حاصل تحلیل با امکانات دنیای مدرن و معاصر در مسئله صلح مقایسه خواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** صلح، سعادت، فلسفه سیاسی، ملاصدرا

## عرفان نظری (رویکرد اجتماعی) و صلح جهانی

### عظیم حمزنیان\*

بنابر آنچه در متون عرفانی اسلامی آمده است، عرفان به دو بخش نظری و عملی تقسیم میشود. در عرفان نظری مباحثی مطرح میشود که از جهت اجتماعی با مسئله صلح جهانی مرتبط است و میتواند به آن کمک کند. از جمله مباحث اساسی و مهم در عرفان نظری طرح مسئله انسان کامل توسط عرفای بزرگ اسلامی است که البته این مهم الهام گرفته از قرآن کریم، احادیث قدسی و روایات میباشد. درباره جایگاه انسان کامل و رابطه نظام هستی با آن، مباحث مفصلی از سوی عرفای نامداری چون حلاج، ابن عربی، نسفی و جیلانی مطرح شده و عارف شوریده‌یی چون شمس تبریزی، خصوصیات را برای آن برشمرده است. از جمله این خصوصیات: اندیشمندی، بینشمندی، زمان آگاهی، خودآگاهی، خویشنداری، دیگرخواهی و مردماری یا احساس مسئولیت اجتماعی، ایثار و فداکاری، فروتنی نسبت به ضعفا و گردن‌کشی نسبت به اغنیا و... است. مسئله صلح جهانی با رویکرد اجتماعی اندیشه‌های عرفان اسلامی ارتباط مییابد، بطوری که بسیاری از نیازهای لازم برای ایجاد آن را مطرح نموده و میتواند مرجع مناسبی، هم از نظر فرایند و روش و هم از نظر الگو و شاکله باشد. از جمله مباحث مرتبط با انسان کامل و مؤثر در صلح، حجم قابل توجهی از مباحثی است که درباره احترام به انسانیت مطرح شده است. انسانیت حداقل رابطه و عمومیت‌ترین وجه مشترکی است که میتواند انسانها را بدور هم جمع نموده و وفاقی اجتماعی بوجود آورد. تحلیل این نکته مهم و تکمیل و توضیح خصوصیات انسان

کامل و ارتباط آن با مسئله صلح، رویکرد نوشتار حاضر را که با روش تحلیلی - مقایسه‌یی نوشته شده است، تشکیل میدهد.

**کلید واژه‌ها:** عرفان اسلامی، عرفان نظری، صلح جهانی، رویکرد اجتماعی



## صلح پایدار در اندیشه کانت

علی فتح طاهری \*

مفهوم «صلح» یکی از اساسیترین مفاهیمی است که از قدیم‌الایام ذهن بشر را به خود معطوف کرده است. این مفهوم همواره مورد تأکید آیینهای الهی و بسیاری از مکاتب فلسفی بوده است. بعقیده متفکران رواقی که از پرچمداران این اندیشه در عصر باستان محسوب میشوند، ایده‌آل اخلاقی هنگامی حاصل میشود که ما همه آدمیان را چون دین خود دوست بداریم و همه را همچون اعضای یک خانواده بدانیم که نظام حقوقی آنها عقل، و قانون اساسیشان، اخلاق است. بدون تردید در دنیای امروز که خشونت گسترش یافته است، نیاز به صلح بیش از پیش احساس میشود. از جمله متفکرانی که در دوره جدید بیش از دیگران به این امر اهتمام ورزیده، ایمانوئل کانت است. او که بظاهر ایده «سازمان ملل» ریشه در افکار وی دارد، در آثار مختلف خویش، بویژه در اثر کوچکی بنام درباره صلح پایدار/ر به تبیین این امر و شرایط تحقق آن پرداخته است. کانت از همپیمانی ملتها سخن میگوید و آن را تنها راه رهایی از بلایا و آسیبهای جنگ میداند. بنظر او صلح پایدار که تنها از رهگذر تعامل و گفتگوی میان انسانها تحقق مییابد، باید بعنوان یک اصل راهنما تلقی شود و انسانها در کارهای سیاسی و هرگونه کردار اخلاقی، اعم از فردی و اجتماعی، باید همواره از آن پیروی کنند. کانت صلح پایدار را بعنوان «والاترین خیر سیاسی» توصیف میکند و تأکید میورزد که همواره باید چنان رفتار کرد که گویی آن یک امر واقعی است. نوشتار حاضر به تبیین و

---

\* استادیار گروه فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

ارزیابی اندیشه کانت در خصوص صلح پایدار و شرایط تحقق آن میپردازد.

**کلید واژه‌ها:** کانت، صلح پایدار، جنگ، حکومت، شهروندی

## پیوند اخلاق، عدالت و صلح در حکمت متعالیه

سیدحسین واعظی\*

هدف نوشتار حاضر، کشف رابطه اخلاق، عدالت و صلح در حکمت متعالیه بوده که با روش توصیفی و تحلیل محتوا دنبال میشود. یافته‌های این پژوهش، بیانگر آن است که انسان اگر به اخلاق، بخصوص اخلاق نبوی(ص) متخلق شود، استعداد قبول معارف الهی افاضه شده به قلب نبی(ص) را یافته و این انوار بنحو انعکاس بر قلب او نیز پیدا میگردد، زیرا انسان مهتدی به نور الهی و اشرف و برگزیده خلائق نزد خداست، بنابراین مبدأ و منتهای انسان نیز خود خداست. در این مسیر، طاعات و معاصی عوامل مؤثر در نفس بوده و ازاینرو هر چه نفوس شریفتر و عالیتر باشد، محبوبات و مرغوبات آنها نیز لطیفتر و پاکیزه‌تر و تمایلشان به طاعات و سعادات نیز بیشتر است. البته سعادت حقیقی تنها برای کسانی میسر است که امکان و استعداد آن را داشته باشند. برای وصول به سعادت و کمال حقیقی، رعایت اعتدال لازم است و لذت و سعادت نفس نیز در هنگام اتصال به این بدن دنیایی، حصول عدالت و انجام افعال عبادی و اخلاقی نیکوست.

کلید واژه‌ها: اخلاق، عدالت، صلح، حکمت متعالیه

## پیوند مفاهیم اخلاق، عدالت و صلح در اندیشه حکیم ملاصدرا

سیدشهاب‌الدین حسینی\*

نوشتار حاضر به تبیین چگونگی پیوند دو مفهوم اخلاق و عدالت با صلح از دیدگاه صدرالمتهلین می‌پردازد. برغم تمامی پیشرفتهای نوآوریهای تمدن و تجدد، دنیای کنونی با بحران اغتشاش و ناامنی دست به گریبان است و در گرداب بیعدالتیها و بی‌اخلاقیها و نابرابریها، در ظلم و فساد و هرج و مرج فرو میرود.

اندیشه‌ورزان و صاحب‌نظران مکاتب و نحله‌ها سعی و تلاش نموده‌اند که این مهم را چاره‌اندیشی نمایند. علت ناکارآمدی گفتمان مختلف در تأمین صلح جهانی را باید در ناتوانی آنان در درونی‌سازی و ایمن‌سازی اخلاق و عدالت در آحاد جامعه جستجو کرد. سخن این است که آیا حکمت متعالیه صدرایی با ترسیم پیوند اخلاق و صلح و عدالت، راهکاری در خور، برای برقراری صلح و ثبات، ارائه می‌کند؟

نگارنده معتقد است که از نظر حکیم ملاصدرا، امنیت بیرونی بر صلح و آرامش درونی استوار است و برای داشتن زندگی امن، منفعت‌جوییهای فردی و گروهی که برخاسته از قوه شهویه و غضبیه است، مانع تحقق صلح جهانی خواهد بود. از اینرو اجرایی شدن صلح جهانی بر بنیاد اخلاق و عدالت استوار است و با هماهنگی بین سه فضیلت حکمت، عفت و شجاعت در نفس، فضیلت دیگری بنام عدالت حاصل شده و در نتیجه با درونی شدن آن، صلح میسر می‌گردد.

**کلید واژه‌ها:** صلح، اخلاق، عدالت، درونی‌سازی

## نخستین مقایسه‌ی «عدالت و صلح» در آراء ارسطو و ابن مسکویه

سیمین عارفی \*

اگرچه از منظر تاریخی، بحث از «عدالت» و هستی واقعی آن - فراتر از لفظ و تعریف - با سقراط آغاز شده است، اما ارسطو نخستین کسی است که بشکلی سامانمند به تدوین مباحث مربوط به عدل و ظلم، ویژگیهای عادلان و ظالمان و تعیین مصادیق امور عادلانه و ظالمانه پرداخته و در آراء فرائضی خود «عدالت» را نه جزئی از فضیلت اخلاقی، بلکه تمام فضیلت و ظلم را نه جزئی از رذیلت، بلکه تمام آن دانسته و پیوند آن را با دیگر فضایل نشان داده است. تأثیر این آراء بر ابن مسکویه، چنانکه در اثر ارزشمندی تهنید الاخلاق مشاهده میشود، انکارناپذیر است، با وجود این، نشانه‌های روشنی در این اثر از تأثیرپذیری مؤلف از آموزه‌های اخلاقی اسلامی و بطور مشخص شیعی حکایت میکند. با آنکه در آراء و آثار هیچکدام از این دو فیلسوف بصراحت به مسئله «صلح» و پیوند آن با «عدالت» پرداخته نشده، میتوان در این آثار شواهدی دال بر توجه به این موضوع و مبانی آن یافت. نگارنده بر آن است که در نوشتار حاضر به تبیین دیدگاههای ارسطو و ابن مسکویه در مبحث عدالت، تأثیرپذیری ابن مسکویه از ارسطو و بیش از آن از آموزه‌های اسلامی و شیعی در این زمینه بپردازد و بلحاظ فلسفی نشان دهد که چگونه میان «عدالت» و «صلح» پیوند برقرار است.

**کلید واژه‌ها:** ارسطو، ابن مسکویه، عدالت، صلح

## بررسی مفهوم «صلح» از دیدگاه علامه طباطبائی

خسرو کمالی سروستانی<sup>۱</sup>، شمسی کاظم پور<sup>۲</sup>

مسلمانان در قرن بیست و یکم بشدت تشنه آشنایی و عمل به مباحث حکمی و نظری هستند که بدون اختلاف بتوانند همه باهم بدان ریسمان چنگ بزنند تا آنان را از تفرقه مورد خواست و نیت استکبار جهانی پرهیز دهد. بدین منظور مسلمانان باید در تقابل از درون با امثال سلفی‌گری و از برون با دشمنان خارجی، هرچه مستحکمت‌تر تئوریه‌ها و مباحث نظری وحدت‌بخشی را پیشه عمل خود سازند. اعتقاد به قرآن تنها هویت ارزشی است که با دست یازیدن به آن، نه تنها از تفرقه جلوگیری میشود بلکه ایمان به عمل صالح و امید نیز در بین مسلمانان مستحکم میگردد.

این پژوهش درصدد است با مطالعه موردی و استخراج از متن آیات قرآن کریم، مفهوم «صلح» و نیز گوناگونیهای واژگان و اصطلاحات آن از دیدگاه علامه طباطبائی را مورد واکاوی و بازخوانی قرار دهد تا درون‌مایه نظری محکمی جهت استحکام عمل مسلمانان بدست دهد.

بدین‌منظور، با استخراج و استفاده مستقیم از آیات قرآن کریم مرتبط با مفهوم «صلح» و بهره‌گیری از تفسیرالمیزان علامه طباطبائی، مفاهیم حکمی لغوی و اصطلاحی «صلح» مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار خواهند گرفت. در این پژوهش دست‌کم بیش از بیست سوره قرآن کریم با سیزده ریشه واژه متفاوت که به مفهوم مرتبط با صلح پرداخته‌اند، مورد واکاوی و مطالعه قرار خواهند گرفت. از آنجا

۱. استادیار دانشگاه زنجان

۲. استادیار دانشگاه پیام نور تهران

که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان با تکیه بر صبغه و نگاهی فلسفی و حکمی به مباحث نظر کرده است، بطور قطع استنتاجات تئوریک و نظری در باب «صلح» نیز در جهت اهداف این پژوهش با خود بهمراه خواهد داشت.

**کلید واژه‌ها:** صلح قرآنی، علامه طباطبایی، تفسیر المیزان

## بررسی و تحلیل مبانی صلح جهانی و پایداری در فلسفه عملی ملاصدرا

حسین قاسمی\*

در مغرب زمین، ایمانوئل کانت بعنوان فیلسوف مدرنیته، تفسیری از عقل عملی و ماهیت ادراکات تجزیه‌ی ارائه می‌دهد که او را بسوی تبیین فلسفی جامعه مدنی، جامعه جهان‌شهری و درنهایت صلح جهانی و پایداری سوق می‌دهد.

با وجود اینکه فیلسوفان مسلمان بخصوص صدرالمتهلین به مفهوم صلح جهانی و پایداری تصریح نکرده‌اند، اما میتوان دیدگاه آنها را در باب ماهیت عقل عملی و ادراکات آن بگونه‌ی تحلیل نمود که صلح جهانی و پایداری در سایه خلیفه الهی، واقعیتی اجتناب‌ناپذیر در جامعه متعالیه تلقی گردد. در این خصوص ملاصدرا برخلاف کانت هرگونه ثنوتی میان عمل و نظر را رد میکند. او عقل عملی را از مراتب حقیقت واحده نفسانی انسان میداند و عمل بعنوان مرتبه‌ی از نظر و در ارتباطی پویا با جهان خارج تلقی میگردد. تلقی ملاصدرا از عقل عملی سبب میگردد تا احکام و گزاره‌های عقل عملی همچون گزاره‌های عقل نظری از کلیت (یا جهانشمولی) و ازلیت (یا پایداری) برخوردار باشند.

ملاصدرا انسان را در مسیر زندگی سعادت‌مندان، موجودی پویا و متحرک به حرکت جوهری از مرتبه ضعیف تا قوی میدانند. بر این اساس، انسان بنهایی قادر به حرکت تکاملی نبوده و برای این منظور به توانمندیها و ظرفیتهای اجتماعی و مدنی درازمدت نیازمند است. به این دلیل است که در جامعه عقلی صدرا بی باید فرد کاملی بعنوان خلیفه عهده‌دار هدایت و رهبری انسانهای ضعیف و متوسط باشد. خلیفه فردی

\* دکترای حکمت متعالیه دانشگاه تربیت مدرس و طلبه مقطع خارج فقه حوزه علمیه قم



معرفی میشود که با الهام از منابع غیبی از ادراکات عملی جهانشمول، متوسّع و پایدار برخوردار است. طبیعی است که رهبری چنین فردی در جامعه مطلوب صدرايي بلحاظ جهانشمولی در سطح شهر (مدینه فاضله)، کشور (امت فاضله) و جهان (معموره ارض فاضله)، به صلح و وحدت جهانی منجر خواهد شد. همچنین با توجه به پدیده ملکات نفسانی جامعه و جاودانگی آنها در کوتاه مدت و درازمدت، به صلح و وحدت پایدار و ماندگار منتهی خواهد شد.

در این نوشتار قصد بر آن است که دیدگاه ملاصدرا و مبانی او درباره صلح جهانی و پایدار از طریق برداشتهای وی از عقل عملی در حوزه فلسفه سیاسی و اجتماعی متناظر با آراء فلسفه سیاسی کانت مورد بحث قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** صلح جهانی و پایدار، فلسفه عملی، کانت، ملاصدرا

## بایسته‌های صلح جهانی در فلسفه‌ی سیاسی کانت و نقد آن

حسن مجیدی\*

اگرچه رساله صلح ابدی کانت بطور مشخص با انگاره کانت از صلح جهانی، ارتباط مستقیم دارد، اما میتوان با جستجو در دیگر نوشته‌های وی، بایسته‌ها و الزامات تحقق صلح جهانی را از منظر او برشمرد. از نظر کانت، صلح جهانی بنیانهای نظری و معرفتی خاصی دارد که پابندی به آن درباره فرد انسانی در بعد فردی، اجتماعی و جهانی به تحقق حقوق و آزادیها و صلح جهانی و جلوگیری از جنگ منجر میشود. بایسته‌های صلح جهانی از منظر کانت به سه دسته زیرساختهای نظری معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، بایسته‌های حوزه اجتماع از جمله قرارداد اجتماعی و قانون و درنهایت ساختارها و نظامهایی که در سطح جهانی و فروع جهانی، تحقق صلح جهانی و پرهیز از جنگ را امکانپذیر میکند، قابل تقسیم است. البته وی بطور مشخص در کتاب صلح ابدی، اصول و الزامات تحقق این امر را برمی‌شمرد که میتوان گفت بنمایه‌های اصلی سازوکاری مانند سازمانهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل برای تحقق صلح جهانی بوده است. نوشتار حاضر در صدد است با کاوش در آثار کانت و بخصوص با غور در فلسفه سیاسی وی به شناسایی الزامات و بایسته‌های تحقق صلح جهانی از منظر کانت بپردازد و درگام بعدی با نقد و ارزیابی آن از منظر اسلامی بر مبنای رویکرد مهدویت به بیان نارساییها و ظرفیتهای نگرش کانت به صلح جهانی بپردازد.

**کلید واژه‌ها:** صلح جهانی، کانت، فلسفه سیاسی، صلح ابدی، مهدویت

## صلح و آرامش در حیات انسان بارویکرد عرفان صدرایی

سیمین اسفندیاری\*

انسان طالب آرامش و امنیت است و برای بهرمندی بیشتر از مواهب حیات به آرامش اعم از بیرونی و درونی نیازمند است؛ آرامش درونی صلح بیرونی را نیز بدنبال دارد. بدینسان یکی از ارزشهای والای انسانی و اسلامی و یکی از آرمانهای مقدس بشری، استقرار صلح است. برای همین از دیرباز متفکران و مصلحان و فیلسوفان هر یک به فراخور افق فکری خویش برای تحقق زندگی ارزش‌مداری که انسان بر اساس آن بتواند به بسط معنویت و تعالی و در نتیجه صلح و آرامش دست یابد طرحی در انداخته‌اند. اما اینکه چگونه میتوان راه چنین زندگی بالنده‌یی توأم با صلح و صفا و آرامش را فراهم کرد، پرسشی است که در نوشتار حاضر با رویکرد عرفانی ملاصدرا به انسان به آن پاسخ داده میشود.

صدرالمতألہین در منظومۀ فکری خویش با توجه به تلفیق آشتی‌جویانه بین روشهای فکری اسلامی، در ابعاد نظری و عملی نگاهی جامع به هستی انسان دارد. برای همین انسان موجودی دارای کمالات مادی و معنوی و دارای جایگاهی برتر در نظام هستی است با نقشی که به مقام «خلافة اللہی» تعبیر میشود. بدون شک شناخت هستی انسان در نظام فکری صدرایی، شیوه‌یی از زندگی را ایجاب میکند که در نایل شدن او به کمال یعنی «خلافة اللہی» و در نتیجه استقرار صلح و آرامش در جوامع بشری از اهمیت فراوانی برخوردار است.

**کلید واژه‌ها:** صدرالمتألہین، انسان، معرفت، صلح

## رابطه صلح و انسان کامل نزد بابا افضل الدین کاشانی

مصطفی شهرآیینی<sup>۱</sup>، مهدیه آهنی<sup>۲</sup>

افضل الدین کاشانی معروف به باباافضل، از فیلسوفان کمتر شناخته شده اوایل قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری است. نظام فلسفی او با تأویلی که از معنای وجود ارائه می‌دهد سعی در ظهور انسانی در نهایت شناخت و دانایی و خردمندی دارد. در اینصورت، انسان مدنظر او در نهایت، خردمندی تمام‌عیار می‌شود که در اتحاد با خرد، خود، به عقل بدل شده و بصورت انسان کامل موجودیت می‌یابد. تبیین صریحی از این انسان کامل را در رساله *ساز و پیرایه شاهان پرمایه* در تمثال پادشاه می‌بینیم. در نهایت این مسیر دانایی که برنامه فلسفی افضل‌الدین بدان راه می‌برد، انسان کاملی بمنصه ظهور می‌رسد که با خردمندی، اخلاق مردمانش را بهبود می‌بخشد و آنان را بسوی آگاهی و بیداری و خرد و ادب فرامیخواند. نزد این فیلسوف، اصولاً هر چیزی از آمیختگی با مخالف خود دچار ضعف و سستی می‌شود و در آمیختگی با موافق خود قوت می‌یابد و می‌آید. در نتیجه انسان کمال‌یافته مدنظر وی چنانکه پادشاهی کند، از ایجاد تخالف و ضدیت میان مردم دوری جسته و به تدبیر امور مردم می‌پردازد و عدل و صلاح را بر ارکان و اعمال آنان حاکم می‌سازد. در مشی و منش این انسان کامل که بردباری و تواضع از خصوصیات اصلی او توصیف شده، شاهد تغییر و بیثباتی در حال و معیشت و بطور کلی، حیات مردمان نخواهیم بود. از طرفی، نتیجه پرهیز این انسان کامل از غضب و شهوت، تجلی فرهنگ صلح و خویشاوندی و بینبازی و

۱. استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز

۲. کارشناس ارشد فلسفه دانشگاه تبریز

رستگاری است که در نتیجه خردمندی او خوی مردمان بدان سوق مییابد.

**کلید واژه‌ها:** شناخت، خرد، تربیت، اخلاق، انسان کامل، صلح

## تبیین سازگاری کثرت نوعی انسان ملاصدرا با تساوی حقوق بشر

عبدالله صلواتی<sup>۱</sup>، الهام پیرمحمدی<sup>۲</sup>

ملاصدرا بر پایه نگرش وجودی و نظریه حرکت وجودی و اتحاد عاقل و معقول و حدوث جسمانی نفس، وحدت نوعی انسانها را انکار نموده است. وی نه هیچیک از دو فرد انسانی را شبیه به هم دانسته و نه یک فرد انسانی را در همه مراحل زندگی در نوع واحد قرار میدهد. پرسش محوری این جستار آن است که چگونه با پذیرش کثرت نوعی انسان ملاصدرا و جهانهای متفاوتی که انسانهای مختلف در آن زیست میکنند، میتوان از تساوی حقوق اجتماعی انسانها در ملت و منطقه‌یی و حقوق بشر در جهان سخن گفت؟ نوشتار حاضر در تلاش است تا با طرح دو مدل از حقیقت انسان به این پرسش پاسخ دهد؛ با این توضیح که انسان ملاصدرا بحسب طبیعت جسمانی و نشئه طبیعی، نوع واحد و دارای احکام اجتماعی برابر اما بلحاظ روح و نشآت باطنی، انواع متکثر و برخوردار از احکام معنوی متفاوت و آثار وجودی مختلف است و حقوق بشر و تساوی در حقوق اجتماعی متعلق به این نشئه است. بنابراین از این دریچه میتوان اظهار داشت: اثبات انواع انسانی از دیدگاه صدرالمتألهین هیچ منافاتی با تساوی حقوق اجتماعی انسانها ندارد و از آنجا که توجه به تساوی حقوق بشر بتدریج راه را بر زیاده‌خواهی برخی از قدرتها میندود و زمینه‌های صلح جهانی را فراهم میکند، انسان‌شناسی ملاصدرا را میتوان پیام‌آور صلح تلقی کرد.

**کلید واژه‌ها:** حقوق بشر، صلح، کثرت نوعی انسان، ملاصدرا

۱. استادیار گروه الهیات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

۲. کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

## نقش انسان کامل در صلح

### نصرالله حکمت<sup>۱</sup>، نفیسه تنها<sup>۲</sup>

ملاصدرا با نگاه عرفانی خود عالم را مجموعه‌یی از اسماء الهی تحقق‌یافته بصورت عینی میدانند. با این نگاه برای هر حقیقتی، اسمی وجود دارد. بعلاوه، ممکن است در شیء واحد، وجوه و حقایق متعددی باشد که هر وجهی، اسمی از اسماء الهی را طلب مینماید. اما از آنجا که بجهت عدم‌تعیین ذات فی حد نفسه، واسطه‌یی برای ظهور اسماء و کشف اسرار در ساحت الهی لازم است، ازاینرو خلیفه‌یی الهی معین میشود. انسان کامل بعنوان مظهر اسم جامع الله، خلافت حق را برعهده دارد. در این بین، انسانهایی یافت میشوند که با کسب مظهریت اسمی، واسطه انتقال دولت اسمائی حاکم بر نفوس و جامعه خویش میشوند. اما امروزه تراحمات و اختلالات در جهان، جنگ و ناآرامیها، ظلم و ستمهای فراوانی بچشم میخورد و انسانی که مظهر جامع و متعادل اسماء متقابل جمالی و جلالی حق است، میتواند بین مظاهر اسماء مختلف ارتباط و آشتی برقرار کند؛ اینگونه است که بعنوان مصلح کل در هستی مطرح میشود.

**کلید واژه‌ها:** انسان کامل، صلح، خلیفه الله، اسماء الهی

---

۱. استاد گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناس ارشد حکمت و فلسفه دانشگاه شهید رجایی

## صلح از منظر مولانا و دلالت‌های تربیتی آن

علی محمد ساجدی<sup>۱</sup>، شهرزاد راه‌نمایان<sup>۲</sup>

صلح را گاهی به صلح درون و صلح برون تقسیم می‌کنند. صلح درون را آشتی فرد با خود و صلح برون را آشتی با افراد، ملتها و فرهنگها و دینهای متفاوت میدانند. مولانا که به آئینه جان و جان‌جانان و خداوند، روکرده، بوسیله صلح با خدا و رسیدن به آن، هر دو دیگر (صلح درون و برون) را نیز محقق میداند. بعبارت دیگر، پیش‌فرض صلح با خالق، در صلح بودن با خود و هستی است و در صلح بودن با درون، هم‌زمان، در صلح بودن با کائنات و خالق را نیز میسر میسازد. ازاینرو در پیوند با حق است که این دو به کمال حاضرند. در این جستار که با روش توصیفی - استنباطی به فرجام رسیده، نشان خواهیم داد مولانا در پی آن است که پرده از «آئینه» وجود خود در برابر خالق برگردد و پیش از آن، منیت خود را به مسلخ قربانی برده، مرکزیت خود را نشانه‌رود. بنابراین، سفر خود را با سکوت آغاز میکند، با توشه فقر ادامه میدهد، سپس به عدم رسیده و در ذات او فنا شده و ابدی میگردد. همچنین بمنزله شیوه قابل استفاده در آموزش امروزی، میتوان این دورشدن از خود ناسازگار و ناپالوده را در حلقه‌ی تمرین کرد که حلقه کندوکاو نام گرفته‌است. مفهومیها و داستانهای را میتوان در میان این حلقه به همدلی و هم‌اندیشی گذاشت و بودن و نبودن را در تمرینی زمینی مشق کرد.

**کلید واژه‌ها:** انسان، مولانا، صلح، خالق، سکوت، صلح، فقر، فنا، تربیت

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت



## عرفان اسلامی و صلح جهانی بر اساس اندیشه‌های ابن عربی و مولوی

رضا اسدیپور\*

عرفان اسلامی بعنوان بعد باطنی و ساحت معنوی دین اسلام، مکتبی است که با تکیه بر کشف و شهود قلبی به معرفت نفس و اسماء و صفات خداوند دست یافته و رابطه خالق و مخلوق را براساس عشق و محبت توصیف میکند. عارفان مسلمان با تقسیم‌بندی سه‌گانه دین به شریعت، طریقت و حقیقت، اختلافات ناشی از عالم کثرت را در سطح شریعت دانسته و معتقدند که هرگاه سالک با طی طریق در سلوک الی الله و گذار از مقامات طریقت بقدر ظرفیت و تزکیه نفس، به شهود حقیقت نایل شود، تمام عالم کثرت را تجلیات وحدت یافته و درمیابد که اختلافات خلق ناشی از ماندن در بند ظاهر الفاظ و عبارات و راه نیافتن به معنای واحد حقیقی است. بنابراین عارف تمام موجودات هستی را که مظاهر حقند، در صلح و صفا و آرامشی الهی مشاهده کرده و از جنگ و جدال و خصومت برحذر میدارد.

در نوشتار حاضر برای روشتر شدن چنین نظرگاهی که به صلح جهانی می‌انجامد، اندیشه‌های صلح‌مدارانه ابن عربی و مولوی که از عارفان تأثیرگذار جهان اسلامند، مورد بررسی قرار می‌گیرد و ریشه‌های اختلاف ادیان و مذاهب و عقاید و راههای دست‌یافتن به وحدت و صلح و حیات مسالمت‌آمیز، از منظر این دو عارف نمایان میشود.

محدوده پژوهش در اندیشه‌های ابن عربی به دو کتاب *فصوص الحکم* و *فتوحات*

مکیه و در اندیشه‌های مولوی به کتاب *مثنوی معنوی* اختصاص یافته است.

**کلید واژه‌ها:** عرفان اسلامی، صلح، اختلاف ادیان، کثرت، وحدت، ابن عربی، مولوی

## مقارن‌سازی نگاه فلسفی دینی به انسان گامی در جهت تحقق صلح جهانی

محمدباقر عامری نیا\*

باورهای فلسفی در معنای عام آن مبتنی بر عقل‌گرایی محض، بمثابة نیروی توانمند درونی، نسل امروز را به سمت و سوی این تلقی سوق میدهد که جهان متعلق به انسان است و همین انسان خود باید آن را مدیریت کند؛ منظور انحصار او در تعیین نوع زندگی و اداره آن میباشد. از سوی دیگر، باورهای در قالب رنگ دینی محض که از آن به جریان قدرتمند سنت تعبیر میشود، اصرار دارد که بگوید جهان متعلق به خداوند است و این آموزه‌های وحیانی (ولو درک شده توسط این گروه) هستند که حق عرض اندام و طراحی نوع زندگی انسان را در این عالم دارند. بدیهی است که این دو نوع نگاه در عمل، یکپارچه‌سازی جهانی بمعنی بوجود آمدن جامعه مدنی واحد و یا دست‌کم تحقق همجواری مسالمت‌آمیز را دشوار و بلکه ناممکن مینماید. چنانکه عینیت این دشواری و پیامدهای دو نگاه متفاوت فوق را امروزه از رهگذر بخش گسترده‌ی از موضعگیریهای غرب در قبال انسان شرقی و از طرف مقابل، پاره‌ی کشمکشهای سیاسی و بطور مشخص فعالیت‌های تروریستی معاصر، بوضوح مشاهده میکنیم.

نوشتار حاضر، ضمن اشاره به موجودیت دو نگاه متفاوت فوق در عصر حاضر و برشماری نمونه‌هایی از نمادهای آن، سازگارسازی این دو را بعنوان گامی مؤثر در فراهم آمدن زمینه تحقق صلح جهانی پیشنهاد میدهد و میکوشد تا راهکارهای مناسب

---

\* استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج

سازگارسازی مزبور را بشناساند. تحمل طبیعی فلسفی، انعطاف‌پذیری ادیان پیشرفته، ابتدای آموزه‌های وحیانی بر خمیرمایه‌های انسانی، پاره‌یی از اصول مقبول در این دو نوع نگاه از جمله گزاره‌های مؤثر است که ما را در این همراه‌سازی یاری می‌دهد و در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**کلید واژه‌ها:** انسان فلسفی، انسان دینی، صلح جهانی، سازگارسازی مبنایی

# کرامت انسانی و صلح براساس حکمت متعالیه و فلسفه لایب نیتس

امراه معین\*

براساس حکمت متعالیه، کرامت ذاتی انسانها امری وجودی است و چون وجود نیز دارای اصالت است، پس کرامت آدمیان نه امری فرعی و اعتباری بلکه امری اصیل و واقعی است. بنابر تشکیک مراتب وجود این کرامت نیز دارای مراتب شدت و ضعف است و با اینکه انسانها کرامت خویش را از خداوند متعال گرفته‌اند، اما بجهت قوت و ضعف وجودیشان یکسان از این موهبت استفاده نمیکنند. انسانها هرچه دارای بینش نظری و عملی قویتری از لحاظ کرامت انسانی باشند، به همان نسبت در رعایت حقوق انسانهای دیگر نیز رعایت انصاف و عدالت خواهند نمود و بالعکس اگر از درجه پایینتری از کرامت برخوردار باشند برای حقوق انسانهای دیگر ارزش کمتری قائل خواهند بود. این نحوه نگاه در صحنه عملی، زندگی مسالمت‌آمیزی را نسبت به انسانهایی که از نظر فرهنگ، دین و اندیشه با ما اختلاف دارند، رقم خواهد زد و صلحی پایدار را منجر خواهد شد.

لایب نیتس فیلسوفی است که - با اینکه در طلیعه فلسفه مدرن میزیست - کرامت انسانی را ریشه‌دار در حکمت الهی میدانسته و قائل به آیین‌بودن انسان برای صفات الهی بوده است. او نگاه انسانی به عدالت، حق و انصاف را از همین کرامت انسانی میدانست و برای همین است که فلسفه خویش را صرف تلاش برای وحدت

گونه‌های مختلف دین و فرهنگ نموده است. برخورداری انسان از اختیار و آزادی، خیر کلی و عمومی و عدالت انسانی از جمله حقوقی است که این فیلسوف به آن می‌پردازد. لایب نیست برای تبیین دیدگاه‌های خویش از اصولی چون اصل جهت کافی و جهانهای ممکن و آینه‌های الهی بهره می‌گیرد.

نوشتار حاضر وجوه تشابه این دو دیدگاه را مورد بررسی قرار داده و البته از برخی تفاوت‌های فلسفی نیز غافل نشده است.

**کلید واژه‌ها:** کرامت انسان، اصالت وجود، تشکیک وجود، حقوق انسانی، عدالت،

حکمت الهی، اراده آزاد و اختیار، صلح

## بررسی ابعاد و مراتب خودآگاهی و تأثیر آن در تحقق صلح جهانی با نگرش به آراء ملاصدرا و هگل

حسین زمانیها\*

از نظر هگل فلسفه از خودآگاهی آغاز شده و به خودآگاهی نیز ختم میشود. هر چند او سیر تفکر فلسفی را سیر خودآگاهی مطلق میداند، اما هر خودآگاهی جزئی نیز بنحوی در این سیر کلی سهیم است و در آن مشارکت میکند. از اینرو فیلسوف با سهیم شدن در این سیر با شروع از خودآگاهی حداقلی و بسط آن در یک سیر دیالکتیکی به درک جدیدی از خود و جهان واصل میشود. براساس مبانی فلسفی هگل، یکی از مراتب خودآگاهی، مواجهه یک خودآگاهی با خودآگاهی دیگر است. از دید وی نفس این مواجهه، منشأ نزاع و رویارویی است. اما تنها راه رهایی از این وضعیت یعنی رهایی از خودآگاهی، دوپاره رفتن به سطح بالاتری از خودآگاهی است. سطحی که سنتزی از خودآگاهی حداقلی و دیگر آگاهی است. در این سطح است که خودآگاهی مقید دیگری را جدای از خود نیافته و خود و دیگری را دمی از زندگی خودآگاهی مطلق میبیند. در فلسفه ملاصدرا نیز خودآگاهی در مراحل مختلف تکامل فلسفی بسط مییابد. وی براساس مبانی فلسفی خود از جمله اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری این سیر را بنحو فلسفی تبیین میکند. این سیر از درکی بسیط از خود بعنوان موجودی اندیشنده آغاز شده و به درکی عمیق از

\* استادیار گروه فلسفه و حکمت دانشگاه شاهد

اتحاد خود با حقیقت هستی منتهی می‌گردد. از دید ملاصدرا بالاترین مرحله خودآگاهی، مرحله‌یی است که انسان با حقیقت وجود متحد شود و به این حقیقت وقوف یابد که وجودات مقید هر یک جلوه‌یی یا شأنی از وجود مطلقند. در این مرحله است که انسان وارد ساحت جدیدی از حیات میشود؛ ساحتی که خود، دیگری و عالم از هم جدا نبوده و هریک تنها شأنی از شئون حقیقت واحده وجودند. با رسیدن به چنین سطحی از خودآگاهی، بسیاری از نزاعها از میان میرود و عرصه برای تحقق صلحی پایدار فراهم میشود.

**کلید واژه‌ها:** خودآگاهی، صلح جهانی، ملاصدرا، هگل، دیگر آگاهی

## ضرورت صلح و، همبستگی درهما، سنگی با تعالی روح و روان انسان

رضوان رحیمی\*

در این نوشتار براساس بنیادیتترین اصول اعلامیه حقوق بشر - که قائل به پیوند و همبستگی انسانها در سایه آرامش است - ضمن تأکید بر اهمیت ارتباط انسانی براساس نظریه‌های مارگارت ویتلی و دیوید کوپرایدر و ادگار سن به نظریه‌های فلسفی و انسان‌شناختی افلاطون، ارسطو، نیچه، ماکیاولی، هابز، رسو و روانشناسانی چون فروید، آدلر، هاردینگ، مازلو و فرانکل به شیوهٔ تحلیلی درنگ شده و سرشت انسان در دیدگاه‌های مخالف بررسی گشته است و از مجموع یافته‌ها به این نتیجه خواهیم رسید که صلح و همبستگی نه تنها بعنوان اساسترین خواستهٔ درونی انسان که برای دوام آوردن در شرایط ناسازگار از بایسته‌ترین نیازهای انسان است که متناسب با سرشت و روح متعالی انسان بوده و گسترش صلح و رابطهٔ انسانی، موجب تعالی و رشد افراد و تحقق جامعهٔ جهانی خواهد بود.

**کلید واژه‌ها:** رابطه انسانی، سرشت، صلح، امنیت، آرامش، جنگ



# بررسی نقش امر به معروف و نهي از منکر در جلب توافق ادیان و ایجاد صلح جهانی

## معصومه ذبیحی\*

اصل امر به معروف و نهي از منکر از ضروریات دین اسلام بوده و در آیات و روایات، توجه خاصی به آن شده است و بیشترین سفارش و تأکید پیرامون این اصل میباشد. علمای علم کلام نیز پس از پذیرش اتفاق در اصل وجوب این مبحث، در کیفیت و شرایط آن بحث کرده‌اند. البته مهمترین جایگاه این اصل در علم فقه میباشد که مباحث متنوعی را طرح نموده است. بطور قطع کارآیی این اصل ابتدا در میان مسلمانان و سپس در ارتباط با ادیان و حکومت‌های دیگر در حوزه اخلاق اجتماعی میتواند قابل توجه باشد. اگر مسلمانان در بین خود امر به معروف و نهي از منکر را زنده نگه دارند، بسیاری از دستورات دیگر دین از این طریق اشاعه پیدا کرده و راهگشایی برای ارتباط با ادیان دیگر بوده و آن امت واحده‌یی که از اهداف برپایی حکومت الهی است، تحقق میپذیرد و جهان به صلح و وفاق دست میابد. در این نوشتار، اولاً به اهمیت این اصل در آیات و روایات پرداخته شده، ثانیاً به نتایج ترک آن در جوامع اسلامی اشاره شده و ثالثاً تأثیر این اصل در برقراری روابط با ادیان و حکومت‌های غیراسلامی و ایجاد وفاق و صلح بین آنها مورد توجه قرار گرفته است. در پایان نیز چگونگی و کیفیت اجرای صحیح این اصل برای دستیابی به اهداف عالی اسلام بیان شده است.

**کلید واژه‌ها:** امر به معروف، نهي از منکر، ادیان، امت واحده، صلح جهانی

## صلح جهانی؛ بیمها و امیدها

محمد رضا شمشیری \*

بنظر میرسد مخاطره و خطر، هر دو، بشر امروز را به انحاء مختلف احاطه کرده است. اعتماد و هویت فردی، خانوادگی و اجتماعی در ابعاد ملی و جهانی با اضطراب، چالش و حتی فروپاشی روبروست. بنیادگذاران جامعه‌شناسی نوین و فیلسوفان عصر حاضر در مغرب زمین هر یک به تصریح و تلویح به سبک خود این رخداد را متذکر شده‌اند. ایشان گاه از سر تحدید و تمجید، ورود به دوران حاضر را با عنوان «مدرنیت» اجتناب‌ناپذیر و نویدبخش و گاه از روی نقادی و تردید، نومیدکننده و بحران‌زا معرفی کرده‌اند. گویی نزد ایشان دورنمای زندگی بشر در کره‌یی که بر روی آن باید سکونت داشته باشد با ابهام و تردید روبروست. نوشتار حاضر درصدد است با روشی تحلیلی - استنتاجی و با رویکردی تطبیقی، ابتدا پاره‌یی از موارد و مصادیق تهدید و مخاطره را در دوران معاصر یادآوری نماید و آنگاه اثبات کند که گر چه سرگشتگی بشر امروز در نظام‌های فلسفی و جامعه‌شناسی غرب اجتناب‌ناپذیر و بظاهر لاینحل است، اما در تفکر اسلامی مشرق زمین و در نظام فلسفی صدرالمثلهین میتوان منشأ این آسیب جهانی را در دوری بشر از اخلاق جستجو کرد و درمان آن را در نظام تعلیم و تربیت مدون در حکمت متعالیه یافت؛ نظامی که در آن هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی با تأکید بر نظام ارزش‌شناسی در هم تنیده است.

**کلید واژه‌ها:** بیم، امید، مدرنیت، اخلاق، تعلیم و تربیت

## فلسفه مقارن و نقش آن در صلح جهانی

شمس‌الله سراج\*

یکی از موضوعات مغفول در حوزه ارتباطات انسانی در جوامع کنونی، عدم توجه به موضوع بسیار مهم فلسفه مقارن است. هرچند تا حدود توجه به فقه مقارن و کلام مقارن در بحث بین‌المذاهب تا حدودی جبران این نقیصه را نموده است، ولی از آنجایی که فلسفه با نگاه متافیزیکی می‌تواند بعنوان مادر علوم عمل نماید، نقش آن در ایجاد صلح جهانی و نزدیک ساختن دیدگاه‌های انسانها در اداره جهان بسیار بارز است. دستاوردهای پردازش به فلسفه مقارن عبارتند از: ۱) تحقق تقریب عملی و واقعی میان پیروان ادیان مختلف ۲) توجه به موضوعات درون دینی و نقش آن در صلح جهانی ۳) آشنایی با سازوکار اجتهاد فلسفی با رویکرد مشترکات فلسفی جهان اسلام و غرب ۴) تبادل اندیشه‌های فلسفی تأثیرگذار در جهان ۵) پرهیز از گرایشات نفسانی با توجه به اینکه فلسفه با اساس انسانیت سروکار دارد ۶) توجه به زبان مشترک فلسفه در بین ادیان مختلف ۷) توجه به تقلب احوال در عرصه سیاست با رویکردی بر انعطاف فلسفه و تغییرپذیری آن.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه، مقارن، صلح، اجتهاد فلسفی، گرایشات نفسانی

## فلسفه و گفتگوی تمدنها و فرهنگها

فرحناز کهن\*

اختراع خط و پیامد آن، گسترش دانش، علوم، فرهنگ و برقراری گفتگو میان فرهنگها و تمدنها بعنوان سرآغاز تمدن بشری شناخته شده، ولی سراسر این تمدنها آکنده از جنگهای بسیار و خسارات فراوان انسانی و مادی بوده است و هنوز هم دول قدرتمند با تفکرات انسان آشوری ماقبل تاریخ تفاوتی ندارند و به گسترش سلاحهای کشتار جمعی میپردازند و مقاصد توسعه طلبانه خود را در شعارهای زیبای برقراری آزادی و دموکراسی به اذهان عمومی جهان تزریق میکنند. هدف از این نوشتار بررسی فلسفه و گفتگوی فرهنگهاست. نوشتار حاضر به روش کتابخانه‌یی انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان میدهد که «گفتگو» بکارگیری عقل و تدبیر برای درک معنا و کشف حقایق و فهم دیگری از طریق زبان و منطق و همدلی است و گفتگوی سازنده و معنادار به تعاملی احترام‌آمیز و ارتباطی جستجوگر و دوسویه نیاز دارد و یافتن اشتراکات و همفکریها همانقدر ارزشمند است که توجه به اختلافات و تفاوت دیدگاهها. حوزه‌های اختلاف‌انگیز، طیف گسترده‌یی از مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را دربرمیگیرد که ادیان و مذاهب مهمترین آنهاست و درواقع گفتگوی ادیان یکی از زیرساختهای اصلی گفتگوی تمدنهاست؛ هرچند که از حساسیتها و تعصبات نابجای دینی بعنوان یکی از موانع جدی بر سر راه گفتگوی تمدنها یاد میشود و میتوان هر یک از این اختلافات را در زندگی فردی یا جمعی ملی یا جهانی را پررنگ کرد و بر طبل خشونت و نفرت کوبید و آتش و

\* دکترای تاریخ ایران دوره پس از اسلام و رئیس گروه مطبوعات کتابخانه ملی ایران

آشوب بپا نمود. اگر این مسیر در پیش گرفته شود، همان جنگ تمدنها در روابط بین ملتها پدیدار میشود. اما ضرورت حیاتی و نیاز اخلاقی بشر امروز، گفتگوی تمدنهاست تا بتوان جامعه‌یی آزاد و عدالت بنیاد بنا کرد.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه، گفتگوی تمدنها، آزادی

## صلح بر مبنای فلسفه سیاسی آیزایا برلین و صدرالمثلین

محمد مشکات \*

در این نوشتار ابتدا امکان بر مبنای صلح فلسفه سیاسی برلین مورد تحلیل و ارزیابی قرار میگیرد. چنانکه میدانیم برلین آزادی را به منفی و مثبت تقسیم کرده است و آنگاه به تحلیل و انتقاد از سوءاستفاده‌هایی که در تاریخ بشر غربی از آزادی مثبت علیه آزادی منفی شده، پرداخته است. ما در نوشتار حاضر ضمن اشاره به اهم انتقادهای وی، به تحلیل و نقد جنبه‌های مفقود در برلین در باب آزادی منفی خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که همه نگرانیهای وی درباره آزادی مثبت، در مورد آزادی منفی نیز در اشکال مرموز و پرخطرتری صادق است. آنگاه به جستجوی چاره‌ی برای رفع نگرانیهای برلین درباره آزادی مثبت و نیز رفع نگرانیهایی که ما در مورد آزادی منفی به تصویر میکشیم، بر خواهیم آمد. در اینجا تلاش میکنیم تا این چاره‌جوییها بر مبنای بازخوانی اندیشه ملاصدرا در جهت کشف دیدگاه او درباره صلح جهانی صورت پذیرد. بنظر میرسد بتوان دیدگاه صدرایی در مورد صلح را از اندیشه‌های وی در مورد مدینه، سعادت دنیوی و اخروی و سعادت حقیقی کشف نمود.

**کلید واژه‌ها:** آیزایا برلین، صدرالمثلین، آزادی منفی، آزادی مثبت، سعادت، صلح، مدینه

## فلسفه و کودک، راهی نو برای رسیدن به صلح جهانی

نواب مقربی \*

برنامه فلسفه برای کودکان یکی از هدفهای عمده خود را آموزش تفکر به کودکان و نوجوانان برای رسیدن به گفتگو و صلح جهانی می‌شمرد. تفکر چیزی نیست جز پرسش و پاسخ، و پرسش در زبان رخ میدهد و زبان هم امری سراسر اجتماعی است. همانگونه که جوامع گوناگونند، زبانها نیز مختلفند. حال پرسشی که در اینجا مطرح میشود این است که کدام نوع تفکر در کدام زبان و در کدام جامعه را باید برای رسیدن به صلح جهانی به کودکان آموزش داد، تا آنکه به صلحی پایدار و فراگیر منتهی شود؟ پاسخی که مدعیان برنامه فلسفه برای کودک به این پرسش میدهند این است که در آموزش فلسفه به کودکان باید به تفکر انتقادی اتکا کرد. ولی واقع امر این است که تفکر انتقادی تنها یکی از راههای آموزش تفکر به کودکان در کنار انواع بی‌شمار روشهای تفکر در جهان است.

در این نوشتار تلاش میشود ضمن شرح و بیان جنبه‌های مثبت آموزش تفکر انتقادی به کودکان و نوجوانان، جنبه‌های منفی این روش آموزشی نیز بازکاویده شود. تأکید بیش از اندازه بر روی یک روش تفکر، سرانجام خود به جزم‌اندیشی و تعصب و غفلت از دیگر روشهای تفکر می‌انجامد و گونه‌ی انحصارگرایی روشی است. راهکار‌هایی از این انحصارگرایی، پرورش همه‌جانبه انواع دیگر تفکر، همچون تفکر اخلاقی، دینی - وحیانی، عرفانی - شهودی در یک کل هماهنگ و یکپارچه است. رسیدن به

صلح جهانی تنها با احترام به فرهنگ و فلسفه بومی و پاسداری و نگهداری از آن در کنار دیگر شیوه‌های متکثر و متنوع زندگی و تفکر در جهان امروز حاصل میشود.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه و کودک، صلح جهانی، زبان، تفکر انتقادی، انحصارگرایی روشی، پاسداری از فرهنگ و فلسفه بومی



## صلح صدرایی، قیامی بر تارک هستی‌شناسی

علی‌مراد حسینی\*

کل فلسفه و هستی‌شناسی صدرالمتألهین متضمن روحی اخلاقی، دینی و شیعی است. که با اتکای به اعتقادات مذهبی و دینی بر شالوده کلمه «وجود» بنا شده است. وی با قراردادن وجود بعنوان موضوع مابعدالطبیعه، انقلاب بنیادینی در تفکر اسلامی بوجود آورد. هر چند وی در اعتقاد به وجود اعلی و صفات او در مقام بیان و وصف و نیز در خصوص تشریح ساختار وجود، ید طولایی دارد، اما پرداختن به اعم و اهم مسائل انسانی و ربط آن به وجود برای او از آن جهت حائز اهمیت است که مبتنی بر فلسفه‌بی نظری است. فلسفه نظری که ثنویت وجودی انسان و سرناسازگاری تضاد بین ابعاد معنوی و مادی و روحانی و جسمانی انسان را از زوایای جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی در حوزه‌های طبیعت و ماورای طبیعت، درون و برون، عقل و ایمان، کتاب و تفسیر، مطلق و نسبیّت، وحدت و کثرت، عقل و نقل و ثبات و تغییر بررسی مینماید، در آن رویه باور و نظر، از عمل و مصرف قابل تفکیک نیست و ارزشهای نظری و وحدانی است که کارکرد عملی و اجرایی پیدا میکنند. بنابراین درباره صلح در فلسفه ملاصدرا باید به دو مقدمه پرداخت: (۱) فعل مصلحتی و ارزشهای اصلاحی، (۲) صلح و آشتی بین اضداد. اولی ارزشهای وحدت‌گرایانه و صلح‌خواهانه است که نخست نزد حکمایی چون سقراط و سپس نزد ادیانی چون مسیحیت و اسلام و بطور کلی سنت ابراهیمی، بگونه‌یی که شاید بتوان آنها را باهم مقایسه کرد، دیده میشود. دومی تفحص فلسفی و تدقیق خردگرایانه و شاید هم شهودگرایانه وحدت در عین

کثرت و کثرت در عین وحدت، یگانگی در عین چندگانگی و نایکسانی در عین یکسانی است که امنیت وجودی جهان آفرینش را با آشتی غیر قابل وصف به تماشا مینشیند و تخم عشق و تکاثف را بر جهان خلقت میپراکند و خرمن تنفر و تخلخل را درو میکند. این نوشتار کوشیده است به آراء و اندیشه‌های صدرالمتألهین در خصوص مباحث هستی و ذات یا وجود و صلح و امنیت جهانی بپردازد.

**کلید واژه‌ها:** وجود، موجود، ذات (ماهیت)، صلح بین اضداد، اصالت وجود

## نسبت میان «فلسفه» و «تربیت اخلاقی» با «صلح جهانی»

اصغر سلیمی نوه\*

آنچه در فلسفه مورد توجه قرار گرفته و محوریت تام پیدا کرده است، مسئله «تربیت اخلاقی و انسانی» انسان میباشد. در مبانی فلسفی فیلسوفان جهان اسلام و غرب، مقوله صلح جهانی پیوندی ناگسستنی با مفهوم تربیت دارد. بواسطه اینکه غایت انسان دست یافتن به کمال میباشد میتوان اذعان نمود که غایت صلح جهانی، فلسفه و تربیت مسئله «انسانیت» و نحوه تحقق عینی آن در همه زمانها بوده است. مکاتب فلسفی غرب در جهت دست یافتن به صلح جهانی به طرح «اتوپیا» یا همان «مدینه فاضله» همت گماشته‌اند و از صلحی پایدار و جهانی سخن گفته‌اند. در حوزه تربیت نیز یگانگی تربیت اخلاقی انسان را شعار خود قرار داده‌اند. در این نوشتار تلاش میشود از «تربیت اخلاقی انسان» بعنوان زمینه‌ی مناسب برای تحقق صلح جهانی بر مبنای تفکرات فلسفی فیلسوفان یاد شود و راه دست یافتن به صلح جهانی از منظر فیلسوفان بررسی گردد.

**کلید واژه‌ها:** تعلیم و تربیت، صلح جهانی، اخلاق، انسانیت

---

\* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه ولی عصر (عج)

## الزامات انسان‌شناختی صلح بانگاہی به

### آراء و اندیشه‌های مارتین بوبر

رضا نصیری حامد\*

صلح و دوستی حقیقی و واقعی بین انسانها، مستلزم فراتر رفتن از مصلحت‌جوییهای گذرا و آنی و عمل بر طبق پشتوانه اعتقادی و ایمانی ژرف و عمیق است. از دیرباز انسانها در قالب ادیان و اندیشه‌های مختلف به صلح اندیشیده‌اند و راهکارهایی نیز ارائه نموده‌اند. بطور خاص در دوران مدرن، گسستن از مقتضیات و الزامات اعتقادی دوران گذشته سبب شده است که انسانها درباره مبنایی که آنها را به هم پیوند میدهد، دچار سرگستگی شوند. بخش مهمی از این روند بسبب زیر سؤال رفتن مبناهای وحدت‌بخشی است که تا پیش از این، مبنای انسجام و وحدت انسانها بشمار میرفت. تلفیق و همراهی انسانها با یکدیگر زمانی که با استناد به مبنای وحدت‌بخش و متعالی همچون وجود خداوند و خالق انسانها صورت گیرد، در نوع نگرش افراد به یکدیگر نقش بسزایی دارد. بعبارتی دیگر، نوع و نحوه نگرش انسانها به هم و نیز به خداوند، از هم منفک و متمایز نبوده و دارای پیوند و رابطه‌ی معنادار است. مارتین بوبر از کسانی است که در دوران جدید با بیان نسبت‌های میان فرد و دیگری و نیز فرد و خداوند، به چنین ارتباطات و پیوندهایی پرداخته است. مهمترین مبنای مورد تأکید وی آن است که برای تحقق نسبت و ارتباط درست بین هر یک از اینها باید از نگاه ابزارگونه دست کشید. در ارتباط حقیقی انسان با دیگری، ذیل نسبتی که وی با

خداوند دارد، باید همنوع خویش را بمثابه غایتی در خود ببیند؛ آنگونه که کانت می‌انگاشت. بالطبع هر نوع نگرش ابزارانگارانه نسبت به آدمی مانع از تحقق این امر خواهد شد. این پیوستگی و ارتباط در نسبت بین انسان و خدا و همچنین انسان با همنوع خویش امری است که در نگرشهایی همانند «اسفار اربعه» حکمت متعالیه نیز نمود دارد؛ بگونه‌یی که سفر بسوی خلاق و هموعان، ادامه منطقی و ناگزیر سفر بسوی خالق تلقی میشود.

**کلید واژه‌ها:** صلح، انسان‌شناسی، مارتین بوبر، من، تو، او، ملاصدرا

## کرامت آدمی و حقوق بشر در اندیشه حافظ

فاطمه علی پور<sup>۱</sup>، معصومه همایی<sup>۲</sup>

اگر ایرانی خدمتی به جهان کرده باشد، در روشن کردن اصول آدمیت و اخلاق است؛ محبت و خدمت به هم‌نوع و از خودگذشتگی در اشعار حکمای ایرانی موج میزند. در اندیشه‌های حکیمان حافظ، همه انسانها با هم برابرند و حکیم مسلمانی است که بسیار روشنفکرانه از حقوق انسانها، صلح و مدارا سخن میگوید و انسانها را به دوری از جنگ و درگیری سفارش میکند. او با لحن انتقادی توجه به مردم و احترام به شأن انسانی آنها را به حاکمان زمان خود گوشزد میکند و بر این اصل که دولتها به پشتوانه مردم سرپا هستند، تأکید دارد:

خسروان قبله حاجات بمانند ولی سبیش بندگی حضرت درویشان است  
حافظ که قائل به حق آزادی همه انسانهاست به هفتاد و دو فرقه شدن مسلمانان  
خرده نمیگیرد و نیافتن حقیقت را دلیل اختلاف و تفرق آنان میداند.

جنگ هفتاد و دو ملت را همه را عذریند چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند  
او با تأکید بر ارزش و کرامت انسانی انسانها، با جنگهای فرقه‌یی و مذهبی در  
طول اعصار و قرون مختلف مخالف بود و بر سازش و مدارا با مردم و احترام به  
انسانیت انسانها بدون لحاظ قومیت، نژاد و جنسیت افراد توصیه داشت.

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا  
دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ که رستگاری جاوید در کم آزاریست

**کلید واژه‌ها:** حقوق بشر، حافظ، برابری، سازش، مدارا، آزادی

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه پیام نور

۲. مدرس دانشگاه

## بنیادهای نظری حقوق بین الملل بشر در پروتواندیشه‌های کانت

جمال‌الدین شاعری\*

جایگاه کانت در طرح نگرشی متمایز و مؤثر در تاریخ فلسفه و تأثیر آن بر صورتبندی اندیشه‌های حقوق بشری معاصرانکارناپذیر است. بررسی افکار وی در این خصوص، از جهت تأثیر آنها در شکل‌بندی اسناد حقوق بشری از یکسو و منطقی‌درونی ایده‌های وی از سوی دیگر، رهنمون این مطلب است که او بنوبه خود در انگیختن افکار حقوق بشری، منتهی به تشکیل اسناد حقوق بشری، سهمی در خور داشته و این اسناد بشکلی غیرمستقیم تحت تأثیر مفاهیم جهانشمول و وظیفه‌گرایانه اندیشه‌های کانت قرار گرفته‌اند. امعان نظر در مؤلفات کانت و همچنین تفحص در یافته‌های مفسران و منتقدان افکار او نشان از آن دارد که اندیشه‌های وی انطباق بسیار بالایی با اسناد حقوق بشری داشته و همچنین با روح حقوق بشر معاصر همخوانی دارد. مهمتر اینکه نظر به نزدیکی تفکر کانت با تفکر شرق در بسیاری از جوانب، افکار وی میتواند بعنوان معبر و نقطه اتصالی در گفتگوهای دو تمدن شرق و غرب راهگشا باشد.

**کلید واژه‌ها:** حقوق بین‌الملل بشر، آزادی، جامعیت، قانون، حکومت

---

\* کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور تهران و فارغ‌التحصیل مرحله تخصصی اصول‌الدین، گرایش عقیده و فلسفه از دانشگاه فتح اسلامی (شعبه سابق الازهر) سوریه

## انسان کامل در آینه آثار افلاطون و ملاصدرا

حسن صیانتی<sup>۱</sup>، مجتبی حاجی محمدی<sup>۲</sup>

عینیت بخشیدن به ایده‌های فلسفی یکی از تلاشهای فیلسوفان در اکثر دوره‌ها بوده و مبحث آرمانشهر و ریاست آن، از دیرباز ذهن فلاسفه را بخود مشغول کرده است. اولین بار در یونان باستان، افلاطون آن را مطرح کرد و رئیس آن را فیلسوف دانست. فیلسوف کسی است که به خیر مطلق که برترین ایده‌هاست، دست یافته است. این ایده همانند دیگر ایده‌ها قائم به خود است. اما ملاصدرا با تمسک به عرفان، قرآن و برهان، بهترین رهبر جامعه را انسان کامل میداند؛ کسی که مظهر جمیع صفات الهی و واسطه بین عالم معقولات و محسوسات است. او معتقد است، چون انسان منحصر در فرد (مانند مجردات) نیست، نیازمند زندگی در اجتماع است و این جامعه برای اینکه بدلیل امیال نفسانی افرادش به هرج و مرج کشیده نشود، به رهبری نیاز دارد که از نظر جنبه تجردش (روح) به عقل مستفاد رسیده باشد. جایگاه انسان کامل بسیار والاتر از فیلسوف - شاه میباشد که به ایده‌ی رسیده است که قائم به خود است و نه قائم به خدا. پرداختن به دیگر تفاوت‌های نظریه این دو فیلسوف نامدار از اهداف این نوشتار میباشد.

**کلیدواژه‌ها:** انسان کامل، افلاطون، ملاصدرا، مدینه فاضله

۱. استادیار دانشگاه حکیم سبزواری

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی



## تبیین وجودشناسی از مسئله صلح نزد ملاصدرا

خدیجه کثیری بیدهندی\*

گرچه ملاصدرا بصراحت به مسئله صلح نپرداخته است، اما اشارات وی قابل تأمل است. در این نوشتار با استناد به نظریات صدرالمতألهین، تبیین او مورد تأمل قرار خواهد گرفت. نخستین پرسش بنیادین در نوشتار حاضر این است که آیا در حکمت متعالیه، صلح امری اعتباری تلقی شده یا بعنوان حقیقتی وجودی مورد توجه قرار گرفته است؟ طبیعتاً پاسخ این پرسش به تبیین ملاصدرا از حکمت عملی و ارتباط آن با حکمت نظری و نیز مبانی مسئله صلح مرتبط خواهد بود.

ساختار فکری ملاصدرا بتبع مسائلی که برای وی مطرح است، بر مساوقت وجود با واقعیت و خارجیت، وحدت تشکیکی مراتب هستی مبتنی است. در حقیقت، وجود حقیقی دارای دو قسم ضعیف و قوی است که قسم ضعیف، اعتباری تلقی شده است. با این تحلیل، سیاست و بتبع آن مسئله صلح، حقیقتی وجودی است که در مقایسه با وجودات عینی از مرتبه ضعیفتری بهرمنند است. در این نظام، انسان در ارتباط با وجود مطلق معنا مییابد. در نتیجه نگاه صلح جویانه صدرایی با حقیقت وجودی انسان و عناصر اصلی فکری او (تلفیق عقلائیّت و اسلامیت) مرتبط خواهد بود.

**کلید واژه‌ها:** ملاصدرا، صلح، حکمت عملی، امور اعتباری

## سالک اسفار صدرایی، راوی صلح جهانی

منوچهر خادمی\*

برای روایت مسئله صلح، نیاز به معیار، ملاک و مناطی است که همان عامل و عالم به صلح می‌باشد. ازاینرو برای تثبیت و تحکیم مدار و محور صلح، باید نطفه هویت و نقطه عزیمت را با ابتدای بر شخص صالح، تصویر و ترسیم نمود. بر مبنای چنین رویکردی در حکمت متعالی صدرایی، شخص مزبور، انسان کاملی است که اسفار تکوینی عرفانی را طی نموده و رهاورد سلوک خویش را با رهیافت صلح‌آمیز که شاکله عمل او با خلق بوده، تشکیل می‌دهد، اما با این تفاوت که از این پس، رفتار وی با خلق، مطابق با اقتضا و استعداد آنها خواهد بود که در هنگام رجوع از حق به خلق و حقانی شدن وجود خویش، با احاطه بر عین ثابت، سرّ قضا و سرّ قدر خلق، دلیل وقوع شرور، ابتلائات و چرایی تحقّق استعدادات مختلف و انواع قابلیت‌های انسانی را دانسته و ازاینرو کردار خود را با کسب مقام قرب نوافل و بلکه فرایض، انجام و اعمال مینماید. نگارنده در نوشتار حاضر سعی دارد با تعیین و تمییز این نحوه بازگشت و سنخ تعامل و ترابط سالک اسفار صدرایی با جامعه انسانی، محلّ تعالی حکمت صدرایی از مکاتب دیگر را در همین فحوا و محتوا دانسته و در نتیجه، راوی صلح جهانی را نفس نفیسی بدانند که خود، نماد اتحاد تامّ و تمام صلح، صالح و مصلح در نهان خویش است.

**کلید واژه‌ها:** صلح، صالح، معیار، اسفار اربعه، سرّ قدر، انسان کامل، حکمت متعالیه

\* دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه فردوسی مشهد، پردیس بین‌الملل

## تحلیل نظرگاه ملاصدرا در باب اهمیت تبدیل نفوس انسانی در تحقق صلح متعالی

مهدی قائد شرف<sup>۱</sup>، روح الله دارایی<sup>۲</sup>

تحلیل مفهوم صلح در منظومه فکری صدرالمتألهین، ارتباط تنگاتنگی با رابطه انسان با انسان، انسان با خداوند و انسان با طبیعت دارد. البته نباید رابطه انسان با خود و محاسبه نفس را از نظر دور داشت. بنظر میرسد علم به نفس، جزء ذاتی و جدایی ناپذیری است که در تمام این روابط نقشی بنیادین و محوری بر عهده دارد. بدیگر زبان، علم انسان به خود (علم حضوری) زیر بنای تمام روابط دیگر بشمار می آید؛ چنانکه هر گونه تغییر و تغییری در آن منجر به استبدال و دگرگونی در دیگر روابط خواهد شد. نفوس انسانی بعنوان ظروف نعمت الهی و جایگاه تبدیل نعمت به نعمت، زمینه ساز صلح و آرامش در سطح جهان و در روابط بین الملل و رابطه انسان با محیط زیست هستند. بنظر میرسد از دیدگاه ملاصدرا، صلح و آرامش بمعنای دقیق حکمی آن، تنها و تنها در پرتوی ارتباط انسان با عالم ملکوت و جبروت و عالم الهی میسر میشود. عبارت دقیقتر، صلح متعالی و الهی، آرامش و حقی است که شرط لازم آن تبدیل و تغییر نفوس انسانی میباشد و شرط کافی آن برقراری ارتباط با عالم ملکوت است. از این حیث، تفاسیری از صلح که محدود به رابطه انسان با انسانهای دیگر است در منظومه فکری ملاصدرا مورد انتقاد واقع میشود.

**کلید واژه‌ها:** صلح، آرامش، سکینه، تبدیل نفوس، نعمت، نعمت

۱. دکترای فلسفه تطبیقی دانشگاه علامه طباطبایی

۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

## ملاصدرا، کثرت نوعی آدمیان و مدارا

علیرضا فاضلی<sup>۱</sup>، طیبه فریدونپور<sup>۲</sup>

کثرت نوعی آدمیان یعنی اینکه حقیقت انسان همان تعریف مشهور ارسطویی «حیوان ناطق» نیست که همه انسانها در آن مشترک باشند، بلکه هر انسانی نوعی منحصر به فرد است. صدرالمآلهین براساس حرکت جوهری و اتحاد عاقل و معقول، وحدت نوعی انسانها را انکار نموده و انسانها را بحسب فطرت ثانی و نشئه باطنی دارای انواع گوناگون میداند؛ انواعی که هر یک بلحاظ وجودی و معرفتی احکام ویژه خود را دارند. این نابرابری ذاتی در نظر اول شاید باعث تخاصم تلقی گردد، اما اگر به مبانی حکمت متعالیه و عرفان نظری اعتنا شود، بالعکس موجب صلح و آشتی خواهد شد، زیرا حرکت جوهری اشتدادی است و با اتحاد عاقل و معقول، انسان سعه وجودی مییابد و هر که بالاتر رفت با نظر رحمت به انواع مادون خویش مینگرد و جنگ ایشان را جز خیالی نمییابد؛ پس اساساً مبنای او جز مدارا نخواهد بود و بگونه‌ی همسو و همخوان با تعبیر قرآنی، سرآمد همه آدمیان «انسان کامل» یا «حقیقت محمدیه» (ص) «رحمة للعالمین» است و دشمن او دشمن تمامی انسانیت خواهد بود. در این نوشتار با تحلیل اضلاع معرفتی نظریه کثرت نوعی در نظر صدرالمآلهین، برآنیم تا رابطه آن با صلح و دوستی بین انسانها را نشان دهیم.

**کلید واژه‌ها:** اتحاد عاقل و معقول، حرکت جوهری، صلح، کثرت نوعی، مدارا،

ملاصدرا

۱. استادیار گروه فلسفه دانشگاه یاسوج

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه یاسوج

## بررسی مفهوم کرامت نفس و پیاده‌سازی آن در صلح جهانی، با رویکردی تطبیقی در حکمت متعالیه ملاصدرا و عقل عملی کانت

یحیی صولتی چشمه ماهی\*

کرامت نفس آدمی و تعالی آن در راه رسیدن به سعادت و رستگاری، آرزوی دیرینه بشر بوده که تحقق آن در هر جامعه‌ای، مستلزم اعمال قوانین عقل عملی، پیروی از دستورات دینی و رعایت الزامات اخلاقی مرتبط با آن جامعه خواهد بود. این هدف در جوامع مختلف، به تناسب اقتضائات فرهنگی، اجتماعی، دینی، سیاسی و فکری آن جوامع دنبال می‌شود. در این جستار، ضمن تصریح به اهمیت کرامت نفس در روند تثبیت صلح و ثبات جامعه بین‌المللی، به نقاط قوت و ضعف دیدگاه فکری ملاصدرا و کانت پرداخته می‌شود. نکته مهمی که در این پژوهش مورد تأکید قرار گرفته، مربوط به اختلاف نظر مبنایی این دو فیلسوف در زمینه اخلاق یا حکمت عملی است که در نتیجه آن، با دو رویکرد کاملاً متفاوت مواجه می‌شویم؛ از یکسو دیدگاهی عقل‌نگر و دین‌باورانه را مشاهده می‌کنیم که آدمی را در چارچوب این قواعد و در طی مراحل سیر و سلوک و تهذیب نفس، به سر منزل هستی دعوت مینماید و بر این اساس کمال انسانیت، صلح و رستگاری را در سایه قرب الهی مورد بررسی قرار میدهد و از سوی دیگر، با دیدگاهی ایدئولوژیکی روبرو می‌شویم که در ضمن نگرش اومانستی خود، دین را مبتنی بر عقل عملی (اخلاق) دانسته و بدین ترتیب رستگاری و آرامش آدمی را در توجه صرف به انسانیت جستجو میکند.

**کلید واژه‌ها:** کرامت نفس، صلح، ملاصدرا، کانت، حکمت متعالیه، عقل عملی (اخلاق)،

سعادت و رستگاری

## سم شمول‌گرایی معرفتی فلسفه ملاصدرا در صلح‌پایدار

عبدالله صلواتی<sup>۱</sup>، ابوذر پاک‌نهاد<sup>۲</sup>، علیرضا شجاع‌الدین کاشان<sup>۳</sup>

همزیستی مسالمت‌آمیز در دنیای پرتنش امروز، نیازمند نوعی همگرایی میان نحله‌های مختلف فکری و فرهنگی در راستای تأسیس صلحی پایدار است و این مهم در پرتو عواملی بویژه مبناسازی معرفت‌شناسانه قابل تحقق خواهد بود. این جستار سعی بر آن دارد تا با طرح مسئله شمول‌گرایی معرفتی و مبناسازی آن بوسیله خوانش امکانات درونی فلسفه ملاصدرا به این پرسش پاسخ دهد که چگونه میتوان در پرتو معرفت‌شناسی ملاصدرا و تفاوت فهمها در حکمت متعالیه از یکسو زمینه را برای ایجاد همگرایی و گفتگو میان گونه‌های مختلف فکری مساعد ساخت و از سوی دیگر راه را بر هرگونه عقب‌نشینی از مواضع اعتقادی و وانهادن احکام شریعت بست؟ از آنجایی که معرفت‌شناسی و شمول آن در حکمت متعالیه گسیخته از مباحث وجودشناختی همانند وحدت تشکیکی وجود و انسان‌شناختی همچون کثرت نوعی انسانها نیست، در این جستار باجمالی از مباحث یادشده سخن بمیان می‌آید. بنظر میرسد از فروعات شمول‌گرایی معرفتی به رسمیت شناختن نگاهها و آراء متفاوت و در پی آن، ارتقای انعطاف‌پذیری و تحمل در برابر مخالفان است که برون داد اینهمه، وفاق ملی، منطقه‌یی و بین‌المللی و صلح جهانی میباشد. البته در این نگاه، پیروی از هواهای نفسانی و دین‌گریزی و شریعت‌ستیزی، موانع دستیابی به صلح خواهد بود.

**کلید واژه‌ها:** شمول‌گرایی معرفتی، وحدت تشکیکی وجود، کثرت نوعی انسان،

حکمت متعالیه، صلح پایدار

۱. استادیار فلسفه دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

## صلح جهانی ثمره تفکر جهانی

علی مراد حسینی \*

صلح جهانی را میتوان در جامعه‌یی مشاهده کرد که کتاب مقدس آسمانی بر وجودش گواه است، زیرا از آنجا که احکام و آیات این کتاب از فرمان و مشیت الهی سرچشمه گرفته است و ناشی از قضاوت‌های انسانی نیست، از حیث مرجعیت و قدر و منزلت بر تمام آثار و نوشته‌های فلسفی جهان برتری دارد. خداوند تمام افراد بشر را از صلب انسانی واحد (آدم ابوالبشر) آفرید و حکمت الهی و تفکری جهانی را در جهان آفرینش پراکند که هم شباهت اجتماعی بین انسانها ایجاد شود و هم همان یگانگی مبدأ را وسیله‌یی برای یگانگی قلوب و جلب محبت آنها نسبت به یکدیگر قرار دهد. وضع کنونی عالم بشریت ناشی از لطف و اغماض الهی است، زیرا با اینکه نژاد بشر به اینهمه اقوام و ملل مختلف تقسیم گردیده است - مللی که از حیث تفکر، زبان، انضباط، عادات و رسوم با هم فرق دارند - با وجود این، میان تمام این ملتها بندگان تنها دو نوعند؛ یکی کسانی که طبق تمایلات و خواسته‌های جسمانی زندگانی میکنند و دیگری کسانی که زندگی خود را براساس تمایلات روحانی ادامه میدهند و هرکدام از این دو گروه، زمانی که به هدفها و خواسته‌های خود نایل گردند، در صلح و آرامش که مخصوص همان زندگی است، بسر میبرند. این نوشتار درصدد است، ضمن پرداختن به وجهه ذوابعاد بودن انسان، صلح جهانی را در راستای دو نوع تفکر، یعنی تفکر زمینی و تفکر آسمانی مورد مذاقه و بررسی قرار دهد.

**کلید واژه‌ها:** صلح جهانی، تفکر زمینی، تفکر آسمانی

## بررسی رابطه عنایت الهی و صلح جهانی از منظر فلسفه دین

مهدی ابوطالبی یزدی \*

در سنت و متون مقدس ادیان توحیدی (یهودیت، مسیحیت و اسلام)، صلح جهانی آموزه‌یی مشترک است که بصورتی برجسته به آن بشارت داده شده است. این آموزه را میتوان مهمترین غایت اینجهدانی ادیان برشمرد. آنچه بر اهمیت موضوع می‌افزاید، تبیین سازگاری این آموزه با سایر آموزه‌های ادیان توحیدی میباشد. چگونگی این تبیین و تأیید (یا عدم تأیید) سازگاری آن از وظایف اختصاصی فلسفه دین است.

در فلسفه دین مسئله صلح جهانی را از جنبه‌های گوناگونی میتوان بررسی کرد؛ یکی از این جنبه‌ها بررسی آن با توجه به آموزه عنایات الهی است. در ابتدای نوشتار حاضر ایضاحی مفهومی درباره اصطلاح عنایت الهی (Divine Providence) (که کاربرد دقیقتر و صحیحتری از اصطلاح مشیت الهی است) و واژه صلح ذکر خواهد شد و در ادامه به این پرداخته میشود که آیا اصولاً عنایت الهی به برقراری صلح جهانی تعلق گرفته است یا خیر؟ صلح جهانی را چگونه میتوان با کمک صفاتی که ادیان توحیدی برای خدا برمی‌شمارند، تبیین نمود؟ آیا صلح جهانی صرفاً با سازوکارهای انسانی تحقق مییابد یا احتیاج به دخالت الهی دارد؟ و در نهایت اینکه تبیین خداناباوران (ملحدین) از آموزه صلح جهانی به چه صورتی است؟

در این نوشتار سعی شده است که پاسخ به پرسشهای فوق، در قالبی فلسفی و کلامی و در برخی موارد با استشهاد از متون و منابع الهیاتی بخصوص قرآن و سنت دین مبین اسلام، بگونه‌یی سازوار باشد.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه دین، عنایت الهی، صلح جهانی، ادیان توحیدی، دخالت الهی،

صفات خدا



## فلسفه تطبیقی، تفاهم ملتها و صلح جهانی

### عصمت‌اله عربان\*

سوء تفاهم‌های حاصل از عدم درک متقابل افراد، ملتها و دولتها همواره یکی از عوامل اصلی و مهم در ایجاد نزاعها و جنگها بین جوامع جهانی بوده است و این مسئله خود تالی سه عامل اساسی و کلیدی ذیل است:

۱. نفوذ و تسلط اخباریگری، سطحی‌نگری و سلفیگری در بین جوامع بشری.
  ۲. عدم اطلاع و آگاهی کافی و دقیق صاحبان خرد و اندیشه و دوری و ناآشنایی ملتها نسبت به خمیرمایه و تفکرات مشترک همدیگر.
  ۳. عدم حضور حکیمان و فلاسفه در رأس هرم سیاست و مملکت‌داری.
- خلاء این آرزوی افلاطون در شهر خیالیش که حاکمان سیاسی جامعه، باید حکیمان جامعه باشند و این شهر جز با حاکمیت حاکم فیلسوف یا فیلسوف حاکم تحقق نمیپذیرد و نیز سخن نیکوی غزالی (برغم مخالفت وی با فلسفه) که گفته است: عقل تنها حاکمی است که هیچگاه معزول نمیشود، مؤید عامل سوم است.
- از جمله فلسفه‌هایی که بنظر میرسد خیلی پر رنگتر و مؤثرتر میتواند بین ملل و دول تفاهم و صلح را بنحو چشمگیری تسریع و تسهیل نماید «فلسفه تطبیقی» (Philosophy Comparative) است. فلسفه تطبیقی بجهت روش پدیدارشناسانه‌اش میتواند ماهیت و الگوی نظام‌های فکری را مستقل از چارچوب تاریخی و اجتماعی آنها بعنوان نخستین گام در برقراری گفتگوی فراتاریخی و تفاهم میان دو یا چند نظام فکری که حتی چندان نسبت تاریخی با یکدیگر هم نداشته باشند، فراهم نماید. با نزدیکی و

آشنا کردن فلسفه‌ها با همدیگر بکمک فلسفه تطبیقی، صلح و امنیت جهانی بیشتر محقق خواهد شد.

تطبیق نمودن فلسفه‌ها و نظامهای فلسفی بواسطه روش پدیدارشناسی و نظام‌زبانی واحد و مشترک، این امکان را می‌دهد که این تفاهم صورت پذیرد. روش پدیدارشناسی در فلسفه تطبیقی موجب رجوع به خود شیء و تفکر و فهم درست از آن و نیز دور نمودن زواید تاریخی و ساختاری که آن چیز بدان تعلق دارد، می‌گردد و این، حرکت بسوی همان شعار معروف پدیدارشناسی هوسرل «رجوع به خود و ذات اشیاء» است که در نهایت لایه‌های سطحی کنار می‌روند و بشر به حقیقت مشترک اشیاء و تفکرات دست می‌یابد. اینجاست که دست از اختلافات میکشد و صلح و دوستی و در نهایت امنیت جهانی محقق خواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه تطبیقی، صلح جهانی، تفاهم، روش پدیدارشناسی

## عرفان اسلامی و صلح جهانی

حسین نعمتی\*

آیا امری بنام صلح درونی وجود دارد و اگر هست چه رابطه‌یی با صلح بیرونی و اجتماعی دارد؟ عرفان همه انسانها را به پاکی درون دعوت میکند و برای رسیدن به این پاکی، مراحل مختلف تزکیه نفس را ارائه میدهد تا انسانها با عمل به آن روشها، روح و جانی سرشار از صفا، آرامش، معنویت و در یک کلام، صلح و سلم داشته باشند. از منظر عرفان اسلامی صلح با خویشتن، شرط اول گام نهادن در مسیر دستیابی به صلح بیرونی است و صلح بیرونی شامل برقراری ارتباط درست با سه محور ارتباط با خدا، ارتباط با دیگران و ارتباط با طبیعت است. از اینرو وقتی این ارتباطات بدرستی صورت گیرد، جهان در منظر انسان همچون بهشتی میشود پر از صلح و سلم و پس از آن بصورت طبیعی صلح درونی به جهان بیرون سریان مییابد و در رفتارهای فردی و اجتماعی نمود پیدا میکند.

**کلید واژه‌ها:** عرفان، صلح، ارتباط، تزکیه، صلح بیرونی، طبیعت، اجتماع

## فلسفه تطبیقی بستری برای شکلگیری کفتمان فلسفی شرق و غرب

سیدمصطفی شهرآیینی<sup>۱</sup>، محمدسینا میرزایی<sup>۲</sup>

برخورد و تلاقی فلسفه شرق و غرب و برهم‌کنش این دو، در طول تاریخ تفکر بر هیچکس پوشیده نیست. وجود افکار گوناگون در سنتها و فرهنگهای مختلف این دغدغه را برمی‌انگیزد که چگونه میتوان به کُنه فکر و فرهنگ بیگانه راه یافت و بتبع آن امکان گفتگو و هم‌سخنی اندیشه‌ها را فراهم آورد. اکنون فلسفه تطبیقی با اهداف و روشهای پذیرفتنی و در خور تأمل، عاملی در جهت تسهیل تفاهم شرق و غرب و تشریح مساعی در فلسفه محسوب میشود. فلسفه تطبیقی هدف خود را درک بجا از معنا و موقعیت انسان و جستجوی حکمت جاودانی میداند که نزد تمامی تمدنها موجود است. اصولاً تطبیق فلسفه‌ها از این قابلیت برخوردار است که اندیشه‌های نظری صرف را به عمل و کاربردپذیری و در رأس آن صلحی جهانی رساند. این نوشتار بر آن است با رویکردی تطبیقی و با تأکید بر روش پدیدارشناسی، به برخی از مؤلفه‌های ضروری تطبیق از جمله: بررسی بستر شکلگیری اندیشه‌ها، تقدم فهم و تأویل بر شناخت و تبیین، تقدم زبان همدلی و سیر آنفوسی بر روش تاریخی و سیر آفاقی بپردازد.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه تطبیقی، روش پدیدارشناسی، بسترگرایی، تاریخ‌انگاری، صلح جهانی

۱. استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تطبیقی دانشگاه تبریز

## مقایسه تطبیقی غایت حرکت تاریخ در اندیشه کانت و دکترین مهدویت

روح‌الله شاکری زواردهی<sup>۱</sup>، محسن طاهری صحنه<sup>۲</sup>

در اندیشه کانت، حرکت تاریخ از نقص به کمال، از توحش به تمدن و از حالت تضاد به حالت تعادل است. محصول این حرکت تاریخی برای انسان، دستیابی به آزادی، برابری و معقولیت است. بنظر کانت هرچه تاریخ پیش می‌رود و شرایط وحدت جامعه بشری بیشتر فراهم می‌شود، تشکیل اتحادیه جهانی انسانها و رفع تضاد از زندگی آنها غایت تاریخ خواهد بود. انسان در طول حرکت تاریخی خود به مقام آزادی و معقولیت می‌رسد. این آزادی شامل دو مرحله است: در مرحله آزادی درونی، عواطف حیوانی انسان زیر سلطه عقل قرار می‌گیرد و انسان در واقع بتدریج عاقلتر می‌شود. در مرحله آزادی برونی، حکومت‌های استبدادی ریشه‌کن می‌شوند و انسان به مقام استقلال از هر آنچه غیرعقلی است می‌رسد؛ بخصوص از اسارت تمایلات نفسانی و عملاً از حکومت‌های استبدادی آزاد می‌شود. این دیدگاه دارای نقاط مشترک بسیاری با دکترین مهدویت مطرح شده از سوی متفکرین شیعه است؛ بطوریکه میتوان دیدگاه کانت درباره غایت تاریخ را با اندکی اغماض توجیه عقلانی و طبیعی دکترین مهدویت دانست.

**کلید واژه‌ها:** مهدویت، عقل، تاریخ، تکامل

---

۱. استادیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی

۲. دانشجوی دکتری کلام امامیه، دانشگاه تهران، پردیس فارابی

## دستیابی به صلح در اندیشه کانت و لویناس

حسن فتح‌زاده<sup>۱</sup>، حسین عبادتی<sup>۲</sup>

صلح بعنوان یکی از بنیادین‌ترین نیازهای بشر، گرچه همواره یکی از دغدغه‌های مکاتب فلسفی بوده، اما از قرن هفدهم بعد، اندیشمندان با نگاهی عقل‌محور به پدیده صلح پرداخته‌اند. از این میان، کانت با ارائه طرح صلح‌پایدار، دولتها را بمثابه اشخاص اخلاقی تلقی میکند که مانند افراد عادی تعهداتی نسبت به یکدیگر دارند. از دیدگاه کانت، حکومت جمهوری و پیوستن دولتها به فدراسیون جهانی، صلح‌پایدار جهانی را تضمین میکند. برای کانت تحقق آرمانهای عصر روشنگری، نویدبخش شکلگیری چنین صلح فراگیری است؛ صلحی که از تحول یافتن تک‌تک افراد آغاز میشود و در سرتاسر جوامع گسترش مییابد. اما در عمل، رویکرد استعماری جوامع غربی در دوران به ثمر رسیدن آرمانهای روشنگری و جنگ‌طلبی و دامن‌زدن به ناامنی جهانی توسط غرب مدرن در دوران معاصر، بروشنی گویای ناکارآمدی ایده صلح‌پایدار کانت است.

از سوی دیگر، لویناس یکی از مهمترین فیلسوفان حوزه اخلاق در قرن بیستم، میتواند دعوتی برای صلح و عدم خشونت در جهان امروز باشد. برای او «مسئولیت نامتناهی» در قبال دیگری، نوعی ایثار در قبال دیگری است بدون انتظار پاداش و این را میتوان به صلح مثبت در مقابل صلح منفی (صلح بمعنی نبود جنگ و آتش‌بس) تعبیر نمود. چنانکه اسپینوزا میگوید: صلح بمعنی نبود جنگ نیست، بلکه فضیلتی است که

۱. استادیار گروه فلسفه دانشگاه زنجان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق دانشگاه زنجان

از نیروی جان‌مایه میگیرد. لویناس اندیشهٔ مدرن را محکوم در - خود - ماندگی و خشونت ناشی از قربانی‌کردن دیگری در پای خود میداند. سوژهٔ خودبنیادی که کانت همواره بر طبل آن میکوبید، هرگز از پس اخلاق برنخواهد آمد. نمیتوان از سوژهٔ خودبنیاد آغاز کرد و در ادامه با توسل به قوانین و نهادهای خودساخته بدنبال احترام و رسمیت بخشی به دیگری بود. بزعم لویناس، اخلاق اگر بخواهد تحقق یابد، تنها نقطهٔ امکان آن همین نقطهٔ آغاز است؛ تنها وقتی تخم صلح در آغاز نهفته باشد، در پایان خوشهٔ صلح را برداشت خواهیم کرد.

**کلید واژه‌ها:** صلح، کانت، لویناس، اخلاق

## تقدم زمانی «علت» در پیدایش عقاید جمعی و ضرورت تقدم «دلیل» بعنوان راه حل مسئله جنکهای عقیدتی

علی اصغر مروت\*

در زمانهای گذشته، جوامع بسته در اموری از جمله باورهای درباره انسان، جهان و خدا از هم جدا میشدند. در پیدایش این باورها و اعتقادات، آنچنانکه تجربه تاریخی بشر گواهی میدهد، مقدم بر «دلیل»، «علت» هایی چند مؤثر بوده است. یکی از مسائل مورد علاقه جامعه‌شناسان بحث درباره این علتها و چند و چون آنهاست. باید توجه داشت که اگرچه در پیدایش عقاید اساسی بشر، در آغاز «علت» تقدم زمانی داشته است ولی در زمانهای بعد که جامعه‌ها بر روی یکدیگر گشوده شده و هر «علت» عقیدگی» برای مجاب کردن سایرینی که عقاید دیگری داشته‌اند، تلاشی را مبذول داشتند، برخورد این علتها با یکدیگر، احساس نیاز به «دلیل» را باعث گردید. از اینرو بحث فلسفی، جای جنگ طرفداران عقاید ناسازگار را گرفت. از اینروست که ابتدا دین به صحنه می‌آمد و سپس با ورود سایر ادیان، پای علم کلام نیز بین طرفداران ادیان باز شد و در ادامه، نخست هنر، اخلاق و... به میدان آمدند و آنگاه نوبت به فلسفه هنر، فلسفه اخلاق و فلسفه... رسید. این بدینمعناست که در وضع طبیعی، انسان درباب عقاید خود، نخست تحت تأثیر علت است، اما بعداً که عللی با نتایج متعارض پیدا میشوند، چاره را در جستجوی «دلیل» میبیند. در دوران علت، عقاید پذیرفته شده بدیهی بنظر میرسند و شک در آنها ناشی از عدم سلامت عقل یا غرض‌ورزی و یا خود



را به خواب زدن و... جلوه میکند. همچنین در این دوره، گرایشهای زیباشناختی و اخلاقی پذیرفته شده در جامعه، ناشی از ذوق سلیم یا دل پاک افراد تلقی میشود و مخالفت با آنها ممکن نیست مگر با داشتن ذوقی کج یا قلبی ناپاک و خلاصه طبیعی ناقص! اما در «دوران دلیل» با ورود عقیده‌ها، علاقه‌ها و عملهای متعارض که هر یک از آنها را علت نیرومندی پشتیبانی میکند، دیگر نمیتوان انتظار داشت که به زور علت، اختلافات برطرف شوند، بلکه باید به گفتگو در باب مبنای مشترکی پرداخت که انتظار می‌رود توافق همگانی بتدریج از طریق آن حاصل میگردد و این چیزی جز فلسفه‌ورزی نیست. البته باید در نظر داشت که دوران دلیل، هنگامی از راه میرسد که علتها هم‌توان شده باشند؛ بنابراین برای گذر از مرحله علت و پشت سر گذاشتن مطلوب مرحله دلیل، باید از قوی‌شدن یا ضعیف‌شدن علل پیدایش عقاید به هر شیوه‌یی که هست جلوگیری کرد و این ممکن نیست مگر با احترام قائل شدن به همه عقاید متعارض و یکسان تلقی کردنشان، قبل از یافتن دلیل آنها. نوشتار حاضر بر آن است سیر گذر از علل به دلایل و در نتیجه نحوه پیدایش تفکر عقلی و فلسفی را نشان داده و این مبنا را بعنوان بنیادی برای صلح مبتنی بر عقلانیت معرفی کند.

**کلید واژه‌ها:** عقیده، علت، دلیل، وضع طبیعی، جنگهای عقیدتی، فلسفه‌ورزی،

صلح عقلانی

## تکفیر فیلسوفان از سوی غزالی؛ چالش فراروی صلح جهانی

رحمت‌الله رضایی\*

یکی از چالش‌ها فراروی صلح، جریان تکفیری است که افزون بر صلح جهانی، فلسفه را نیز با چالش روبرو ساخته است. فهم «تکفیر» همانند هر پدیده دیگری، بدون فهم تبارشناسی و زمینه‌های تئوریک آن مقدور نیست؛ یکی از پیشگامان و نظریه‌پردازان تکفیر، غزالی است. وی مسئله «معاد» و «حیات دوباره» بشر را که از مسلمات دین اسلام است، دستاویزی برای تاختن بر فیلسوفان و تکفیر آنان قرار داد. این سخن غزالی، هرچند ناظر به مسئله معاد بود، اما تأثیرات آن بسیار بیشتر از معاد بود و فلسفه را در عالم اسلام مهجور ساخت و بعدها شمشیر برنده‌یی در دست افراط‌گرایانی مانند ابن تیمیه شد.

نوشتار حاضر در تلاش است با تبیین ادعای غزالی، به شبهات وی پاسخ داده و از ابن‌سینا، رفع اتهام کفر نماید. نتیجه آنکه، نه ابن‌سینا آیات معاد را تأویل کرده و نه تأویل آنها کفر است و اگر تأویل این آیات موجب کفر شود، غزالی اولی به این کفر است که چاره‌یی جز، تأویل این آیات ندیده است. در واقع، آنچه غزالی را وادار میکند که چنین بیباکانه سخن بگوید، نه دفاع از معاد، بلکه نگرانیهای فرقه‌گرایانه است.

**کلید واژه‌ها:** معاد روحانی، معاد جسمانی، تأویل، کفر، ابن‌سینا، غزالی

## جنگ و صلح و نسبت فرسنگها

مهدی پارسا خانقاه\*

امروزه نظم جهانی بسرعت در حال تغییر است. در دورانی که شاید دیگر از آن گذر کرده باشیم، نظم جهانی تحت سلطه حاکمیت‌هایی بود که از بالا عمل میکردند و سیاست بین‌الملل مسئله‌ی صرفاً مربوط به دولتها بود، اما امروز نسبتها پیچیده‌تر شده‌اند و سلسله مراتب نمایندگی دولت / ملت دیگر چندان بکار نمی‌آید.

حال پرسش این است که در نظم نوین جهانی چه بر سر فرهنگها می‌آید؟ شکل تازه روابط میان فرهنگها چگونه است؟ نقش دولتها در این میان چیست؟ آیا «نمایندگی» هنوز هم تعیین‌کننده سیاست جهانی و جنگ و صلح در جهان است؟

در این نوشتار سعی شده با تمرکز بر آراء سیاسی کانت و مقایسه وی با روسو و بویژه هابز بنیانی نظری برای تفکر به این مسائل فراهم گردد و سپس با فراروی از این بنیان، مسائل مربوط به نسبت فرهنگها در جهان امروز مورد بازنگری قرارگیرد.

در نهایت به این نتیجه خواهیم رسید که «اخلاق» بعنوان عاملی فرهنگی در شرایط فعلی جهان، نقشی تعیین‌کننده ایفا میکند و سیاست جهانی نه تابع حاکمیت از بالا، بلکه تابع هدایت اخلاقی از پایین بوده و بنابراین در آن حفظ تفاوت‌های فرهنگی بر مبنای صلح، جای تلاش برای یکسانی قهرآمیز فرهنگی را میگیرد.

کلید واژه‌ها: جنگ، صلح، فرهنگ، دولت، اخلاق

## پلورالیسم نجات؛ مبنایی برای صلح جهانی در اندیشه صدرالمتألهین

رحیم دهقان سیمکانی\*

پلورالیسم نجات را میتوان براساس مبانی فلسفی حکمت متعالیه بنحوی فلسفی تبیین کرد و آن را مبنایی برای صلح جهانی قلمداد نمود. ملاصدرا با اتخاذ مبنای خیر بودن وجود، تشکیکی بودن مراتب وجود، هم‌سنخ بودن وجود و علم و ...، انسانها را به استعدادهای درونی خود برای رسیدن به اوج انسانیت و کمال اخلاقی آگاه ساخته و برای هر انسانی بمقتضای درجه معرفتش قائل به نجات است. بر مبنای نگرش وی، هر انسانی بمقدار معرفت و آگاهی خویش نسبت به حقیقت متعالی و میزان تلاش و عمل صالح خویش در جهت رسیدن به خیر محض، بهره‌یی از نجات میبرد. این ایده، میتواند جوامع انسانی را به اتخاذ رفتارهای مسالمت‌آمیز در قبال یکدیگر سوق داده و مبنایی برای ایجاد امنیت و آرامش بیشتر در سطح جهان قلمداد شود. نوشتار حاضر، ضمن تبیین رهیافت کثرت‌گرایی نجات، میکوشد رویکرد ملاصدرا را در این زمینه تبیین نموده و ضمن تبیین موضع وی درباره مسئله نجات، آن را بعنوان راهکاری برای دست یافتن به صلح جهانی معرفی نماید. روش این نوشتار در مراجعه به آراء، استنادی و در تبیین محتوا، تحلیلی - انتقادی است.

**کلید واژه‌ها:** پلورالیسم نجات، تشکیک، معرفت، نجات، صلح جهانی، ملاصدرا

## نقش آفرینی فلسفه در صلح اخلاقی

محمود آهسته<sup>۱</sup>، احمد آهسته<sup>۲</sup>

وجود متغیرهای گوناگون از سویی و نسبی بودن مصادیق اخلاقی از سویی دیگر، گاهی مناسبات انسانی را با مشکلات جدی روبرو میسازد. گرایش بسوی حوزه‌های نظری صرف، این بحران را تشدید میکند. این مسئله تا زمانی که در عرصه‌های عملی به اجرا درنیاید، همواره مسئله محور و غیرقابل انکار خواهد ماند. در این جایگاه خلاء حضور عنصری گویا و جامع همچنان وجود خواهد داشت. بالطبع و بالإصالة عبور از گذرگاه اندیشه و تفکر عقلانی و بدور از پیش‌فرضهای نمادین، گرایش به علم فلسفه را تقویت میکند. نوشتار حاضر در نظر دارد به نقش فلسفه در ایجاد صلح عقلانی و تعاملات اخلاقی در حوزه عمل بپردازد. ارزش دخالت فلسفه و نگاه فلسفی زمانی برجسته‌تر میشود که صلح اخلاق‌مدارانه و پرهیز از روابط خصمانه را نتیجه اندیشه صحیح عقل بدانیم که فلسفه متکفل آن است.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه، صلح، اخلاق، تفکر عقلانی

---

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی

۲. پژوهشگر حوزه و دانشگاه

## تحلیل فلسفی «صلح» بر بنای انسان‌شناسی هابز و سستی‌شناسی ملاصدرا

پدرام پورمهران\*

هابز در عبارت معروف «انسان گرگ انسان است»، وضعیت طبیعی انسان را همانند روابط حیوانات با یکدیگر در نظر می‌گیرد و آن را جنگ همگان علیه همگان میداند؛ زیرا افعال انسانها در این حالت، بر پایه صیانت ذات، جلب منافع و دفع مضار بوده و بدلیل پیچیدگی و گستردگی نیازهای انسانی، تعارض و برخورد میان آدمیان گریزناپذیر است. ازاینرو، انسان برای رسیدن به بیشترین نفع و کمترین ضرر، وارد قرارداد با دیگران میشود. بر این اساس، «صلح» فرع بر جنگ است و تنها با قرارداد حاصل میشود. آنچه امروزه از واژه «صلح جهانی» فهمیده میشود بیشتر ناظر به این معناست. صدرالمتألهین شیرازی در حکمت متعالیه، مبنایی را میپروراند که میتوان برپایه آن، معنای ژرفتری از «صلح»، دریافت و آن را برای وضعیت کنونی بشر، کارآمدتر دانست؛ برپایه اصالت وجود، هر خیری به وجود برمیگردد و هر شری به ماهیت. بنابراین، «صلح» خیر و کمالی برای انسان و امری وجودی است، در حالی که «جنگ» شر و نقصی است که به ماهیت برمیگردد. اینک بدلیل تقدم وجود بر ماهیت، صلح مقدم بر جنگ و امری اصیل است نه اعتباری و فرعی. بنابراین، بازگشت به هستی اصیل، برابر با صلحی راستین و پایدار است و دل بستن به ماهیات اعتباری و قراردادهای صوری، برابر با صلحی دروغین و شکننده.

**کلید واژه‌ها:** صلح، جنگ، قرارداد، اصالت وجود، خیر، شر، هابز، ملاصدرا

\* دانشجوی دکتری حکمت متعالیه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## فلسفه و صلح جهانی (راولز و صلح دموکراتیک)

رامین پورسعید\*

فراخوان به تشکیل ملل، ابتدا توسط ایمانوئل کانت، بزرگترین فیلسوف عصر مدرنیته، در کتابش تحت عنوان *درباره صلح پایدار* در سال ۱۷۹۵ م. داده شده است؛ یعنی همان چیزی که سازمان ملل پس از جنگ جهانی دوم برپایه آن تشکیل شد، با این امید که صلح را بر روی زمین مستقر سازد. اتوهان - کسی که اولین بار هسته اورانیوم را شکافت - کمی پیشتر از مرگ خود نیز از ضرورت صلح جهانی سخن گفت.

پوپر ضرورت صلح را تا حدی میدانند که بخاطر آن جنگ را تجویز نمیکند فقط یک بمب ساخارف چند هزار بار قویتر از بمب اتمی هیروشیما است. فلاسفه عامل تیره‌بختی کشورهای جهان سوم را نه صرفاً ناکارآمدی اقتصاد بلکه حماقت و جهل سیاسی رهبران آنان میدانند. بنظر میرسد سخن ابن‌خلدون مبنی بر اینکه بر دولت قوی، دولت خود کامه‌ی است که هرگونه اخلال در نظام را بسادگی سرکوب کند، قابل انتقاد فیلسوفان سیاسی است.

در تحلیل ناتوانی جوامع انسانی برای زیست مسالمت‌آمیز در کنار هم و غرق نمودن یکدیگر در تهمت و خون، نظریه راولز، فیلسوف عدالت بمثابه انصاف، تحت عنوان «صلح دموکراتیک» محل بحث و نظر قرار میگیرد. او این دیدگاه را فرمولی برای برقراری صلح پایدار میدانند و نوشتار حاضر، ضرورت تحلیل و بررسی دیدگاه‌های وی و آراء مشابه را انکارناپذیر می‌شمارد.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه، راولز، صلح دموکراتیک، صلح جهانی، جنگ

## صلح جهانی و مفهوم آزادی در فلسفه کانت و هگل

هژیر مه‌ری\*

صلح جهانی، آرمان آزادی، صلح و شادی در بین و درون همه کشورها و ملت‌ها می‌باشد. صلح جهانی، اندیشه جهانی بدون خشونت است که کشورها مشتاقانه یا بطور داوطلبانه و یا بواسطه یک سیستم حکومتی با هم همکاری میکنند تا از جنگ جلوگیری نمایند. این اصطلاح گاهی اوقات برای توقف تمام خصومتها در میان بشریت مورد استفاده قرار می‌گیرد. آزادی هم مفهوم مهمی است که از دیرباز محل بحث و گفتگو و مشاجره سیاستمداران، اندیشمندان و فیلسوفان بوده و هرکس از ظن خود یار آن شده است. در این نوشتار پس از طرح مفهوم صلح جهانی، به بررسی مفهوم آزادی از دیدگاه دو متفکر بزرگ و تأثیرگذار، کانت و هگل، می‌پردازیم. ابتدا دیدگاه کانت درباره آزادی را بررسی مینماییم و سپس به دیدگاه هگل درباره آزادی و همچنین نقد وی از تلقی کانت از آزادی خواهیم پرداخت.

**کلید واژه‌ها:** صلح، صلح جهانی، آزادی، فلسفه کانت، فلسفه هگل



## بررسی تطبیقی حدود عقل در فلسفه کانت و ملاصدرا در شناخت‌شناسی

اصغر فتحی عمادآبادی<sup>۱</sup>، محدثه آهی<sup>۲</sup>

یکی از مهمترین بحث‌های فلسفه، بحث معرفت‌شناسی می‌باشد و عقل نیز یکی از آن مباحث معرفت‌شناسی است که در حکمت متعالیه و فلسفه کانت نقش بسزایی دارد. پس تا حدود معرفت بشری مشخص نشود، انسان نمیتواند به نتایج آن پردازد و تحقیقات خود را ادامه دهد. از نظر کانت، نقد عقل محض در واقع پژوهشی درباره توانایی ذاتی عقل برای بسط تعینات موجود از درون خود است؛ یعنی بنحوی ناب و مستقل از تجربه و احساس. در فلسفه ملاصدرا، نیز بر مبنای حرکت جوهری، غایت نفس، اتحاد عقل انسانی با عقل استعلایی و فرا تجربی و وصول به مرتبه‌یی از وجود عقل فعال است. بنابراین، تمام مراحل شناخت عقلی در جهت نیل به اتحاد نفس ناطقه انسانی با عقل فعال سیر میکند. از اینرو هدف این نوشتار، بررسی تفاوتها و شباهتها و در نهایت تطبیق این دو اندیشمند در مسئله فوق می‌باشد. با وجود اینکه کانت و ملاصدرا هر دو در اذعان به محدودیت عقل دارای نقاط اشتراکی هستند، اما آنچه ملاصدرا را از کانت متمایز میگرداند، اعتقاد وی به سلسله مراتب خاص عقل و قائل شدن به سطوح عالی در این عرصه است که در آن سطوح دریافتهای عالیتر امکانپذیر است.

**کلید واژه‌ها:** حدود عقل، کانت، ملاصدرا، معرفت‌شناسی

---

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تهران

## بررسی نقش هنر در آموزش و ترویج فرهنگ صلح به کودکان

حسنعلی بختیار نصرآبادی<sup>۱</sup>، مهین برخورداری<sup>۲</sup>

نوشتار حاضر به بررسی نقش هنر در آموزش و ترویج فرهنگ صلح به کودکان پرداخته است. صلح همواره بمتابه امری اخلاقی در طول تاریخ حیات بشر مورد توجه فلاسفه و ادیان مختلف بوده است. هنر نیز یکی از ابزارهای مهم در گسترش دیدگاه اخلاقی و زیبایی‌شناسانه انسانهاست. البته منظور از هنر، هنرهایی است که تحت نام «هنرهای نیک» شناخته میشوند. هنر از دو جهت بر گسترش فرهنگ صلح اثرگذار است: از یکسو انسانهایی که با دیدگاه زیباشناسانه و هنری تربیت میشوند دارای روح لطیفتری هستند و برخوردهای انسانی و مسالمت‌جویانه‌ی در ابعاد سه‌گانه صلح (صلح با خود، صلح با دیگران و صلح با طبیعت) دارند و از سوی دیگر، هنر میتواند ابزاری باشد که معلمان و سایر منابع آموزشی جهت پرورش روحیه صلح‌جویانه برای زندگی مسالمت‌آمیز از آن بهره بگیرند. هنر مانند زندگی در جهان پیچیده ما زنده است و در کنار سایر دروس میتواند کمک مهمی به شکل‌گیری مؤلفه‌های صلح‌طلبی مانند عدالت و برابری، احترام به دیگران، تفکر انتقادی و مهارتهای زندگی در کودکان داشته باشد.

**کلید واژه‌ها:** صلح، هنر، آموزش، فرهنگ، کودک

۱. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

## صلح و اقسام مختلفه آن در اسلام

### علی حقی<sup>۱</sup>، مهدیه طباطبایی<sup>۲</sup>

در هیچ‌یک از ادیان و قوانین بشری به اندازه اسلام، موضوع صلح برجسته نشده است. صلح در شریعت اسلام و کتب فقها، باب مخصوصی داشته و دارای شعب و تقسیمات مختلفی و شرایط و کیفیات مبسوط و مفصله‌یی است که در این نوشتار مختصری از آنها را که متفق علیه فرق اسلامی است و یا در صورت متفق علیه نبودن مخالف مهمی ندارد، ذکر مینماییم. صلح در اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است؛ بطوری که مکرراً بر صلح، با توجه به شرایط آن تأکید شده است. در اسلام و آنچه که مورد تأیید فقهاست، صلح بر چهار قسم ذکر شده است: (۱) صلح بین مسلمین و اهل حرب، (۲) صلح بین عدل و تقوا با اشرار، (۳) صلح بین زوجین (۴) صلح در مورد تنازع در معاملات.

تعریف صلح در اسلام چنین است که صلح عقدی است تشریح شده برای قطع تجاوز و رفع تنازع. در این تعریف کلی مباحث و صور مخصوصی است که در نوشتار طرح و بررسی خواهند شد.

**کلید واژه‌ها:** صلح، اسلام، تنازع، امکان صلح

---

۱. دانشیار گروه فلسفه اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. کارشناس ارشد فلسفه اسلامی، دانشگاه آزاد سبزوار

## اصالت جنگ یا اصالت صلح از منظر قرآن کریم

حسین بهروان<sup>۱</sup>، فریبا خیاط<sup>۲</sup>

در اینکه سبب وضع و تشریح جهاد ابتدایی چیست، دو نظریه از سوی فقیهان مطرح شده است؛ برخی با استناد به آیات و روایات «مطلق» جهاد، کفر غیرمسلمانان (اهل کتاب و مشرکان) را علت میدانند و برخی با استناد به آیات «مقید» جهاد و آیات صلح، حربی بودن و سر ستیز داشتن آنان با مسلمانان را علت آن برشمرده‌اند. از این پاسخ میتوان دریافت فقیهانی که معتقدند کفر علت است، جنگ را اصل حاکم در روابط مسلمانان و غیرمسلمانان میدانند و آنان که حربی بودن را علت می‌شمارند، به صلح چنین مینگرند. بنظر نگارنده باید میان حاکمیت کفر و شرک از یکسو و آحاد کافران و مشرکان از سوی دیگر تفاوت قائل شد. از دلایل دو طرف استفاده میشود که اصل در روابط مسلمانان با حاکمیت کفر و شرک، «جنگ» و اصل در روابط مسلمانان با آحاد کافران و مشرکان، «صلح» است.

نوشتار حاضر درصدد است تا به بررسی اصالت جنگ یا اصالت صلح از منظر آیات و روایات بپردازد.

**کلید واژه‌ها:** جهاد، اصالت جنگ، اصالت صلح، آیات و روایات

۱. عضو هیئت علمی گروه فلسفه اسلامی دانشگاه آزاد سبزوار

۲. کارشناس ارشد فلسفه اسلامی دانشگاه آزاد سبزوار

## صلح بر سر حقیقت

### میلاد نوری بالقوز آغاجی \*

«وجود» که سخن بر بنیان آن شکل میگیرد، برای همه است، چرا که «احد» است. «وجود احدی» که همان خداوند است، «کل» است و در «برای همه بودن» «بی‌استثنا» است. افراد بشکل شخصی با «وجود» که همان «حقیقت» است مواجهند؛ مواجهه‌یی که تکین است. «احد» «حقیقت» است و در نفس الامر جز آن نیست. «احد»، «کل» نیز هست، چرا که همه است و «فرد» در انفراد خویش همان است که «دیگری» است. درک «این‌همانی وجودی»، انکشاف «دیگری» است که در عین «این‌نه‌آنی»، «این‌همان» است؛ بنابراین، «حقیقت» نیز در عین «وحدت و بساطت» «کثیر و برای همه» است. حقیقت که «احد» است، در درک من از «دیگری» به «او» بدل میشود و «خودآگاهی» را با «دیگری» رها میکند، هرچند خود در «دیگری» حاضر است. «دیگری» که «هستی» آن را برنهاده است، در «وحدت» خویش که شامل «حقیقت‌اندیشی» او نیز میشود، «احد» را که همان «حقیقت» است، باز مینماید.

بدینسان، همگان در «دیگربودگی‌هایشان»، منادی وجود «احدی» حقیقتند. همگان، موحدان و حقیقت‌طلبانی هستند که در یگانگی خویش بهره‌یی از «هستی» یا همان «حقیقت» دارند. «درک هستی» که حتی توسط «منکر هستی» نیز رخ میدهد، همانا درک «حقیقت» است؛ پس گریزی از «صلح بر سر هستی» که همان «صلح بر سر حقیقت» است، نیست.

**کلید واژه‌ها:** صلح، هستی، احد، حقیقت، کل، مواجهه، این‌همانی، این‌نه‌آنی، من،

دیگری، دیگربودگی

## صلح مبتنی بر عدالت و دعوت

مسعود راعی<sup>۱</sup>، رضا سورانی یانچشمه<sup>۲</sup>

صلح و آرامش از نیازهای اولیه و بنیادی بشر است و این یک واقعیت انکارناپذیر میباشد که نه در محیط ذهن، و نه در جهان عین که ضرورت آن را با تمام وجود احساس میکنیم. چراکه از اصولیترین برنامه‌های اسلام، اهمیت دادن فوق‌العاده به صلح و آشتی است؛ بگونه‌یی که قرآن کریم میفرماید: «والصلح خیر؛ صلح بهتر است». این نگاه ویژه و حساسیت عمیق اسلام به جوامع انسانی، باعث شده است تا جهتگیری این مکتب انسان‌ساز، بسوی صلح و سازش و در نتیجه حمایت از محرومان جامعه باشد. از سوی دیگر، در خصوص اینکه اصل اولیه در اسلام کدام است دیدگاه‌های مختلفی از سوی اندیشمندان مسلمان و مستشرقین ارائه شده است. یکی از این رویکردها بیانگر آن است که اصل اولیه در روابط بین‌الملل برقراری روابط و همزیستی مسالمت‌آمیز میباشد و لازمه این امر تا زمانی است که با آزادی کامل همراه باشد و یا ستم مانع دعوت الهی نباشد.

بنظر میرسد اصل اولیه در اسلام صلح مبتنی بر دعوت و عدالت است و در واقع جهت‌گیری صلح براساس تحقق عدالت است. ازاینرو، بدلیل مهم بودن دعوت و اهمیت عدالت و جایگاه صلح برای نیل انسانها به سازش، آرامش و همزیستی مسالمت‌آمیز، این نوشتار به بحث و بررسی صلح بعنوان اصل اولیه برای دعوت و همچنین جهتگیری تعالیم دینی بسمت عدالت - که این اصل را از اصول اساسی اسلام

۱. استادیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد

۲. کارشناس ارشد فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد

در تعالیم با دیگران میدانند - خواهد پرداخت.

کلید واژه‌ها: صلح، اصل، عدالت، اصالت صلح، دعوت

## مهرورزی و صلح در مکتب کنفوسیوس

محمود زهیری هاشم‌آبادی<sup>۱</sup>، محمد کدخدایی<sup>۲</sup>

مکتب کنفوسیوس پایه اصلی تشکیل‌دهنده فرهنگ کشور چین است. این فرهنگ غنی با پشتوانه تاریخی ۲۵۰۰ ساله و با وجود تحقیق محققان شرقی و غربی، هنوز در بسیاری از موارد از جمله مسئله اخلاق و صلح‌مداری ارزش تحقیقی بسیار بالایی است.

نظریه صلح از دیدگاه مکتب کنفوسیوس در سه محور جنگ جوانمردانه، اعتدال و میانه‌روی و اقتصاد مردم‌مدار مورد بحث قرار می‌گیرد. در این نوشتار نظریه صلح فراگیر کنفوسیوس شامل رابطه خدا و مردم، مردم و من، من و اشیاء و فرد و جامعه می‌باشد. در این میان وفاداری و بخشش، لطافت و خوش‌قلبی، منش صلح‌طلبانه، تحمل و مدارا و رفتار نیکو در تعاملات با دیگران بازتاب روح معنوی وی است و همچنین همواره نمایانگر فرهنگ عمیق روحیه توجه به مردم در دیدگاه اوست.

کنفوسیوس راه رسیدن به صلح جهانی و فراگیر را عمل تمام و کمال به قوانین کتاب لی میدانند. او معتقد است روزی خواهد رسید که این قوانین در جهان اجرا شود و جهان طعم صلح را بچشد. در این کتاب همواره بر اصول مهرورزی و اعتدال تأکید شده است. کنفوسیوس تعریف مهرورزی را عشق به هم‌نوع می‌داند که شامل عشق میان حاکم و رعیت، پدر و فرزند، برادر با برادر، دوست با دوست می‌شود. کنفوسیوس بر اهمیت میانه‌روی در همه امور تأکید می‌کند و آنرا عامل ایجاد توازن میان عقل و احساسات با محوریت عقل میدانند.

**کلید واژه‌ها:** کنفوسیوس، صلح، مهرورزی، اعتدال

۱. دانشجوی دکتری ادیان و فلسفه دانشگاه مین زو چین

۲. دانشجوی دکتری ادبیات جهانی و ادبیات تطبیقی دانشگاه زبان و فرهنگ پکن



# عدالت، شرط حکمت و غایت صلح

## پرتومی از فلسفه صدرایی بر اندیشه پارسید

احمد قطبی میمندی\*

یکی از عوامل بحرانها و نابهنجاریها در دوران جدید، فاصله گرفتن تمدنها از اصول و مبانی حکمی است که این امر در مورد تمدن جدید غرب با توجه به فراموشی گنجینه‌های حکمی خویش و نفی هر حکمت اصیلی، شدت بیشتری یافته است. این درحالی است که در تمدن اصیل اسلامی تلاش برای بازیابی این اصول تداوم داشته و در دوران معاصر در قالب تبیین حکمت متعالیه صورت یافته است. هدف نوشتار حاضر آن است که از روش و امکانات حکمت صدرایی برای بازیابی حکمت اصیل غربی بهره گیرد و از این طریق، ضمن یادآوری حکمت اصیل غربی برای متجددین غرب، راه را برای مفاهمه با اندیشمندان غربی در زمینه مفاهیمی چون «عدالت» بعنوان شرط لازم صلح فراهم آورد. در این راستا از میان منابع حکمت غربی، پارمنید بجهت سوءفهمها بسیاری نسبت به اندیشه این حکیم پیش سقراطی از طرف غربیان متجدد برگزیده شده و با اتخاذ رویکردی تطبیقی، گام کوچکی در این زمینه برداشته شده است.

**کلید واژه‌ها:** عدالت، حکمت، صلح، حکمت متعالیه

## بررسی نقش آموزش و پرورش در تربیت افراد صلح طلب

علی صحبت‌لو\*

یکی از رسالت‌های نظام تربیتی، تربیت افراد صلح طلب است و این صفت از ویژگی‌های انسان فرهیخته (انسان مطلوب) در هر نظام آموزشی می‌باشد و از اهداف بسیار مهم آن محسوب می‌شود. نظام آموزشی هر کشوری در جهت ترسیم سیمای فرهیخته نیاز به تربیت چنین افرادی دارد. دستگاه آموزش و پرورش می‌تواند با تأسی از قرآن و متون دینی، افراد صلح طلب و مهرورز تربیت نماید و تحویل جامعه دهد. چرا که اساساً دین اسلام، دین صلح و دوستی است و از هرگونه عداوت و دشمنی بدور است، مگر آنکه تجاوز و تعدی از سوی دیگران صورت بگیرد که در آنصورت حق دفاع در مقابل متجاوز، حاکم است. قلب فراگیران از هرگونه آلودگی، گناه و عداوت پاک و منزّه است و زمینه فطری نیز در آنها وجود دارد. جهت شکوفایی این صفت در افراد نیاز به تعلیم و تربیت است تا بکمک و همکاری عوامل مؤثر در این زمینه (مدرسه، خانواده و جامعه) افراد صلح طلب تربیت شوند. در این میان، نقش آموزش و پرورش - مدرسه - از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. بنابراین، هدف اصلی این نوشتار بررسی نقش و رسالت نظام آموزش و پرورش در تربیت افراد صلح طلب بوده که برای پاسخ به سؤالات تحقیق از روش تحلیلی و استنتاج استفاده شده است.

**کلید واژه‌ها:** آموزش و پرورش، تربیت، دانش‌آموزان، صلح

## سازمان ملل و حقوق بشر

سعیده زراعتکار مغانی \*

سازمان ملل بزرگترین و پر قدرت‌ترین سازمان بین‌المللی است که در نتیجه پیدایش و تکمیل روابط بین‌الملل در اواسط قرن بیستم تشکیل شد. یکی از دستاوردهای مهم سازمان ملل، ایجاد مجموعه‌ی کامل از قوانین حقوق بشری است که مورد حمایت جامعه جهانی می‌باشد؛ بطوری که از زمان تأسیس سازمان ملل در سال ۱۹۴۶م و پس از آن اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸م، ملل متحد بطور مستمر به تدوین اسناد حقوق بشری بین‌المللی پرداخته‌اند. در حالی که یقین وجود دارد. اولین و مهمترین روش اجرای اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حمایت ملی از آنهاست، ولی در سراسر جهان بطور فزاینده به لزوم تقویت سازوکارهای ملل متحد برای حمایت بهتر و مؤثرتر از موازین ارائه شده در اسناد توجه میشود.

هدف اصلی نوشتار حاضر بررسی حقوق بشر از منظر منشور سازمان ملل و اشاره به اسناد حقوق بشری اعم از الزام‌آور و غیرالزام‌آور است که وجود دارند، مانند: اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین، شورای جدید حقوق بشر و کنوانسیونهای حقوق بشری.

**کلید واژه‌ها:** سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمیسیون حقوق

بشر، شورای حقوق بشر

## کودک، تفکر فلسفی و صلح‌مداری

اصغر فتحی عمادآبادی\*

انسان موجودی اندیشمند است و بمدد همین تفکر و اندیشه است که امکان گفتگو در بعد فردی و اجتماعی برای وی فراهم میشود. در واقع اندیشه و تفکر وسیله‌ی برای برقراری ارتباط میان اذهان آدمیان است. همچنین یکی از عرصه‌هایی که بطور جدی اندیشه انسان را به خود مشغول کرده، فلسفه است. در همین راستا و در جامعه امروزی که تضاید و تناقض آراء بیش از هر زمان دیگری بچشم میخورد، خود بیانگر نوعی نیاز است که تنها با مددجستن از یک اندیشیدن جهت یافته و فعالانه است که میتوان از آسیبهای چنین فضایی در امان ماند و در عین حال گرفتار رکود و جزم‌اندیشی نشد. پس باید راهی بیابیم که فلسفه را وارد زندگی روزمره خود نماییم تا آموزش آن عمومیت پیدا کند و بنظر میرسد برای چنین راهی باید آموزش را در دوران کودکی آغاز کنیم تا در بزرگسالی آموزش لازم را دیده باشیم. فلسفه برای کودکان، حدود نیم قرن است که کار خود را در سراسر جهان آغاز کرده است و این نشان از اهمیت این موضوع دارد. نوشتار حاضر در پی آن است تا امکان آموزش‌دادن فلسفه به کودکان، زمان مناسب برای آغاز آموزش فلسفه برای کودکان و نتایج کاربردی آموزش فلسفه به کودکان برای نیل به هدف روابط سالم و صلح‌مدار در بزرگسالی و همچنین رویکردهای موجود آموزش فلسفه به کودکان را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

**کلید واژه‌ها:** کودک، فلسفه، صلح‌مداری، روابط سالم

# تحلیل حقوقی جایگاه اخلاق در اجرای فرایند مداخله بشردوستانه در نظام بین‌الملل

ایرج رضائی نژاد<sup>۱</sup>، الهه اصغری<sup>۲</sup>، کیوان زمردی<sup>۳</sup>

«مرگ یک انسان، مرگ تمام دنیاست، وقتی که تصور کنیم آن انسان خود ما خواهیم بود.» در حقوق معاصر، قواعد عرفی، بخودی خود از وجدان عمومی ناشی شده است. در مورد نیروی الزام‌آور عرف، برخی آن را ناشی از اراده دولتها میدانند و اراده ضمنی کشورها در حقوق بین‌الملل را سازنده عرف تلقی میکنند. از این منظر، عرف یک نوع قرارداد است و بر اراده و رضایت دول استوار میباشد. ولی برخی از نویسندگان قائلند که عرف مافوق اراده دولتهاست و حتی معاهداتی که برخلاف اصول بنیادین حقوق باشند، باطل خواهند بود. در حقوق بین‌الملل از یکسو احترام به حاکمیت ملی و استقلال دولتها و منع توسل به زور علیه دولتهای دیگر بعنوان اصول و حقوق اساسی شناخته میشود و از سوی دیگر نقض گسترده حقوق بشر و یا بشردوستانه از سوی برخی دولتها، وجدان جامعه بشری را متألم میکند و اگر مداخله بشردوستانه صورت نگیرد، جرایمی چون جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی بصورت گسترده‌یی رخ خواهد داد. با این تعارض در حقوق بین‌الملل چگونه باید برخورد شود؟ با توجه به اینکه در مفاد منشور سازمان ملل متحد بر رعایت حقوق بشر تأکید

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد چالوس

۲. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

۳. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

شده است، آیا مفاد این منشور در مورد حقوق بشر تعهدات الزام‌آور حقوقی برای اعضای سازمان بوجود می‌آورد؟ برخی عقیده دارند که طرفداری از این بینش که مفاد منشور، الزام قانونی در مورد حقوق بشر ایجاد میکند، باعث بینظمی در جامعه بین‌المللی شده و هر کشوری میتواند به بهانه حقوق بشر در امور دیگران مداخله کند. نوشتار حاضر بر آن است تا ضمن بررسی و شناخت ریشه‌های اخلاقی این موضوع، به ارزیابی جایگاه اخلاق در این فرایند بپردازد و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که با صرفنظر از جواز یا منع حقوقی، آیا نمیتوان برای مداخله بشردوستانه هیچگونه مبنای اخلاقی قائل شد؟ بتعبیر دیگر، آیا اخلاق، مداخله را توجیه میکند یا عدم آن را؟ و آیا میتوان در چنین مسئله‌یی بین حکم اخلاق و حکم حقوق جدایی انداخت؟ در صورتی که اخلاق به مداخله فرمان دهد، چنین فرمانی تحت چه شرایطی صادر میشود؟ و آیا با فقدان آن شرایط میتوان مداخله را اقدامی غیراخلاقی دانست؟

**کلید واژه‌ها:** مداخله بشر دوستانه، اخلاق، حقوق بشر و بشردوستانه، نقض

فاحش حقوق انسانها

## سیاست در نگاه فارابی مساوی عدالت، سعادت و صلح

آذر کریمی\*

فارابی مهمترین فیلسوف سیاسی اسلامی، معتقد است که اگر انسانها بدنبال گمشده‌یی بنام سعادت هستند باید این عنصر را از دل سیاست بدست آورند، زیرا سعادت جزء لاینفک سیاست است. او سیاست را فعل و تدبیر زعیم مدینه میداند که در نهایت مردم مدینه را به سعادت دنیا و آخرت خواهد رساند. صد البته که چنین تعریفی از هیچ اندیشمند دیگری در جهان امروز به گوش نمیرسد و سیاست در جهان امروز کاملاً متفاوت است. در این نوشتار، ابتدا سعی بر آن است که نشان داده شود چگونه سیاست از نگاه فارابی براساس مبانی مابعدالطبیعی او نتیجه‌یی جز برقراری عدالت و در نتیجه سعادت نخواهد داشت و سپس شرح داده میشود آنچه سیاستمداران امروزی جهان اسلام را دچار چالشهای جدی کرده، نادیده گرفتن مبانی مابعدالطبیعی اسلامی و عدم توجه به جهانبینی الهی است. در آخر نیز بیان میشود که چگونه در سایه عمل به سیاست اسلامی مورد نظر فارابی و فیلسوفان اسلامی میتوان با مدیریت جهادی و عزم ملی (طبق بیان مقام معظم رهبری) هم به صلح و آرامش داخلی دست یافت و هم به صلح و آرامش جهانی.

**کلید واژه‌ها:** سیاست اسلامی، فارابی، مبانی مابعدالطبیعی، جهانبینی الهی، صلح، سعادت

## صلح و آشتی از منظر حکمت متعالیه

مریم سنجانی<sup>۱</sup>، فاطمه عاشوری<sup>۲</sup>

امروزه بر اثر پیشرفت تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی، جهان بصورت یک دهکده درآمده است. هر حادثه‌یی که در یک گوشه دور دست جهان رخ دهد تأثیر آن در همه اکناف عالم منعکس میشود. این پدیده نوظهور از یکسو، تمدنها و فرهنگهای متفاوت ملل مختلف را به هم نزدیک کرده و تا حدودی موجب تفاهم میان ملتها گردیده و از سوی دیگر، تعارض و تقابل منافع ملی کشورها باعث تیرگی روابط و احیاناً برخورد خصمانه شده است. بنظر میرسد برای برقراری صلح و آشتی پایدار باید از فلسفه، استمداد جست، زیرا مقوم فلسفه، عقلانیت است که صلح و آرامش را برای جامعه بشری ضروری میداند.

در این میان، اهمیت فلسفه صدرایی که عقلانیت را توأم با عشق و محبت در خود جمع کرده، بیشتر بچشم میخورد. فلسفه صدرایی (حکمت متعالیه) فلسفه صلح و آشتی است و نظام فلسفی ملاصدرا بهترین نمونه است، زیرا نظام فلسفی او تلفیقی است از جریانهای فکری مختلف و بعبارت صحیحتر، ایجاد توافق و تفاهم بین مبانی مختلف فکری - یعنی فلسفه، عرفان و آموزه‌های دینی - که در واقع یک نوع آشتی بین شیوه‌های مختلف فکری است. افزون بر این، هستی‌شناسی ملاصدرا بر پایه عشق به کمال سامان یافته است. وی معتقد است خداوند در نهاد همه موجودات، عشق به کمال و شوق رسیدن به آن را به ودیعه گذاشته است و همه موجودات برای حفظ بقا

۱. مدرس دانشگاه پیام نور کرج، دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب

۲. مدرس دانشگاه پیام نور کرج، کارشناس ارشد فلسفه اسلامی



و رسیدن به کمال مطلوب دائماً در تکاپو هستند. از این منظر، جنگ و ستیز که موجب نابودی انسان و مانع رسیدن به کمال مطلوب است، خلاف قانون الهی است. فراتر از این، ملاصدرا با الهام از عرفان، به وحدت وجود قائل است، بنابراین همه انسانها از یک تبار بوده و گوهر واحد دارند، از اینرو برتری طلبی و سلطه‌جویی برخی انسانها بر برخی دیگر قابل قبول نیست. وی صلح و دوستی و محبت را یک فضیلت اخلاقی میدانند و بخصوص بعنوان یک فیلسوف متأله که طالب سعادت انسانهاست، مخالف جنگ و خصومت میباشد.

در این نوشتار تلاش بر آن است که مسئله صلح جهانی از منظر ملاصدرا مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** عقلانیت، صلح و آشتی، وحدت وجود، عشق به کمال، قانون الهی

## نقش الگوهای برتر صلح؛

### قرآن، عمرت و سه فیلیوف معاصر مسلمان در کاهش معضل خشونت نوجوانان

سیدرضا فاطمی\*

نوجوانان سرمایه‌های آینده هر جامعه هستند و هر اندازه که از سلامت کافی برخوردار باشند، رشد و پیشرفت جامعه را تضمین خواهند کرد. نوجوانی، سالهای تغییر و تحول در همه جنبه‌های رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی است و آشنایی نوجوانان و کسانی که با آنها در ارتباط هستند، با معیارهای رشد و سلامت، به ایجاد زندگی سالم و پرنشاط آنان کمک فراوانی خواهد کرد.

خشونت از جمله هیجانهایی است که بطور طبیعی و ذاتی در همه افراد با تفاوتی وجود دارد و نوجوان در طول زندگی خود باید بیاموزد که هیجانهایش را تحت کنترل خود درآورد و در سطح متعادل نگاه دارد. خشونت همه ابعاد رشد و سلامت نوجوانان را تحت تأثیر قرار میدهد؛ رشد جسمی آنان را بعزت ایجاد استرس و تنش فراوان مختل میسازد؛ در رشد ذهنی یا شناختی آنها تأثیرات کاهش دهنده برجای میگذارد و یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان را کاهش میدهد؛ رشد عاطفی - روانی آنان را با مشکلات متعددی روبرو میسازد و سازگاری اجتماعی و ارتباط مناسب آنها را با دیگران، همسالان و بزرگسالان دچار اختلال میسازد.

نوجوانان باید به این آگاهی برسند که (۱) سلامت روانی بدون اخلاق صلح‌گرایانه

امکان ندارد. ۲) اخلاق اسلامی منهای صلح نارسا میباشد. ۳) نظام جهانی بهتر بدون اخلاق صلح‌گرایانه تحقق نمیابد. ۴) باید به فرهنگ خشونت‌گریزی ملزم و متعهد شوند. ۵) باید به فرهنگ تسامح و زندگی توأم با صداقت و احترام متعهد گردند. ازاینرو، پرهیز از خشونت، نقش مؤثری در حفظ و تأمین سلامت جسمی، روانی و اجتماعی نوجوانان دارد. یکی از مؤثرترین گامها در راه حفظ سلامت جوانان، ایجاد تفکر صلح در آنان برای جلوگیری از خشونت میباشد که در این میان الگوهای ذیل نقش بسزایی دارند:

- قرآن: در قرآن کریم آیات فراوانی درباره صلح و آشتی وجود دارد، مانند: ۱) خیر: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء / ۱۲۸) ۲) اصلاح: «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال / ۱) ۳) تألیف قلوب: «فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (آل عمران / ۱۰۳) و ... .

- عترت

- سه فیلسوف معاصر مسلمان (علامه طباطبایی، استاد مطهری، آیت‌الله حسن زاده آملی) **کلید واژه‌ها:** فلسفه تربیت، صلح جهانی، خشونت، نوجوانان، الگوهای برتر

## بررسی مبانی انسان‌شناختی صلح نزد ملاصدرا و کانت

مرضیه حیدری‌فر\*

هدفدار بودن آفرینش، یکی از مسلّمات فکری هر انسان عاقلی است. اینکه آفرینش محصول یک تصادف کور است و همه هستی بازیچه این تصادف، از آن فرضیه‌هایی است که عقل سلیم آن را برنمی‌تابد، هرچند از سوی فیزیکدان یا زیست‌شناس و اخترشناس مطرح شود. اما انجام و فرجام آفرینش چیست؟ آیا میتوان قرار یافتن و به آرامش رسیدن (نوع) انسان را هدف نهایی قلمداد کرد؟ این سکونت و قرار کجا، کی و چگونه اتفاق خواهد افتاد؟ بطور قطع یکی از عناصر زمینه‌ساز قرار انسان، آرامش اجتماعی و صلح جهانی است، همانقدر که استحکام خانواده و ثبات هویت و شخصیت فردی تحقق‌بخش آن هستند، صلح و آرامش میان ملتها و در واقع دولتها، این فرصت را به افراد جامعه می‌دهد تا نیرو و استعداد‌های خود را بجای اینکه در راه دشمنی با دیگران و چیره‌شدن بر دشمنان بکار گیرند، صرف توسعه ظرفیت وجودی خود نمایند. در این زمینه، ملاصدرا و کانت دو فیلسوفی هستند که تلاش کردند با خردورزی، از یکسو غایتمندی آفرینش و قانونمند بودن نظام هستی را به تصویر بکشند و از سوی دیگر، جایگاه و مرتبت انسان را در این نظام ترسیم کنند. اینکه انسان چگونه و با چه سرمایه‌هایی میتواند به غایت هستی نایل شود از دغدغه‌های مشترک این دو اندیشمند بوده است. اگرچه این دو از دریچه‌های متفاوتی به این واقعیت نگاه کرده‌اند، اما در امتداد افق دید آنها نقاط مشترک و همساز میتوان

\* کارشناس ارشد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی

یافت، زیرا آنچه در دوردستها دیدند و نگاهشان بر آن خیره شد «غایت» بود و این مهمترین نقطه اشتراک است و صلح جهانی مسیر و معبری است که میتواند نوع انسان را در رسیدن به غایت مطمئن سازد.

**کلید واژه‌ها:** انسان، غایت، کمال، صلح، نظام قانونمند، استعداد، جامعه، حکومت

## صلح و خشونت در نظریه فیض فارابی

ریحانه صارمی<sup>۱</sup>، محمدمهدی فلاح<sup>۲</sup>

فارابی، علاوه بر جایگاه فلسفیش در تاریخ اندیشه اسلامی، بعنوان تنها صورتبند فلسفی نظریات سیاسی دوره میانه اسلام نیز شناخته میشود. فارغ از تحلیل درونی اندیشه‌های فلسفی وی و بررسی صدق یا کذب آنان، یکی از رسالتهای علوم اجتماعی، بررسی امکانهایی است که نظریات فلسفی پیش روی کنشگر سیاسی و اجتماعی می‌گشاید. این نوشتار قصد دارد که پس از طرح کلی نظریه فیض فارابی، امکانهایی را که در آن برای ظهور صلح و خشونت وجود دارد، استخراج نموده و به استعدادهای اجتماعی نظریه فلسفی وی بپردازد. بدین منظور، پس از بیان چرایی اهمیت نظریه فیض فارابی در گستره علوم اجتماعی اسلامی و تنقیح مفهوم خود از استعداد اجتماعی، مضامین اصلی نظام فلسفی وی که کارکردهای اجتماعی مشخصی از آنان منتج میشود را ذکر و تحلیل خواهد نمود. در این تحلیل، چهار محور اصلی فلسفی مطرح نظر خواهد بود: (۱) قاعده الواحد در نظریه فیض و ملاحظات اجتماعی هانس بلومبرگ بر آن، (۲) سلسله مراتب موجودات در نظام هستی، (۳) نفس انسان و گرایش کلی آن برای تشکیل جامعه و (۴) ابعاد یوتویایی نظریه فارابی. در این نوشتار سعی بر آن است که استعدادهای هریک از محورهای فوق برای ظهور صلح و خشونت مورد تحلیل قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** نظریه فیض فارابی، صلح، خشونت، قاعده الواحد، هانس بلومبرگ، یوتویا

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب

## مسئله «صلح» در اندیشه سیاسی فارابی

محمود ایرانی فرد \*

دوسن پیر، در سده هجدهم میلادی طرح تشکیل ائتلاف و هم‌پیمانی میان امت مسیحی را بمیان کشید که غایت آن، حفظ امنیت در مقابل هرگونه جنگ با مسلمانان بود. سپس، امانوئل کانت با ابداع واژه «Vulkerbund» و در کتاب طرح صلح جاوید پیش‌زمینه‌ی را شکل داد که بعدها پایه نظری تأسیس «سازمان ملل» شد. کانت «صلح» را با تأکید بر لزوم پایان‌گیری جنگ خواست، ولی در عین حال از «ضرورت سامان‌بخشی کشورها» سخن راند. در عین حال بسی پیشتر، فارابی، اندیشه صلح را مورد توجه داشت. بزعم وی هر قوم، چیزهایی را درک میکند که شاید دیگران از درک آن ناتوان باشند و در نتیجه فهمها همیشه یکسان و نیز مستقر و مکان - مند نیستند. زمانمندی مؤلفه مهمی در اندیشه سیاسی فارابی است که از آبشخوران و نیز شناسایی تمایزات زبانی - فرهنگی از سوی وی، نوعی نگرش تاریخی که متوجه تمایزات و تفاوت‌هاست عیان میگردد. صلح مورد نظر فارابی، از هم‌گونگی طلبی کانت (که میتواند متضمن نوعی انکار و سرکوب‌دگری باشد) و باور دوسن پیر به خصومت و قطبیت ذات باورانه مسیحیت و اسلام، فراتر میرود.

اکنون با توجه به آثار جنگها و مصائب ویرانگر جهان و بویژه خاورمیانه که خشونت سرمایه - بنیان و هژمونیک را بازتولید و کارایی سازمان ملل را با چالش جدی مواجه نموده است، رجوع به اندیشه فارابی راهگشاست. در نوشتار حاضر، مسئله صلح و امکانات بیانی و زبانی در مسیر تحقق آن در اندیشه فارابی، در تطبیق با آراء اندیشه‌ورزان پیش گفته، با بهره‌گیری از شیوه شالوده‌شکنی در سنت پسا‌ساخت‌گرایی مورد واکاوی قرار میگیرد.

**کلید واژه‌ها:** صلح، اندیشه سیاسی، فارابی، کانت، دوسن پیر، پسا‌ساخت‌گرایی

## فلسفه جهاد، تلاش برای نیل به صلح پایدار

مرضیه گیوریان\*

آموزه‌های پرمعنایی همچون جهاد، شرک‌ستیزی و سلطه‌ناپذیری که در متن فرهنگ دینی ما جای دارد، ممکن است چنین به ذهن خطور کند که سیاست اسلام بعنوان دین خاتم در قبال سایر فرهنگها، سیاست بسته و تهاجمی است. اما جدا از اینکه این مفاهیم در بعضی موارد به آفت بدفهمی دچار شده‌اند، اهمیت و ضرورت تعمق و تأمل در نصوص دینی بخصوص قرآن کریم را ایجاب میکند.

در نفی جنگ‌طلبی و ستیزه‌جویی اسلام و در بیان فلسفه و حقیقت جهاد، علامه طباطبایی میگوید: غرض از جهاد، اقامه دین و اعلاهی کلمه الله است، بنابراین، جهاد عبادتی است که در آن قصد قربت شرط است و برای برتری‌جویی بر اموال و اعراض دیگران نیست، بلکه برای دفاع از حق انسانیت واجب است.

در نتیجه اسلام حقیقی، نه تنها دین تعدی و تجاوز و ناسازگاری و جنگ نیست، بلکه دستورات و فرامین آن از جمله جهاد، اقدامی انسان‌دوستانه و در راستای گسترش صلح و امنیت در پرتو حاکمیت الهی و نفی حاکمیت طاغوت و مبارزه با ظلم و بیعدالتی است. در یک جمله کوتاه، جهاد یعنی جنگ عادلانه و مقدس برای تحقق ارزشهای والای الهی. پس در برابر دشمنان و کفراندیشان، صلح، مشروط به حفظ عزت و اقتدار اهل ایمان است.

نگارنده در نوشتار حاضر به تبیین جایگاه جهاد، برای نیل به صلح پایدار در اسلام پرداخته است و برای بررسی این مسئله سؤلهایی را مطرح نموده و به تحقیق پیرامون آن

---

\* کارشناس ارشد فلسفه و کلام و دبیر منطقه ۱۴ تهران



مبادرت ورزیده است: فرهنگ اسلامی با مؤلفه‌هایی همچون شرک‌ستیزی، جهادمحوری و سلطه‌پذیری چگونه میتواند داعیه‌دار صلح و همزیستی در روابط خارجی خود با دیگر فرهنگها باشد؟ بطور کلی از دیدگاه اسلام و با رجوع به قرآن، اصل در روابط مسلمانان بر صلح و همزیستی است یا بر جنگ و مبارزه؟ اگر بر صلح و همزیستی است، جهاد و مبارزه با اینهمه تأکید بلیغ بر آن، در کجا ایفای نقش میکند و چه زمان مشروع میشود؟ مراد از «اصل» در این بحث، قاعده یا اصل اولیه است که آیا صلح و عدم تنش، اصل و قاعده است و جنگ و مبارزه، استثنایی بر آن؛ یا برعکس، اصل بر جنگ و مبارزه است و صلح، استثنایی بر آن؟ یا اینکه اساساً اصل و قاعده‌یی نمیتوان در این رابطه تثبیت نمود بلکه هر یک از آن دو، تابع شرایط خود است؟

**کلید واژه‌ها:** ماهیت جهاد، دفاع، جنگ‌طلبی، همزیستی

## صلح فلسفی و عقلانیت در تفکر ملاصدرا

فائزه عابدکوهی \*

مهمترین بنیاد فلسفی صلح، عقلانیت است. عقلانیت با تفکر فلسفی حاصل میشود. بسیاری از رویکردهایی که تاکنون برای صلح فراهم آمده، دچار شکست گردیده و اصلیتترین عامل آن چیزی جز بی‌اعتنایی به شالوده‌هایی فلسفی نبوده است. میتوان این رهیافتها و بنیانها را بدلیل ناکامیابی‌هایشان و عدم التفات به اساس فلسفی مورد پرسش و نقد قرار داد. این دیدگاهها در عمل و نظر با توجه به وقوع جنگهای دهشت‌انگیز جهانی، با دشواریهایی روبرو گردیده که متفکران را بناچار به جستجوی بنیادهایی عقلانی (و نیز دینی) سوق داده است.

فلسفه ملاصدرا که بر عقلانیت استوار است و توأمان دین و اخلاق را بر بنیاد عقل فهم میکند، شالوده‌های اساسی را در درک بنیادین از حیات، اجتماع، حقیقت انسان و نیازهای اساسی در دستیابی به صلح فلسفی فراهم میسازد. این نوشتار بر آن است تا این مسئله در ابوابی مورد تأمل و واکاوی قرار گیرد و اهمیت و جایگاه فلسفه عقلی ملاصدرا در فراهم ساختن بسترهای لازم در توجه به انسان و صلح و رستگاری تبیین گردد. بر مبنای فلسفه ملاصدرا میتوان به فهم حقیقت صلح، بازاندیشی در حقیقت انسان و زندگی عقلانی، عیان ساختن سنجه‌هایی در بنیان نهادن صلح بر اساس شالوده‌های عقلی - فلسفی و بالأخره طرح نظریه امکان استنتاج صلح فلسفی از فلسفه ملاصدرا دست یافت.

هدف اصلی نوشتار حاضر آن است که ضمن تبیین اسباب ناکامیابی رهیافتهای

غیرفلسفی در تحقق صلح، نظریه جایگزین را با بازانندیشی در فلسفه ملاصدرا طرح نماید. ازاینرو نشان خواهیم داد که حقیقت انسان و حیات حقیقی او در پیوند با عقل است و عقلانیت، مهمترین شالوده صلح فراگیر در زندگی انسانی میباشد. صلح فلسفی را میتوان با بازخوانی فلسفه ملاصدرا و واندیشی در شالوده‌های عقلی - دینی آن تحقق بخشید. فلسفه ملاصدرا، بستر استواری از عقلانیت فراهم ساخته که برآمده از سنت اسلامی و ودایع و مواریث فکری متفکران و فیلسوفان مسلمان میباشد. این فلسفه با دفاع و بهره‌گیری از عقلانیت میتواند در دوره ضعف سایر رویکردها، بنیاد صلح قرار گیرد. صلح بدون فلسفه و تفکر کثرت‌گرای عقلی نه تنها پایدار نخواهد ماند، بلکه اساساً استقرار نمییابد.

**کلید واژه‌ها:** ملاصدرا، صلح، عقلانیت، صلح فلسفی، انسان، رستگاری

## سیاست متعالی (شریعت محور) از نگاه ملاصدرا و امام خمینی بعنوان مهمترین عامل برای صلح جهانی و سعادت بشر

### داریوش پاک‌نیت\*

ملاصدرا و امام خمینی با نگاه عرفانی به سیاست، پیوندی ناگسستنی بین شریعت و سیاست خلق نمودند و دخالت در سیاست و تشکیل حکومت الهی را خدمت به خلق در راستای اسفار اربعه عرفای حقیقی برای رسیدن به حقیقت دانسته و عدم انحراف از سیاست را مطابقت آن با شریعت شمردند.

ملاصدرا سعادت انسان را در گرو تشکیل حکومت الهی دانسته و سیاست را اجرای قوانین الهی برای رسیدن به سعادت میداند. وی با تقسیم‌بندی شریعت به عملی و نظری، سیاست را جزء شریعت عملی می‌شمرد و پیشرفت جامعه را تنها در سایه وجود و هدایتگری عالم عارف ربانی ممکن میداند.

امام خمینی نیز طی طریقت و رسیدن به هر مرحله از حقیقت را تنها از شاهراه شریعت ممکن میداند. وی با تلفیق عرفان و سیاست و شریعت، نهضت خود را با سیاستی عرفانی و متشرعانه آغاز نمود و با متبلور ساختن فقه سیاسی شیعه در واقعه عظیم عاشورا و الهام از آن سیاست را ماهیتی فقهی بخشید و سیاست شریعت‌محور را وسیله‌ی برای اهداف حکومت الهی و در خدمت دین دانست. نگاه شرعی امام خمینی به سیاست منتهی به فقهی سیاسی و متشرعانه شد که حماسه سیاسی قرن بیستم (انقلاب اسلامی) را آفرید. از نظر ایشان فقه سیاسی منجر به حماسه سیاسی میشود و

\* کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی

حماسه سیاسی نیز لازمه حکومت الهی است و تشکیل حکومت الهی نیز لازمه و ضامن اجرای قوانین الهی میباشد و اجرای قوانین الهی نیز لازمه سعادت انسان است.

**کلید واژه‌ها:** سیاست، شریعت محور، صلح جهانی، حکومت الهی، سعادت

## صلح در فلسفه سیاسی فلاسفه اسلامی

عبدل عسگری صیمره \*

با نگاهی به دنیای بسیار پیچیده و مرموز امروز میبینیم که انسان مدرن دچار بحرانها و معضلات بسیاری است از جمله میتوان به بحران هویت، مسائل اخلاقی، پوچی، مشکلات زیست محیطی، نزاعها و جنگها اشاره کرد. اعتقاد بر این است که همه این مشکلات و مسائل نتیجه بریدن از مابعدالطبیعه و آسمان(وحی) است و میتوان چاره کار را در فلسفه سیاسی اسلامی و بطور اخص حکمت متعالیه یافت - (مکتبی عقلی فلسفی که علاوه بر برهان، از قرآن، روایات، و عرفان نیز سود جسته است - تا از این طریق با بهره‌گیری از مکتب سیاسی فلسفی اسلامی، انسان از پوچی و بیمعناشدن رهایی یابد. در حکمت و فلسفه اسلامی انسان صاحب کرامت است. در نگاه به مسئله کرامت انسان از زاویه حکمت الهی و بطور خاص حکمت صدرایی باید گفت که کرامت امری حقیقی و وجودی است و چون وجود امری تشکیکی است، پس کرامت نیز ذومراتب و تشکیکی است. براین اساس، انسان ذاتاً دارای کرامت است؛ یعنی کرامت لازمه فطرت انسانی و در نظام تکوین، ثابت استوار و غیرقابل تبدیل است. با چنین نگاه خداگونه‌یی به انسان است که صلح و نوعدوستی معنا پیدا میکند.

**کلید واژه‌ها:** انسان مدرن، حکمت متعالیه، فلسفه سیاسی اسلامی، کرامت انسانی،

صلح و نوعدوستی

## طرح بنیانی اخلاقی برای صلح جهانی با تکیه بر اخلاق فضیلت

ستاره عزت آبادی \*

با پیشرفت تکنولوژی و گسترش چشمگیر جنگ‌افزارها و سلاح‌های کشتار جمعی، رابطه میان کشورها دچار بحران‌هایی پیاپی گشته که مبنای حقوقی حاکم بر روابط بین‌الملل از پیشگیری و مقابله با آن ناتوان است و بنظر میرسد مبنایی بیش از مبنای حقوقی و بازدارنده لازم است تا صلح را برای جامعه آشفته کنونی بشریت به ارمغان آورد. این مبنا را باید در رویکردی از اخلاق جست که از آفات اخلاق نتیجه‌گرا و وظیفه‌گرا - که امکان همدلی و برقراری رابطه انسانی میان اقوام مختلف را تقلیل می‌دهد - عاری باشد. نوشتار حاضر با طرح اخلاق فضیلت، بعنوان گرایشی که در ادبیات فلسفی جهان دوباره احیا شده است، میکوشد چنین مبنایی را برای روابط بین‌الملل بیابد.

اخلاق فضیلت که شاخه‌یی غنی از اخلاق هنجاری است و با اخلاقیات دینی قرابت بسیاری دارد، عناصری را در زیست انسانی در میان مینهد که امکان برقراری صلح و دوری از خشونت را در جامعه جهانی، بمیزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. در این نوشتار با تکیه بر آراء آنسکوم، نوسباوم، مک اینتایر و زاگزبسکی، عناصر مورد نظر و نقش تأثیرگذار آنان در تغییر روابط سودمحور حاکم بر سیاست خارجه کشورها، شرح داده میشود و در آخر، مقایسه‌یی مجمل میان این دیدگاه و دیدگاه اخلاقی متفکرین اسلامی صورت میگیرد.

**کلید واژه‌ها:** صلح، اخلاق فضیلت، فضیلت، روابط بین‌الملل

## در خند و چون گفتگوی فرسنگها نقش هر مینایی فلسفه<sup>۱</sup>

مرجان شکری<sup>۱</sup>، صالح صادقی<sup>۲</sup>

قائل شدن به منازعه یا مفاهمه و گفتگو میان فرهنگها در اصل خود منوط و متوقف بر تلقی و فهم ما از مقوله فرهنگ میباشد؛ اگر فرهنگ را ذاتاً امری تک معنایی، همگن و در سکون و ایستا تلقی نماییم در اینصورت سخن گفتن از گفتگو و مفاهمه چندان محلی از اعراب نخواهد داشت، لیکن اگر فرهنگ را موجودیتی گشوده، چند سویه و چندمعنایی بدانیم در اینصورت است که میتوان از دیالوگ و مفاهمه سخن بمیان آورد. در واقع، فرهنگها و زیست بومهای فرهنگی بمتابه هستندههایی زنده همواره با یکدیگر در داد و دهش و منازعه و مفاهمه بوده‌اند؛ این مسئله در گذشته بیشتر میان فرهنگها و اقالیم فرهنگی نزدیک و همجوار صورت میپذیرفت اما امروزه و در این عصر «پایان جغرافیا» و پیدایش «قبیله جهانی» به اجبار و اضطراب میان فرهنگهای دور و غیرهمجوار نیز تحقق مییابد. بزعم ما صورت مطلوب و منقح این تعامل به وساطت و ترجمانی فلسفه و زبان فلسفی که از جنس دیالوگ و کپ و گفت است جامه عمل خواهد پوشید. کما اینکه تاریخ فلسفه و تاریخ معرفت فلسفی گواهی بر صدق این مدعاست؛ چراکه زبان فلسفه همواره زبان همپرسه و گفتگو و مفاهمه بوده است. چنین است که ریچارد رورتی یکی از فیلسوفان مشهور معاصر نیز هدف و وظیفه فلسفه را به پیش بردن و به جریان انداختن گفتگو و همپرسه در جهت‌های جدید دانسته است.

**کلید واژه‌ها:** فرهنگ، گفتگوی فرهنگها، فلسفه، زبان فلسفی، هرمنیاس

۱. کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی و سرگروه فلسفه و منطق آموزش و پرورش شهر تهران

۲. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی و پژوهشگر



## صلح و مسؤلیت اخلاقی: صلح جهانی از چشم انداز اخلاق مسؤلیت

محمد شکری\*

اخلاق مسؤلیت، یکی از شاخه‌های نسبتاً نوظهور اخلاق نتیجه است که هرچند بصورتی پراکنده در آثار متفکرینی همچون ماکس وبر، ماکس شلر، هانس یوناس، پل ریکور و امانوئل لویناس بچشم میخورد، تنها پس از تدوین و نظریه‌پردازی جمعی از متفکرین اخیر بعنوان یک اصطلاح فلسفی در سه حوزه نظریه کنش، فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق شناخته شده است.

تلاش نوشتار حاضر بر این است که قابلیت اخلاق مسؤلیت برای بسط نظری صلح بشری و نحوه امکان‌پذیری آن نشان داده شود؛ تلاشی که پیش و بیش از دو حوزه دیگر، از فلسفه اخلاق بهره خواهد برد، زیرا صلح پایدار بشری، بدون توجه به مسؤلیت اخلاقی افعال و انتخابهای انسانی میسر نیست. این نوشتار در پی تمهید و تنظیم بستری فلسفی در خصوص این مهم است.

**کلید واژه‌ها:** اخلاق، مسؤلیت، صلح، اخلاق نتیجه، اراده آزاد، پدیدارشناسی

## گفتگوی تمدنها و فرهنگها: استقرار صلح جهانی در گفتگوی میان تمدنی؟!۱

میلاذ فاتحی<sup>۱</sup>، رضا مداحی<sup>۲</sup>

تحقق آرمان صلح، پیشینه‌بی بدرازای تاریخ بشریت دارد. همواره در طول سالیان متمادی یکی از مهمترین دلمشغولیهای متفکران و فیلسوفان، تعریف و تبیین مفهوم صلح بوده است. کانت فیلسوف پیشرو و شهیر آلمانی ایده «صلح پایدار» را در رساله‌یی با همین نام در سال ۱۷۹۵م. مطرح کرد که محرک بسیاری از مطالعات نوین در عرصه صلح بین‌المللی شد. جهان ما از گذشته تاکنون برغم وجود تعارضات بنیادین میان تمدنها و فرهنگها، هرگز بطور کلی از تأثیرگذاری، تأثیرپذیری و گفتگوی میان ملل خالی نبوده است، چراکه گفتگو همیشه فوایدی را بهمراه داشته که صلح یکی از مهمترین آنان است. این نوشتار مبین این مطلب است که در عصر حاضر بعلمت وقوع حوادث متعدد غیرانسانی، بروز مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی و بنوعی افزایش سطح تجاوزات بشری، طرح نظریه گفتگوی تمدنها و فرهنگها با هدف درک و شناخت عمیق علایق سایر ملل در چارچوب دیالوگ یا گفتگو میتواند زمینه‌ساز صلح جهانی باشد.

**کلید واژه‌ها:** صلح، تمدن، فرهنگ، گفتگوی تمدنها و فرهنگها

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه مفید قم

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه مفید قم

## ضرورت وجود مدارای دینی در گفتگوی ادیان و ارتباط آن با صلح جهانی

### روشنک جهانی\*

در طول تاریخ تمدن، خونینترین جنگها که آرامش و پیشرفت بشری را مورد تهدید قرار داده، متأثر از اختلافات دینی بوده است. این روند که از دیرباز تاکنون همچنان ادامه دارد بر این مهم دلالت میکند که آنچه به پیروان ادیان مختلف اجازه میدهد تا پیروان ادیان دیگر را به کام مرگ بکشانند، احساس صرف مشروعیت خود و عدم مشروعیت طرف مقابل میباشد؛ امری که امروزه برای رسیدن به صلح جهانی باید مورد واکاوی قرار گیرد.

این عمل وقتی بیشتر مورد تردید قرار میگیرد که با رجوع به منش پیامبران هر دین مبینیم آنچه مورد تأیید ایشان بوده، تکیه بر اصل مدارای دینی و همزیستی مسالمت آمیز میباشد. چنانکه اگر پیامبرانی در طول دوره نبوت دست بکار جنگ میشدند نه بجهت از میان برداشتن معتقدان به دین و یا آیین دیگر ولو شرک آمیز بوده است، بلکه بجهت پس گرفتن حقوقی بوده که از طرف قوم مخالف از ایشان ضایع شده بود. چراکه منش انبیا در ارتباط با افراد و اقوام مشرک صرفاً تبلیغ و دعوت و گفتگوی منطقی و بیان پیام الهی بوده است که خود را امانتدار آن میدانستند.

بنابراین، شیوه مدارا که چیزی جز تحمل و بردباری و همچنین تساهل و تسامح در مقابل مخالف خود نیست و جز با حس محبت و نزدیکی به غیر خود صورت

نمیگیرد، اصلی است که باید بعنوان پایه و اساس گفتگوی میان ادیان لحاظ گردد تا در پرتو آن، پیروان ادیان گوناگون شنونده پیام ادیان دیگر بوده و بتوانند اشتراکات را بازجسته و بر آن تأکید کنند و افتراقات را بازشناخته و درباره آنها دست بکار تحقیق و بازشناسی تحریفات شوند. بدین ترتیب قلوب مردم جهان با حس محبت و احترام به یکدیگر نزدیک شده و صلح جهانی امکانپذیر میگردد.

ازاینرو، در نوشتار حاضر تلاش شده ابتدا معنا و مفهوم مدارا و سپس مدارای دینی برشمرده شده و ضرورت وجود آن در گفتگوی بین ادیان بمنظور دستیابی به صلح جهانی توضیح داده شود.

**کلید واژه‌ها:** مدارای دینی، گفتگوی ادیان، صلح جهانی، تساهل و تسامح دینی، احترام متقابل، بردباری دینی

## جامعه انسانی در گذار از فرد تا شخص

(بررسی تطبیقی انسان‌شناسی فلسفی ژان پل سارتر و مارتین بوبر و تأثیر آن در تعریف جامعه و روابط انسانی)

مریم سپهری \*

انسان‌شناسی کلی‌نگر فلسفی با تلاش برای تعریف انسان، چشم‌اندازی از جهان پیرامون انسان بویژه جامعه انسانی و چگونگی روابط انسانها نیز بدست میدهد. اگر صلح را حالتی از نتیجه کنشهای انسانها با یکدیگر بدانیم، نوع نگاه فلسفی به انسان در پدیدآمدن این حالت تأثیرگذار خواهد بود.

این نوشتار به بررسی تطبیقی انسان‌شناسی فلسفی مارتین بوبر و ژان پل سارتر با تأکید بر روابط اجتماعی انسان میپردازد. سارتر، نماینده نوعی اگزیستانسیالیسم بیخدا یا الحادی است. مارتین بوبر نیز اگرچه در زمره فلاسفه اگزیستانس برشمرده میشود، اما خود را یکی از نمایندگان پرسونالیسم میدانند. تعریف انسان بعنوان فرد (Individual) در نگاه سارتر منجر به قرائتهایی مانند «انسان گرگ انسان است» میشود، در حالی که مارتین بوبر با رسیدن به مفهوم شخص (Person)، نوعی وحدت میان انسان و جهان و خداوند تعریف میکند که در آن انسان‌گریزی از ایجاد رابطه‌یی اصیل با دیگران در قلمرو بینابین یا همان رابطه من - تو ندارد.

**کلید واژه‌ها:** انسان‌شناسی، مارتین بوبر، ژان پل سارتر، اگزیستانسیالیسم، پرسونالیسم، فرد، شخص، رابطه همسخنی

## گفتگوی فرسنگها، راهکاری جهت صلح و امنیت بشر

کیوان ابراهیمی ارمی<sup>۱</sup>، زهرا فتاحی<sup>۲</sup>

گفتگوی فرهنگ و تمدنها به عواملی همچون جامعه، فرد و ویژگیهای فردی و همچنین اعتقاد به مذاکره و مشورت جهانی بستگی دارد. بینش جهانی داشتن، مهمترین اصل در استقرار صلح جهانی در گفتگوی فرهنگها بشمار می‌آید؛ اصلی که انسانها را از خودخواهی و خودمحوری منع کرده و آنها را به عدم تبعیض و خدمت به همه انسانها تشویق مینماید. وقوع تحقیرهای جمعی و تردید عام به فرهنگها، عواملی هستند که موجب آسیب به هویت‌های گوناگون میشوند. در شرایطی که جهان همواره جنگ، خشونت، قتل و غارت را تجربه میکند، ضرورت تحقق گفتگوی تمدنها برای احقاق صلح جهانی بیشتر احساس میشود.

در نوشتار حاضر تلاش میشود تا به بررسی نقش گفتگوی فرهنگها در استقرار صلح جهانی و همچنین دیدگاههای موافقان و مخالفان صلح جهانی از طریق گفتگوی تمدنها پرداخته شده و راهکارهایی جهت استقرار صلح و امنیت جهانی ارائه گردد.

**کلید واژه‌ها:** گفتگوی فرهنگها، صلح جهانی، امنیت بشر، بینش جهانی، عدم تبعیض

۱. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

۲. کارشناس ارشد حقوق عمومی

## خوانشی فلسفی از اعلامیه جهانی حقوق بشر

مرجان شکری<sup>۱</sup>، صالح صادقی<sup>۲</sup>

اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصریح، اشعار بر حیثیت ذاتی انسان دارد. انسان به ما هو انسان واجد حقوق و وجوه حیثیتی غیرقابل انکار و تعطیل‌ناپذیری دانسته شده که بایسته است آنها را برسیمت شناخت و در راستای صیانت از آنها به جد اهتمام ورزید، چرا که انسانیت انسان بر آن وجوه و بر آن حیثیات استناد و قوام یافته است. پرسشی که در اینجا مطرح میشود این است که در صورتبندی و متقح‌شدن این متن و این احکام انشائی - ارشادی که در اصل حکایت از دغدغه‌ها و دلمشغولیهای وجدان آگاه و بیدار بشری دارد، سهم و بهره فلسفه و یا عبارتی معرفت فلسفی به چه میزان و برچه اعتباری است.

مسلماً یافتن پاسخ این پرسش، مستلزم اتخاذ یک رویکرد تبارشناختی نسبت به زمینه و زمانه سامان‌یابی متن مذکور و بازخوانی انتقادی آن میباشد. برخی از منتقدین مانند میسگلد و دیگران بر این عقیده‌اند که اعلامیه جهانی حقوق بشر بیشتر در یک فضای گفتمانی پوزیتیویستی و برآمده از میان شعله‌های دود و آتش‌جنگ و برپایه فردگرایی و فردباوری فلسفه حقوق طبیعی غرب مبتنا یافته است. بایسته است امروز و در این افق تاریخی، با فاصله‌گرفتن از ضرورت‌های حاکم بر آن دوران و با امعان نظر به مسائل و موضوعات معرفت‌شناختی جدید به خوانشی دیگرگونه از آن مبادرت ورزید تا امکان طنین‌اندازشدن صداهاى مسکوت مانده و ناشنیده فراهم آید. بزعم ما

۱. کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی و سرگروه فلسفه و منطق آموزش و پرورش تهران

۲. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی و پژوهشگر

این مهم می‌تواند از رهگذر خوانشی فلسفی از اعلامیه جهانی حقوق بشر بصورتی جامع و منطقیتر میسر افتد، چرا که اساس این خوانش بر فاعلیت انسان خردورز زمان آگاه - همان انسانی که تولد آن با تولد فلسفه بمعنای حقیقی کلمه همزاد است - استوار می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه، خوانش فلسفی، حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر



## نسبت انسان و فرهنگ در اندیشه ارنست کاسیرر

علیرضا کلبادی نژاد\*

ارنست کاسیرر با طرح نظریه صور نمادین میکوشد به آشتی دین، اسطوره، زبان، هنر، تاریخ و علم بپردازد. او نظام فلسفی را بنا میکند که با آن میتوان همه صور فرهنگ را فهم کرد. وی کثرت مسائل و موضوعات فرهنگی را ظاهری میداند و معتقد است همه مسائل و موضوعات به یک موضوع برگشته و به یک مرکز واحد منتهی میشوند. وظیفه «فلسفه فرهنگ» این است که این مرکز را کشف کرده و محل آن را تأیید نماید.

از نظر کاسیرر، فرهنگ یک «کل» است که از صورتهای سمبلیک، اسطوره، دین، زبان، هنر، تاریخ و علم تشکیل شده است و همه این صورتهای بیان فرهنگی در شناخت انسان از خود و مجموعه پیرامونش بطور یکسان دخالت دارند. او تفاوت میان انسان و حیوان را در کاربرد نمادها میداند و بر این اعتقاد است که با نمادپردازی، انسان از حیوانات متمایز میشود و جهان تجربه‌های بشری خود را شکل میدهد. در این نوشتار کوشش می‌گردد به این پرسش پاسخ داده شود که در اندیشه کاسیرر، انسان با فرهنگ چه نسبتی دارد؟ آیا انسان مقوم فرهنگ است یا مساوق با فرهنگ است؟

کلید واژه‌ها: فلسفه فرهنگ، کاسیرر، انسان و فرهنگ، صورتهای سمبلیک

## رابطه سیاست و اخلاق در دستیابی به عدالت اجتماعی در نظر آرنست

مریم وحیدزاده\*

از جمله اساسیترین مسائل در باب فلسفه سیاسی دوران مدرن و اهمیت روابط بین‌المللی، توجه به مسئله عدالت و صلح جهانی است. بهمین دلیل، بسیاری از فیلسوفان عصر مدرن از جمله هانا آرنست به بررسی این امور پرداخته‌اند. تفکر سیاسی آرنست تحت تأثیر تأملاتش دربارهٔ بحرانها و فجایع قرن بیستم شکل گرفته است و تأثیر رژیم توتالیترسیم را در گسست روابط اجتماعی، عامل اصلی از بین بردن عدالت و صلح جهانی میداند.

نوشتار حاضر سعی بر آن دارد که نشان دهد، تا چه میزان تمرکز بر قدرت تفکر در آراء آرنست، تضمینی بر اجرای اخلاق سیاسی و عدالت در جامعه میباشد؟ همچنین در پی این است که آیا توجه او به فقدان اتوریته در عصر مدرن، تأثیری در برپایی عدالت سیاسی در جهان دارد؟ و توجه به دو اصل اساسی آزادی و تکثر در آراء سیاسی او تا چه میزان مولد عدالت و عمل سیاسی در جهان مدرن بوده است؟

بر این اساس، آرنست پس از توجه به جایگاه عمل، تمرکز بر تفکر را برای شکل‌گیری عدالت و اخلاق فردی و جهانی امری ضروری میداند. بعلاوه، او علت وجودی سیاست را آزادی و میدان تجربه آزادی را نیز کنش آزاد افراد در جامعه معرفی میکند.

**کلید واژه‌ها:** سیاست، اخلاق، عدالت اجتماعی، آزادی

\* کارشناس ارشد فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

## جاگاه صلح در قرآن و سنت

### رقیه غفاری\*

جوامع بشری در رفع نیازهای مادی و معنوی یکدیگر، بگونه‌یی به هم محتاجند که نمیتوانند جدا از هم زندگی سعادت‌مندان‌ه‌یی داشته باشند. اصل داشتن روابط با سایر ملل را نمیتوان منکر شد. حتی استقلال با همه ارزشی که دارد، باید در پرتو ارتباط، معنا و تفسیر شود؛ چراکه هیچ کشوری نه استقلال مطلق دارد و نه میتواند داشته باشد. این اصل اجتماعی در کنار این مطلب که اسلام داعیه جهانشمولی و دعوت جهانی دارد، اصلی بالنده تلقی میگردد. لازمه چنین دعوت فراگیری، ایجاد روابط با همه نژادها، گروه‌ها و ملت‌ها در سطح جهانی است. در فرهنگ اسلامی سه عنصر وجود دارد که شاید چنین به ذهن متبادر شود که با اصالت صلح و همزیستی در روابط بین‌الملل تعارض دارد: اول، تأکید تام اسلام بر استقرار کلمه توحید و نفی شرک. دوم، عنصر قتال و آیاتی که در فضیلت آن وارد شده است. سوم، عنصر سلطه‌ناپذیری نسبت به کافران (نفی سبیل).

در این نوشتار برآنیم تا مؤیداتی از قرآن و سنت و فقه اسلامی را که دلالت بر نگرش صلح‌جویانه و عدم جنگ‌طلبی اسلام دارد، بیان کنیم.

**کلید واژه‌ها:** قرآن، اسلام، صلح، روابط بین‌الملل

## فراخوان حقوق شهروندی اسلامی به صلح جهانی

تینا عقبائی \*

مسئله اصلی که در این نوشتار مورد توجه است، حقوق شهروندی و قوانینی است که از این حقوق حمایت میکند و همچنین تفاوتی که میان حقوق شهروندی اسلامی و حقوق شهروندی غربی وجود دارد.

حقوق شهروندی از زمره حقوقی است که در طول تاریخ همواره وجود داشته است، اما شاید بسیار کم‌رنکتر از معنای امروزی آن جلوه میکرده است و در این حد به تکامل دست نیافته بود؛ همچنانکه فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بعنوان حقوق ملت به این مهم پرداخته است. نظام سیاسی اسلامی نظام ولایی است و در این نظام، همه چیز در حوزه عقیده شکل میگیرد و معنا مییابد، برخلاف نظامهای دیگر که دولت و ملت در چارچوب جغرافیای طبیعی شکل میگیرد. مدعای نوشتار حاضر این است که در این نظام شهروندی نیز مفهوم تازه‌یی به خود میگیرد و هر مسلمانی در هر گوشه جغرافیایی زمین این امت اسلامی را کامل میکند که خود رونق‌بخش صلح جهانی و یکپارچگی بدور از حد و مرز جغرافیایی، رنگ و نژاد و زبان است که تمامی بشریت را واحد و یکی دانسته و گروهی را بر گروه دیگر برتری نمیدهد و فقط براساس عقیده که از آن به کلیت اسلام یاد میشود بنا نهاده شده است و واژه امت را که ریشه مذهبی دارد جایگزین واژه ملت (Nation) نموده است که بسی فراتر و زیباتر از آن است. برخلاف این اصطلاح غربی، ملیت، نژاد، رنگ و فرهنگ، نقشی در مفهوم شهروندی ندارد و هر مسلمانی در هر گوشه از جهان بعنوان شهروندان اسلام و امت اسلام شناخته میشوند. درواقع حقوق شهروندی اسلامی فراسرزمینی عمل میکند و کل جهان را برای رسیدن به صلح و آرامش فرا میخواند.

**کلید واژه‌ها:** حقوق شهروندی اسلامی، حقوق شهروندی غربی، صلح جهانی،

امت، ملت

## فلسفه جهاد و صلح در قرآن و سنت

عبدالغفور جامی رودی<sup>۱</sup>، امین الله سالم رودی<sup>۲</sup>

جهاد از جهد یا جهد بمعنی طاقت و مشقت گرفته شده است و نویسندگانی چون دکتر محمد معین، مؤلف *اقرب الموارد* و... یکی از معانی جهاد را «تلاش و کوشش برای دفاع در مقابل دشمن» و یا «مبارزه مسلمین با کفار بمنظور دعوت به اسلام و یا استقلال حکومت اسلامی» بیان نموده‌اند.

در قرآن نیز چهل بار از ریشه «جهد»، دوازده بار از ریشه «قتال» و در شش آیه از «حرب» سخن به میان آمده است. مؤلف تفسیر شاهی این تعداد آیه را به ۳۲ و مؤلف *ادوار فقه* به ۳۳ مورد رسانده است.

اسلام همچنین به حقوق مردم توجه ویژه‌ی مبذول می‌دارد و منابعی چون قرآن، سنت، اجماع و قیاس (عقل) در این زمینه ضامن بقای دین معرفی شده‌اند. بهمین دلیل، نخستین اصل حقوقی که در روابط بین‌الملل اسلامی ایجاد گردیده، اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است که براساس حق و عدل و قانون به آن پایبندی نشان می‌دهد؛ بطوری که بصراحت در قرآن همگی را به صلح دعوت میکند: «ادخلوا فی السلم كافة». همچنین آیات ۱۶۴ سوره بقره، ۱۰۳ سوره انعام، ۸ سوره دخان، ۴ و ۵ سوره صافات، ۶۵ و ۶۶ سوره ص و ۷۰ سوره قصص از نمونه‌های بارزی است که در قرآن آدمیان را بسوی وحدت رهنمون می‌شود. مسلمانان نیز به تأسی از قرآن اولین کسانی بودند که

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مشهد و دبیرآموزش و

پرورش شهرستان خواف

۲. کارشناس فقه و حقوق اسلامی و دبیرآموزش و پرورش شهرستان خواف

قرنها قبل از غربیان، به نگارش کتب «سیر» در زمینه حقوق انسان پرداختند. زید بن علی نخستین کسی بود که در این زمینه کتاب نوشت و افرادی چون عبدالرحمن آوزاعی، ابویوسف (از شاگردان ابوحنیفه)، ابواسحاق فزاری، محمد حسن شیبانی و پرفسور احمد رشید نیز این راه را ادامه دادند و کتبی در زمینه حقوق بین‌المللی به نگارش درآوردند.

ایجاد امنیت جهانی و صلح و سازش مهمترین هدف رسالت اسلام بوده و این دین مبین پیوسته پیروان خود را از ایجاد تفرقه بازداشته است. شخصیت‌هایی چون «اولین زینب کوبولو»، «عمرمیتا»، «فاطمه کازو»، «جان اف. سی. لی»، «علی محمد موری»، «مسعوده اشتاین من» از جمله کسانی هستند که ایجاد صلح و امنیت در اسلام را از دلایل ایمان آوردن خود به شریعت محمدی (ص) دانسته‌اند.

**کلید واژه‌ها:** قرآن، حدیث، جهاد، مقاومت، اسلام، دفاع، صلح، معاهده

## هستی‌شناسی جنگ و صلح از دیدگاه اسلام و رابطه آن با ایدئولوژی سلفی در روابط بین‌الملل

محمدحسن خواجه‌ئی راوری<sup>۱</sup>، عباس عباس‌پور باغابری<sup>۲</sup>

رابطه اسلام با جنگ و صلح از مباحثی است که بواسطه روابط سیاسی حاکم بر دنیای امروز، بیشتر در سه دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بنظر میرسد علت اصلی این مهم، مباحث سیاسی و نحوه تعامل کشورهای غیرمسلمان با مسلمانان باشد. این تعامل در برهه‌یی از زمان، حملات رسانه‌یی علیه اسلام با عناوین «خشونت طلبی» و «تروریسم» را در پی داشت. از سویی دیگر با رشد گروه‌های سلفی خشونت‌طلب و توجیه این خشونت ساختاری بر مبنای آموزه‌های اسلام، این خطر احساس میشود که چهره اسلام در روابط بین‌الملل بعنوان مکتب خشونت بنظر برسد. براین اساس، اولین گام برای شناخت این موضوع، مراجعه به متون اصیل اسلامی است؛ چرا که در هر حال، تعالیم اسلام جزء علوم نقلی است و وابسته به متون و اسناد و مدارک موضوع خود میباشد. برپایه نتایج بدست آمده از این پژوهش، دین در ذات خود نه تنها عامل ستیز و خشونت نیست، بلکه قادر است مسالمت‌آمیزترین و در عین حال اخلاقیترین روابط را میان انسانها و همچنین روابط بین‌الملل برقرار سازد. سؤال اصلی این است که جایگاه صلح و جنگ در آموزه‌های اسلام چیست؟ و رابطه آن با ایدئولوژی سلفی چگونه است؟ نوشتار حاضر در روند

---

۱. کارشناس ارشد دیپلماسی و سازمانهای بین‌المللی دانشکده وزارت امور خارجه

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

منطقی خود، علاوه بر قرآن کریم؛ منابع تفسیری، فقهی، اخلاقی، تاریخی، ادبی و عرفانی شیعه و اهل سنت را نیز مورد استفاده قرار داده است.

**کلید واژه‌ها:** اسلام، جنگ، صلح، ایدئولوژی سلفی، روابط بین‌الملل، تروریسم،  
خسونت‌طلبی